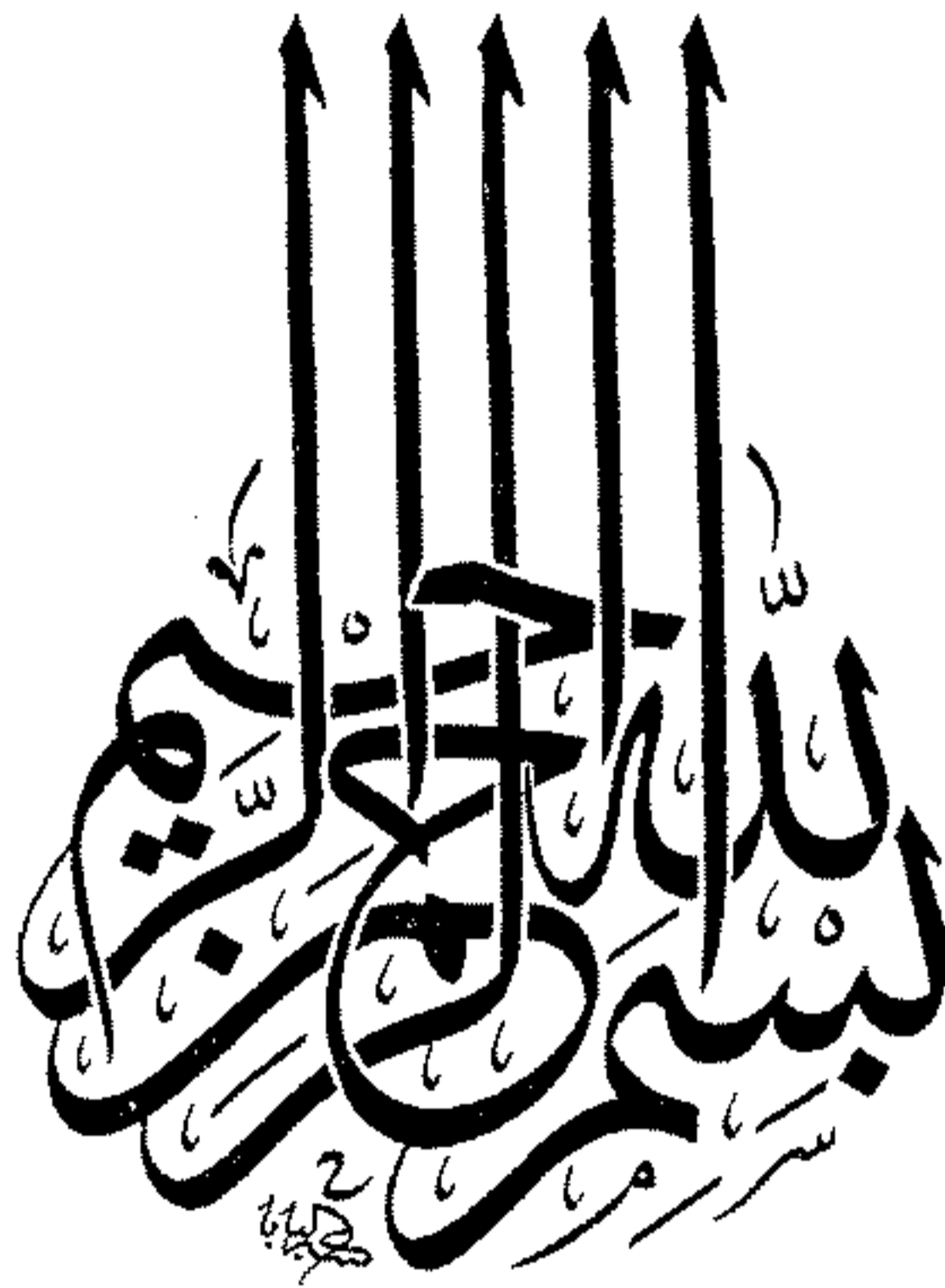


وقتِ ظہورِ نزدیکِ ابدیت

صفائی بوشہری





وقت ظہور نزدیک است

مؤلف:

غلامعلی صفائی بوشہری

صفائی، غلامعلی، ۱۳۲۸ -

وقت ظهور نزدیک است / مؤلف غلامعلی صفائی بوشهری -

بوشهر: موعود اسلام، ۱۳۸۳.

۱۹۲ ص. ۱۱۰۰۰ ریال ISBN: 964 - 7716 - 53 - 2

فهرست نویسی براساس اطلاعات قیبا.

کتابنامه: ص. [۱۹۱] - ۱۹۲.

۱. محمدبن حسن (عج)، ۲۵۵ ق - ۲. مهدویت - انتظار. الف. عنوان.

۷ و ۶۶ ص / ۴ / ۲۲۴ BP ۲۹۷ / ۲۶۲

کتابخانه ملی ایران ۱۸۲۷۴ - ۸۳ م

شابک: ۲ - ۵۳ - ۷۷۱۶ - ۹۶۴ - ۵۳ - ۲ INBN: 964 - 7716 - 53 - 2



مؤسسه انتشاراتی موعود اسلام

شناسنامه کتاب: □ وقت ظهور نزدیک است

نام کتاب: وقت ظهور نزدیک است

تألیف: غلامعلی صفائی بوشهری

ناشر: موعود اسلام

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۸۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ:

قیمت: ۱۱۰۰ تومان

مراکز پخش: □

قم: خیابان شهداء، کوی ۲۸ - پلاک ۱۴۹ تلفن: ۷۸۳۱۸۳۱ - ۲۵۱

تلفاکس: ۷۸۳۱۸۳۲

بوشهر: خیابان لیسان، مؤسسه انتشاراتی موعود اسلام

تلفن: ۲۵۲۴۹۳۳ - ۰۷۷۱ - ۲۵۲۲۳۰۴ نمابر: ۲۵۲۲۳۰۴

﴿کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است﴾

فهرست مطالب

پیشگفتار	۷
۱. او خواهد آمد	۹
۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در قرآن	۱۱
۳. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در روایات	۱۵
۴. مهدی آل محمد <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> کیست؟	۲۳
۵. نام و لقب و کنیه‌ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه	۲۹
۶. مشخصات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه	۳۱
۷. لوح حضرت فاطمه <small>عَلَيْهَا السَّلَام</small> و ذکر نام امامان در آن	۳۳
۸. ایمان به وجود و امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه واجب است	۳۷
۹. شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به پیامبران خدا	۳۹
۱۰. سیره‌ی اخلاقی و رفتاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه	۴۳
۱۱. نظر علمای اهل سنت پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه	۴۵
۱۲. نظر مذاهب جهان درباره‌ی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه	۴۹
۱۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و فرشتگان الهی	۵۱
۱۴. راز طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه	۵۳
۱۵. غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و علت آن	۵۷
۱۶. نواب خاص و عام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه	۶۳
۱۷. نقش علمای شیعه در زمان غیبت	۶۷
۱۸. انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و ارزش آن	۷۱
۱۹. شیعه و شیعیان از آغاز تاکنون	۷۵
۲۰. جامعه جهانی در عصر غیبت	۸۹

۲۱.	وقت ظهور.....	۹۵
۲۲.	علائم ظهور.....	۱۰۵
۲۳.	ویژگی های منتظران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه.....	۱۱۳
۲۴.	خصوصیات یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در وقت ظهور.....	۱۰۷
۲۵.	مسیر حرکتی قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه.....	۱۱۹
۲۶.	مرکز حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه.....	۱۲۱
۲۷.	سیمای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه.....	۱۲۳
۲۸.	سید خراسانی و یمانی.....	۱۲۷
۲۹.	سفیانی و دجال.....	۱۲۹
۳۰.	حضرت عیسی و رجعت او در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه... ..	۱۳۱
۳۱.	رجعت.....	۱۳۳
۳۲.	احیای دوباره ی اسلام به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه.....	۱۳۷
۳۳.	جهان بعد از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه.....	۱۴۱
۳۴.	سفارش های امام زمان عجل الله تعالی فرجه به شیعیان در زمان غیبت کبرا ..	۱۴۳
۳۵.	امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و شب قدر و عرضه ی اعمال ما به ایشان ..	۱۴۷
۳۶.	علم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه.....	۱۵۱
۳۷.	دعاهایی از زبان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه.....	۱۵۵
۳۸.	داستان هایی از دیدار یار.....	۱۵۹
۳۹.	احادیثی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه.....	۱۷۹
۴۰.	پرسش و پاسخ درباره ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه.....	۱۸۳
	منابع و مأخذ.....	۱۹۱

پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على مُحَمَّد و آله الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضین و لعنة الله على أعدائهم أجمعين.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید دعوت خداوند و پیامبرش را بپذیرید آن‌گاه که شما را به

چیزی فرا می‌خوانند که به شما حیات طیبه می‌بخشد.»

مهمترین و اساسی‌ترین وظیفه‌ی انسان در زندگی خویش بعد از اعتقاد و ایمان به ذات احدیت و باور توحیدی آن، شناخت رهبر الهی و هدایت‌گر فکری و الگوی رفتاری در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی می‌باشد؛ تا با معرفت به ایشان راه سعادت و کمال را دریابد و با پیروی و مجاهدت راه ارتقاء به قلعه‌های قرب الهی، خوشبختی و رستگاری را بی‌یابد.

بی‌گمان عدم شناخت امام در هر عصر باعث انحراف فکری و عملی، انحطاط به صراط خشم الهی، گمراهی و تیره‌بختی انسان خواهد گشت به طوری که چنین فردی در یک زندگی کاملاً جاهلانه به سر برده و عمر خویش را در یک حیات سراسر تاریک به پایان رسانده است.

امام حسن عسکری علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.^۲

«هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد عمر خویش را جاهلانه به سر آورده است.»

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۵.

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۲۴.

بنابراین:

۱. شناخت امام زمان.

۲. اطلاع از مبانی دینی ایشان در ابعاد اعتقادی و عملی.

۳. پیروی و اطاعت از وی.

جوهره‌ی تدین و روشن‌اندیشی و میزان تقوای هر شخص در هر زمان بوده و ملاک ارزشمندی وی در ارزش‌نامه‌ی حقیقی جهان خلقت می‌باشد.

هم اکنون، امام زمان کسی است که آخرین پرچم‌دار عرشی دین بوده و سیل خروشان عمر طولانی جهان بشریت به سوی دریای پرکرامت و مآل‌مال از عدالتش در جریان می‌باشد.

او کاروان سالار ارشاد انسان در بند، از خراب‌کده‌ی ظلمت شیاطین جهل و ظلم به سوی آبادکده‌ی نور ولایت الهی است.

او نجات‌بخش کشتی توفان‌زده‌ی ویران حیات انسان در دریای خونین و بحران‌زده و پر از کوسه‌های جزّار آدم‌خوار می‌باشد.

او رساننده‌ی انسان به ساحل امن و امنیت، آرامش و آسایش، عدالت و دانش و کمال معنویت و اخلاق و خوشبختی است.

او کسی است که اهداف الهی خلقت انسان را که عبودیت عالمانه و عارفانه‌ی خداوند است تحقق می‌بخشد و انسان را از سلسله بردگی شهوت و شیطنت، تزویر و تحریف، و سلطنت استکبار بر مملکت جان و روح جامعه رهایی می‌بخشد.

او عصاره جمیع انبیاء و امامان پاک، و دارنده‌ی جمیع علوم الهی است، او قائم آل محمد عجل‌الله تعالی فرجه است.

دین او دین خاتم است و امامت او امامت خاتم است.

این مجموعه در چهل عنوان با انگیزه‌ی شناساندن هر چه بیشتر ابعاد وجودی آن حضرت است، امید است مورد پسند حضرت باری تعالی و آن امام عزیز عجل‌الله فرجه افتد، و موجب شناخت بیشتر آن خورشید در حجاب برای مخاطبان گردد. در پایان از محقق محترم جناب آقای متقیان که برای تصحیح و تکمیل و پژوهش‌های تحقیقی این مجموعه متقبل زحمات فراوانی شدند، کمال تشکر دارم.



او خواهد آمد

بشارت ظهور و طلوع خورشید عالم تاب، قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف و نوید نجات کشتی توفان زده و گرفتار در گرداب مرگ فضائل انسانی به دست آن منجی عالم بشریت در کتاب های آسمانی به ویژه قرآن و نیز در احادیث بسیاری از معصومان علیهم السلام بیان شده است. خداوند متعال در قرآن فرموده است:

﴿لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱

«ما در کتاب «زبور»^۲ بعد از آنکه در «تورات»^۳ نیز نگاهشتیم بیان کرده ایم که زمین به

بندگان شایسته خواهد رسید.»

و خداوند در آیه ی دیگری می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾^۴

«خداوند به آنان که ایمان آورده و اعمال شایسته می کنند وعده داده است که آنان را

خلیفه و حاکم در زمین گرداند.»

بررسی تاریخی در حیات ادیان الهی نشان می دهد که همواره جبهه ی ضد دین با به کارگیری تمامی ابزار محو دین - مانند مردم فریبی، سیاه نمایی شخصیت رهبران دینی، تحریف و تمسخر قوانین دین، تطمیع و تهدید چهره های ممتاز دینی و جذب آنان به سوی خود، ترویج فرهنگ ضد دینی در بین جوامع، القای روح بدبینی به مبانی دین و حکومت دینی و در آخر تحمیل کردن جنگ های براندازی -

۱. سوره ی انبیاء، آیه ی ۱۰۵.

۲. نام کتاب آسمانی حضرت «داوود» است.

۳. سوره ی نور، آیه ی ۵۵.

۴. نام کتاب آسمانی حضرت «موسی» است.

درصدد اضمحلال دین و برقراری فرهنگ ابتدال بوده است. ولی خداوند چون جهان را با هدف برقراری حاکمیت روح دین بر آن آفریده است، سرانجام جهان را به سوی استقرار حکومت جهانی دین هدایت خواهد کرد و سلسله‌ی بعثت پیامبران را به شخصی خواهد رسانید که تمام اهداف دین و پیامبران را در جهان تحقق خواهد بخشید. او قائم آل محمد علیهم‌السلام است که با ظهور خود سلطه‌ی تاریخی جباران و ستم‌پیشگان و جبهه‌ی دین‌ستیزان را درهم خواهد شکست و کشتی درهم شکسته‌ی جهان مدفون در ابتدال اعتقادی، سیاسی و اخلاقی را به ساحل آرامش و امنیت و مهیا برای کمال همه جانبه‌ی انسان خواهد رسانید. مهدی موعود با ظهور خود بنای تاریکی‌های اندیشی و اجتماعی و فرهنگی را به کاخ نور فرهنگ و اندیشه دینی مبدل کرده و نیز توفان‌های سیاه مادی‌گرایی و فساد اخلاقی را به نسیم آرامش معنویت و اخلاق انسانی تغییر خواهد داد، وی اساس و ریشه‌ی سیاست‌های ظالمانه‌ی ستم‌پیشگان و بنیاد طراحی بنیان‌گزاران انحطاط و بردگی جذاب و مدرن انسان را در هم کوبیده و بساط ظلم و جور همه جانبه‌ی آنان را برخواهد چید، او طبیعت ناآرام جهان را که به اشکال مختلف مثل زلزله و آتشفشان و سیل و قحطی و خشکسالی چنگ و دندان نشان می‌دهد، آرام کرده و به خدمت جهانیان درخواهد آورد.

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرماید:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي يُوَاطِي اسْمُهُ اسْمِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا.^۱

«اگر یک روز از عمر دنیا باقی باشد خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از

تبار من را ظاهر سازد که اسم او همانند اسم من می‌باشد. او زمین را پر از عدل و داد خواهد

کرد همانطور که قبل از آن سراسر آکنده از ظلم و ستم است.»



امام «مهدی» عجل الله تعالی فرجه در قرآن

در قرآن کریم آیات بسیاری است^۱ که درباره‌ی آن حضرت سخن گفته است و نوید و بشارت ظهور آن وجود مقدس و آثار عرشی آن را داده است. که ما در اینجا به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. او «بقیة الله» است.

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۲

«بقیة الله برای شما اگر ایمان دارید بهترین است.»

۲. سرانجام زمین از آن امام «مهدی» عجل الله تعالی فرجه و یارانش خواهد شد.

﴿لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۳

«ما بعد از تورات در زبور نیز نگاشته‌ایم که سرانجام زمین به بندگان شایسته خواهد

رسید.»

۳. وعده‌ی خداوند به حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه و یارانش.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

الْأَرْضِ﴾^۴

«خداوند به کسانی از شما که ایمان داشته و عمل شایسته انجام می‌دهند وعده داده

۱. تعداد آیاتی که درباره‌ی آن امام در قرآن ذکر شده است بیش از صد آیه می‌باشد که ما به چهارده مورد آن

اشاره می‌کنیم. ۲. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۸۶.

۳. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۱۰۵. ۴. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۵۵.

است که بی‌گمان در زمین به خلافت می‌رسند.»

۴. اراده‌ی خدا به امامت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه و مستضعفان.

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱

«ما اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت گذارده و آنان را پیشوا و وارث زمین گردانیم.»

۵. دعای او مستجاب است.

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾^۲

«یا کیست آن که شخص درمانده چون وی را بخواند اجابت کند.»

۶. خداوند آن‌گاه که بخواهد یارانش را به گرد او در خواهد آورد.

﴿أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۳

«هر کجا که باشید خداوند شما را گرد آورد که بی‌گمان خداوند بر هر چیز تواناست.»

۷. خداوند یارانش را امتحان خواهد کرد.

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾^۴

«ما شما را با ترس، گرسنگی و ضررهای مالی و خطرات جانی و کمبود میوه‌ها و کشت و زرع امتحان می‌کنیم و بشارت ده - ای پیامبر - به آنان که شکیبیا هستند.»

۸. فرمان خداوند به پیروی نمودن از ایشان.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۵

۲. سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۶۲.

۴. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۵.

۱. سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۵.

۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۸.

۵. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۵۹.

«خداوند اراده کرده است که با امدادهایش حق را پیروز گرداند و ریشه‌ی کافران را

براندازد.»

۱۴. خداوند، سرانجام به قیام آن حضرت اجازه خواهند داد.

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾^۱

«به رزمندگان اجازه‌ی جهاد داده شده است زیرا ستم‌گران به آنان ظلم روا داشته‌اند و

خداوند به یاری آنان قادر و تواناست.»



امام «مهدی» عجل الله تعالی فرجه در احادیث

نوید ظهور حضرت مهدی (عج) و برکات وجود ایشان علاوه بر اینکه در قرآن و کتاب‌های آسمانی آمده است در سخنان همگی پیشوایان و رهبران معصوم دین اسلام نیز بیان شده است،^۱ که این خود نشان از حتمیت و عظمت وجود و ظهور آن امام دارد و ما در این گفتار به چهارده حدیث از چهارده معصوم از میان انبوه احادیث مهدویت بسنده می‌کنیم.

۱. پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره‌ی حضرت مهدی (عج) می‌فرماید:
الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اَسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي اَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا،
تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهِ الْاُمَمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقِيبِ فَيَمْلأُهَا عَدْلًا
وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.^۲

«مهدی» از فرزندان من است اسم و کنیه‌ی او همانند اسم و کنیه‌ی من است، او شبیه‌ترین کس به من در ظاهر و باطن می‌باشد. او غیبتی دارد که مردم را به حیرت می‌اندازد، سپس چون شهاب آسمانی ظهور می‌کند و جهان را که سراسر ظلم و جور فرا گرفته پراز عدل و داد می‌کند.»

۲. امیر مؤمنان امام علی بن ابی طالب عليه السلام درباره‌ی حضرت مهدی (عج) به امام

۱. شایان ذکر است که قریب به ۳۰۰۰ حدیث در منابع حدیثی شیعه و سنی درباره‌ی حضرت مهدی (عج) وجود دارد؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۶؛ منتخب‌الأثر، ص ۱۸۳.

۲. نوادر الأخبار، ص ۲۲۶؛ کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۸۶؛ إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۰.

حسین علیه السلام می فرماید:

التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ - يَا حُسَيْنُ - هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُظْهِرُ بِالذِّينِ الْبَاسِطُ
لِلْعَدْلِ.

قَالَ الْحُسَيْنُ علیه السلام: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّ ذَلِكَ لَكَائِنٌ؟
قَالَ علیه السلام:

إِي، وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ وَاصْطَفَاهُ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ، لَكِنْ بَعْدَ غَيْبَةٍ
وَ حَيْرَةٍ لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ
أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُمْ بَوَلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ.^۱

«نهمین از فرزندان من - ای حسین - حق را به پا خواهد داشت و دین را آشکار می کند و
عدل را می گستراند.»

امام حسین علیه السلام: ای امیرمؤمنان، آیا این امر واقع می شود؟

«آری، قسم به آن که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به پیامبری برگزید و او را بر همه جهانیان
برتری بخشید. البته این امر بعد از یک غیبت حیرت آور واقع می شود به طوری که در
زمان غیبت تنها اهل اخلاص و آنان که روح یقین در نهاد وجودشان قرار دارد به دین او
بوده و پیرو ایشان می باشند. آنان کسانی هستند که خداوند از آنان عهد و پیمان دوستی و
پیروی ما را گرفته است و ایمان بر قلب‌هایشان نقش بسته است و تأییدات خداوندی آنان را
یاری می رساند.»

۳. حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام درباره‌ی حضرت مهدی (عج) می فرماید:

هَذَا رُوحٌ أَهْدَاهُ اللَّهُ إِلَى رَسُولِهِ، فِيهِ أَسْمُ بَعْطِي وَأَسْمُ ابْنِي وَأَسْمُ الْأَوْصِيَاءِ
مِنْ وُلْدِي، وَأَعْطَانِيهِ أَبِي لِيُبَشِّرَنِي بِذَلِكَ.^۲

«این دیوانی است که خداوند آن را به پیامبرش عطا کرده است، در آن نام شوهرم و

۱. أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۵۵؛ إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۴.

۲. الكافي، ج ۱، ص ۵۲۷.

و فرزند امام حسن عسکری که او فرزند امام هادی که او فرزند امام جواد که او فرزند امام رضا که او فرزند امام کاظم که او فرزند امام صادق که او فرزند امام باقر که او فرزند امام سجاد که او فرزند من است می باشد، او کسی است که مدّت مدیدی غایب خواهد شد سپس ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند همان گونه که قبل از آن پر از ظلم و جور بوده است».

۶. امام سجاد علیه السلام درباره‌ی امام زمان (عج) و شیعیان ایشان در زمان غیبت می فرماید:

مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مَوَالِيَنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِدَائِهِ
بَدْرٍ وَأُحُدٍ.^۱

«هر کس در زمان غیبت قائم آل محمد پیرو ما بوده و در این راه پایدار و ثابت قدم باشد خداوند به او پاداش هزار شهید مثل شهیدان جنگ بدر و اُحد عطا می کند».

۷. امام باقر علیه السلام درباره‌ی امام زمان (عج) و آثار پربرکت و جودی ایشان می فرماید:

الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَتُظْهِرُ لَهُ
الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.^۲

«خداوند رعب و وحشت از قائم آل محمد علیه السلام را در دل دشمنانش قرار می دهد و او را پیروز می گرداند، زمین در اختیار او می گردد و گنج هایش برای او آشکار می شود و سلطنت او شرق و غرب جهان را فرا می گیرد».

۸. امام صادق علیه السلام درباره‌ی عظمت آن امام می فرماید:

لَوْ أَدْرَكَتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.^۳

۱. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۴۴۲ و ۴۴۳. ۲. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸؛ مکبّال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۸.

«اگر او را می‌یافتیم و در زمان او می‌بودم تمام عمرم خدمت‌گزار او می‌شدم».

۹. امام کاظم علیه السلام درباره‌ی خصوصیات ظاهری حضرت مهدی (عج) می‌فرماید:

الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِأَبِي الْمُنْدَحِ الْبَطْنِ، الْمَقْرُونُ الْحَاجِبِينَ،
أَحْمَشُ السَّاقَيْنِ، بَعِيدٌ مَا بَيْنَ الْمُنْكَبَيْنِ، أَسْمَرُ اللَّوْنِ يَغْتَوِرُهُ مَعَ سُمَرْتِهِ صُفْرَةٌ
مِنْ سَهْرِ اللَّيْلِ. بِأَبِي مَنْ لَيْلَهُ يَزْعَى النُّجُومَ سَاجِدًا وَرَاكِعًا، بِأَبِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي
اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَيْمٍ، مِضْبَاحُ الدُّجَى بِأَبِي الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ.^۱

«قائم آل محمد - که پدرم فدای او باد - شکمی برجسته دارد، ابروهایش به هم پیوسته و ساق پایش باریک است، او چهارشانه است و چهره‌اش به خاطر شب زنده‌داری و عبادت گندمگون و زرد است. پدرم فدای کسی یاد که شب را به سجده و رکوع با ستارگان به سر می‌برد. پدرم فدای او باد که در راه خدا ذره‌ای کوتاهی نمی‌کند و سرزنش ملامت‌گران بر او تأثیری ندارد. او شعله‌ی فروزان در شب است. پدرم فدای قائم آل محمد باد که دین خدا را زنده کند».

۱۰. امام رضا علیه السلام درباره‌ی امام زمان (عج) می‌فرماید:

الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ وَبَعْدَ عَلِيِّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَبَعْدَ
الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ
الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ
جَوْرًا.^۲

«امام بعد از من فرزندانم «محمد» و بعد از او فرزندش «علی» و بعد از ایشان فرزندش «حسن» و بعد از او فرزندش حجت و قائم آل محمد است، او در زمان غیبتش همه در انتظارش بوده و در زمان ظهورش همه مطیع او خواهند بود. اگر یک روز از عمر دنیا باقی

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۳؛ فلاح السائل، ص ۱۹۹.

۲. عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۶؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۵۷.

باشد خداوند آن روز را طولانی گرداند تا او ظاهر شود و جهان را پر از عدل و داد کند همان‌گونه که پر از ظلم و جور بوده است.»

۱۱. امام جواد علیه السلام پیرامون شخصیت عرشی حضرت مهدی (عج) می‌فرماید:
 إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ
 وَهُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي؛ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالنُّبُوَّةِ وَخَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ
 لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ
 قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - يُصْلِحُ أَمْرَهُ فِي
 لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَام إِذْ ذَهَبَ لِيُقْتَسِمَ لِأَهْلِيهِ نَارًا فَرَجَعَ وَهُوَ
 رَسُولُ نَبِيِّ... أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ.^۱

«بی‌گمان قائم آل محمد علیهم السلام حضرت مهدی است که واجب است در زمان غیبتش همه در انتظار او باشند و در زمان ظهورش همگی فرمان او برند. او سومین فرزند از نسل من است. سوگند به آن که پیامبر گرامی اسلام محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به پیامبری برگزید و ما را امامت بخشید اگر یک روز از دنیا باقی باشد خداوند آن روز را طولانی کند تا آن امام ظاهر شود و دنیا را پر از عدل و داد کند همان‌گونه که قبل از آن پر از ظلم و جور بوده است. به راستی که خداوند متعال کار ظهور او را در یک شب به سرانجام رساند همان‌طور که کار رسالت حضرت موسی را در یک شب به سامان رساند آن زمان که او برای یافتن آتش برفت و آن‌گاه که وی برگشت، پیامبر خدا شده بود... بهترین عمل شیعیان ما انتظار فرج و ظهور امام زمان علیه السلام است.»

۱۲. امام هادی علیه السلام درباره‌ی آن حضرت می‌فرماید:
 الْإِمَامُ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ
 قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا.^۲

«امام بعد از من فرزندم «حسن» است و بعد از او فرزندش قائم آل محمد است، او زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌طور که پر از ظلم و جور بوده است».

۱۳. امام عسکری علیه السلام درباره‌ی ایمان به امام زمان (عج) می‌فرماید:

إِنَّ الْمُقَرَّ بِالْأَيْمَةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُنْكَرُ لَوْلَدِي كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ نُبُوَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْمُنْكَرُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَمَنْ أَنْكَرَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كَطَاعَةَ أَوَّلِنَا وَالْمُنْكَرُ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوَّلِنَا.^۱

«آن کس که به همه امامان بعد از پیامبر خدا ایمان دارد ولی امامت فرزندم - مهدی - را انکار می‌کند مانند کسی است که به همه‌ی پیامبران خدا ایمان دارد ولی رسالت حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را انکار می‌کند و هر که پیامبری محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را انکار کند گویا پیامبری همه پیامبران را انکار کرده است؛ زیرا که پیروی از آخرین ما همانند پیروی از اولین ماست و انکار آخرین ما بسان انکار اولین ماست».

۱۴. امام زمان علیه السلام در بیان شخصیت خویش می‌فرماید:

أَنَا قَائِمٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ أَنَا الَّذِي أُخْرَجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ بِهَذَا السَّيْفِ؛ فَأَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا.^۲

«من قائم آل محمد هستم، من کسی هستم که در آخر زمان با این شمشیر ظهور می‌کنم و زمین را پر از عدل و داد می‌کنم همان‌طور که قبل از آن آکنده از ظلم و جور می‌باشد».

۱. أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۵۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۴۱؛ چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۳۷۵.



حضرت «مهدی» عجل الله تعالی فرجه کیست؟

امام «مهدی» علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. او امام دوازدهم شیعیان جهان می باشد، مادر بزرگوارش «نرجس» از نوادگان قیصر روم «یوشعا» و از نسل «شمعون» جانشین حضرت «عیسی» علیه السلام است. آن امام در سحرگاه نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ قمری^۱ در شهر سامرا^۲ به دنیا آمد و با تولدش طلوع خورشید موعود دین تحقق یافت.

ماجرای مادر

هنگامی که بانوی بزرگوار «نرجس» در روم زندگی می کرد یک بار در خواب دید که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به همراه حضرت عیسی علیه السلام او را به عقد یکی از فرزندان خود به نام امام حسن عسکری علیه السلام در آوردند. بار دیگر در خواب دید که حضرت فاطمه علیها السلام او را دعوت به اسلام کرد و او نیز اسلام آورده است، او با دیدن این خوابها یقین پیدا کرد که دین اسلام حق است، پس اسلام آورد ولی از ترس اطرافیان آن را پنهان می کرد. بعد از چندی میان لشکر اسلام و روم جنگ شد و «نرجس» در خواب دید که

۱. الإبرشاد، ج ۲، ص ۳۲۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴.

۲. «سامرا» شهری در عراق است که در زمان حضرت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام محل حکمرانی و مقر لشکر عباسیان بوده است حکمرانان دولت آن دو امام را از مدینه به آنجا فراخواندند و در آنجا زیر نظر داشتند و بعد از چندی آن دو امام بزرگوار را به شهادت رساندند، هم‌اکنون مرقد مطهر آن دو امام و مادر حضرت مهدی در آنجا بوده و محل زیارت شیعیان جهان است.

باید در میان خدمتکاران و کنیزان همراه لشکریان روم به طرف میدان نبرد حرکت کند و او نیز پنهانی چنین کرد، در این گیر و دار توسط مرزبانان لشکر اسلام اسیر شد و بدون اینکه کسی بداند او از خانواده‌ی قیصر روم است به بغداد فرستاده شد و به عنوان برده در معرض فروش قرار گرفت.

امام «هادی» علیه السلام پیشوای دهم شیعیان جهان نامه‌ای به زبان رومی نوشت و به دست یکی از کارگزاران خود داد تا به بغداد ببرد و به «نرجس» برساند و او را از بازار برده‌فروشان خریداری کند و به سامرا نزد امام «هادی» علیه السلام بیاورد و او چنین کرد «نرجس» با دیدن نامه‌ی امام آن را بوسید و راضی به فروش خود به نماینده‌ی امام شد و همراه وی به سامرا آمد و به محضر امام «هادی» شرفیاب شد.

امام «هادی» علیه السلام تمام خواب‌هایی که «نرجس» دیده بود برای او بیان کرد و به او بشارت داد که همسر یازدهمین امام خواهد شد و مادر فرزندی است که بر سراسر جهان حکومت دینی و عادلانه خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود. امام «هادی» علیه السلام او را به خواهر خود «حکیمه» سپرد تا آداب و احکام اسلامی را به او بیاموزد.

«نرجس» چنان عالی مقام و بافضیلت بود که «حکیمه» که خودش از بانوان بزرگ خاندان امامت و رسالت است او را سرور خود و خانواده‌اش می‌خواند و خود را خدمتگزار او می‌دانست.^۱ بعد از چندی «نرجس» به همسری امام حسن عسکری علیه السلام درآمد. سالها از این ازدواج گذشت، اما امام از وی دارای فرزندی نگردید و «حکیمه» همواره برای فرزنددار شدن امام عسکری علیه السلام دعا می‌کرد.

ماجرای تولد

«حکیمه» یک روز که به دیدار امام آمد، مطابق عادت همیشگی خود دعای فرزنددار شدن وی را به زبان آورد، امام عسکری علیه السلام به او گفت:

۱. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۲ و ۱۲.

«فرزندی که دعا می کنی، خدا امشب به من عطا می فرماید، او امشب متولد

می شود».

حکیمه که در هیچ یک از زنان امام آثار حاملگی نمی دید با تعجب گفت:
«سرور من، از چه کسی متولد می شود؟ من در نرجس اثری از حمل نمی بینم».

امام فرمود:

«او از نرجس متولد می شود نه از غیر او».

«حکیمه» می گوید: من برخاستم و «نرجس» را دقیقاً معاینه کردم هیچ اثری از حاملگی در او نبود به سوی امام بازگشتم و او را از کار خود آگاه ساختم.

امام تبسمی نمود و فرمود:

«سپیده دم بر تو آشکار می شود که او فرزندی دارد زیرا او نیز همانند مادر موسی

کلیم الله است که آثار حاملگی او آشکارا نبود و کسی حاملگی او را تا ولادت فرزندش

نمی دانست زیرا فرعون که در جستجوی موسی بود شکم زنان حامله را می درید. این

طفل نیز همانند موسی است و دشمنانش در جستجوی اویند».^۱

فرعونیان عباسی به دنبال موسای زمان

طبق روایات بسیار زیادی که از پیامبر ﷺ و دیگر امامان معصوم علیهم السلام نقل شده

است نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام قائم آل محمد علیهم السلام خواهد بود که سلسله

غاصبان حکومت دینی را نابود کرده و درخت خبیث ظلم و ستم را برخواهد چید و

حکومت صالحان و امامان معصوم را برقرار نموده و عدل جهانی را ایجاد خواهد

کرد.

سلمان فارسی می گوید: روزی خدمت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله رسیدم،

حسین بن علی علیه السلام را روی زانوی خود نشانده بود و چشمها و لبهای او را می بوسید

و می فرمود:

«تو سید، پسر سید و برادر سیدی، تو امام، پسر امام و برادر امامی، تو حجت خدا،

پسر حجت خدا و برادر حجت خدایی، تو پدر نه حجت خدایی که نهمین آنان قائم ایشان است»^۱.

دربار عباسی و خلیفه‌ی وقت «معتمد» - که بعداً دستور قتل امام عسکری علیه السلام را صادر کرد - با توجه به این احادیث پی برده بودند که قائم آل محمد علیهم السلام یعنی همان که ریشه‌ی حکومت ظالمان را برخواهد کند، فرزند امام عسکری علیه السلام است. از این رو همچون فرعون^۲ به دنبال این بودند که به محض اینکه امام عسکری علیه السلام صاحب فرزندی شود او را از بین ببرند به همین جهت امام عسکری را به «سامرا» که مرکز حکومت عباسیان بود آوردند و او را زیر نظر گرفتند، جاسوسانی به خانه‌ی امام می فرستادند تا اگر زنی از خاندان او حامله است به دربار خبر دهند تا او و فرزندش را به قتل برسانند، ولی خداوند تا وقت زایمان «نرجس» این امر را پنهان داشت به طوری که خود او نیز از آن اطلاعی نداشت. «حکیمه» تا سپیده دم مراقب «نرجس» بود تا اینکه نزدیک صبح «نرجس» هراسان از جایش برخاست و خبر از وجود فرزندی داد که در شرف تولد است، امام فرمان داد که سوره‌ی «قدر» بخوانند و آنان این چنین کردند و آن جنین مبارک نیز در رحم مادر با آنان هم صدا می گشت. «حکیمه» می گوید: یک باره «نرجس» ناپدید شد تمام وجودم را ترس فراگرفت، نزد امام آمدم ولی امام فرمود: نترس، برگرد که او را در جای خویش خواهی دید. او می گوید بازگشتم نرجس را دیدم که چنان غرق در نور است که چشم انسان یارای نگاه به آن را ندارد، پسری را که متولد شده بود دیدم که بر بازوی راستش نوشته شده بود:^۳ ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾^۴ او در حال سجده بود و می گفت:

۱. ینابیع المودة، ص ۴۹۲.

۲. فرعون که در پی مادران و فرزندان قوم بنی اسرائیل می گشت تا اگر فرزندی به دنیا آوردند نابود کند چون در خواب دیده بود که فرزندی از قوم بنی اسرائیل او را از تخت سرنگون خواهد کرد.

۴. سوره‌ی اسراء، آیه ۸۱.

۳. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۵۴.

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ جَدِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ»

سپس یکایک امامان را شمرد تا به خودش رسید و فرمود:

«بارخدا یا به وعده‌ی نصرتی که به من داده‌ای وفا نما و امر خلافت و امامت مرا

تمام کن انتقام مرا از دشمنان بگیر و زمین را به واسطه‌ی من پر از عدل و داد کن.»^۱

با تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه خانه‌ی خاندان پیامبر، خورشید دیگری یافت و سرور و شادی پنهان سراسر آن خانه‌ی وحی و مظلومیت را فراگرفت. امام عسکری علیه السلام به همگان فرمان داد که تولد او را از همه پنهان کنند و تنها به یاران خاص خود او را نشان می‌داد^۲ و می‌گفت:

«این بعد از من امام شماست از او دور نشوید که هلاک خواهید شد.»^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲.

۲. امام حسن عسکری علیه السلام به قریب پنجاه نفر از یاران خود امام زمان را نشان داده است.

۳. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۳۰.



نام و لقب و کنیه‌ی امام زمان عجل الله تعالى فرجه

نام مبارک حضرت امام زمان (عج) در روایات زیادی ذکر شده است که هم نام پیامبر گرامی اسلام «محمد» ﷺ است و کنیه‌ی او نیز همانند رسول خدا ﷺ «ابوالقاسم» است و برخی از القاب آن بزرگوار عبارتند از:

مهدی، حجة الله، منتظر، قائم، صاحب الزمان و خلف صالح.
پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي.^۲

«مهدی» از نسل من است اسم او اسم من و کنیه‌ی او همانند کنیه‌ی من است.»

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«الْخَلْفُ الصَّالِحُ» مِنْ وُلْدِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ هُوَ «صَاحِبُ الزَّمَانِ» وَ هُوَ «الْمَهْدِيُّ».^۳

«خلف صالح» از فرزندان امام عسکری است، او «صاحب الزمان» و «مهدی» است.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ «الْمَهْدِيُّ» إِسْمُهُ «مُحَمَّدٌ» وَ كُنْيَتُهُ «أَبُو الْقَاسِمِ» يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ.^۴

«خلف صالح» از نسل من است او «مهدی» بوده و اسم او «محمد» و کنیه‌ی او

«ابوالقاسم» است که در آخر زمان ظهور می کند.»

۱. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۳۰؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۳۲۲.

۲. نوادر الأخبار، ص ۲۲۶؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶؛ إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۰؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص

۶۶۰؛ منتخب الأثر، ص ۱۸۳. ۳. كشف الغمة، ج ۳، ص ۳۷۸.

۴. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۱۸.



مشخصات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

اوصاف ظاهری و باطنی حضرت مهدی (عج) مانند پیامبر خدا ﷺ می باشد، شمایل پیدای آن حضرت و خلق و خوی ایشان آینده تمام‌نمای رسول خداست. پیامبرگرامی اسلام ﷺ می فرماید:

التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي وَمَهْدِيٌّ أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ
وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ لِيُظْهَرَ بَعْدَ غَيْبَةٍ طَوِيلَةٍ وَخَيْرَةٍ مُضِلَّةٍ فَيُعْلِي أَمْرَ اللَّهِ وَيُظْهَرَ دِينَ
اللَّهِ وَيُؤَيِّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ وَيُنْصِرُ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ
جَوْرًا وَظُلْمًا.^۱

«نهمین از فرزندان حسین، قائم خاندان من و هدایت‌گراست من است، او شبیه‌ترین فرد به من در شکل و قیافه و شیوه‌ی گفتار و نوع رفتار است. ایشان بعد از غیبتی طولانی و گمراه‌کننده ظهور می‌کند و نام خدا را بالا برده و دین خدا را آشکار می‌کند و خدا و فرشتگان او را یاری کنند و او جهان را پر از عدل و داد کند همان‌گونه که پر از ظلم و جور باشد.»

امیر مؤمنان، علیه السلام در باره‌ی آن بزرگوار می فرماید:

هُوَ شَابٌ مَرْبُوعٌ، حَسَنُ شَعْرُهُ، حَسَنُ الْوَجْهِ، يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكَبَيْهِ وَنُورُ
وَجْهِهِ يَغْلُو سَوَادَ لِحْيَتِهِ وَرَأْسِهِ بِأَبِي ابْنِ خَيْرِ الْأَمَاءِ.^۲

«او جوانی خوش‌اندام است که موهای زیبای و چهره‌ای دلنشین دارد، موهایش بر دوشش ریخته و نورانیت صورتش بر سیاهی موی محاسن و سرش هاله‌ای از نور انداخته است. پدرم به قربان فرزند آن بهترین بانو باد.»

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۶؛ کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۵۷ و ۲۵۸.

۲. نوادر الأخبار، ص ۲۲۱؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۶.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِيِّ^۱.

«مهدی» مردی از فرزندان من است، صورتش مانند ستاره‌ای درخشان است.»

و باز می فرماید:

الْمَهْدِيُّ مِنِّي أَجَلَى الْجَبْهَةِ، أَقْنَى الْأَنْفِ^۲.

«مهدی از نسل من است او دارای پیشانی بلند و بینی کشیده می باشد.»

امام کاظم علیه السلام درباره‌ی شمایل حضرت «مهدی» عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ بِأَبِي الْمُنْدَحِ السَّبْطَنِ، الْمَقْرُونُ الْحَاجِبِينَ،
أَحْمَشُ السَّاقَيْنِ، بَعِيدٌ مَا بَيْنَ الْمِنْكَبَيْنِ، أَسْمَرُ اللَّوْنِ يَغْتَوِرُهُ مَعَ سُمْرَتِهِ صُفْرَةٌ
مِنْ سَهْرِ اللَّيْلِ، بِأَبِي مَنْ لَيْلُهُ يَزْعَى النَّجُومَ سَاجِدًا وَرَاكِعًا، بِأَبِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي
اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَيْمٍ، مِضْبَاحُ الدُّجَى، بِأَبِي الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ^۳.

«مهدی» از خاندان پیامبر خدا «محمد» ﷺ است، پدرم فدای او باد، او دارای تنه‌ای استوار و ابرویی به هم پیوسته و پاهایی ظریف است، او چهارشانه است، چهره‌ی او به خاطر شب زنده‌داری و عبادت گندم‌گون و زرد است. پدرم فدای او باد که شب را به سجده و رکوع یا ستارگان به صبح می‌رساند. پدرم فدای او باد که در راه خدا دزدای کوتاهی نمی‌کند و ملامت سرزنش‌گران بر او تأثیری ندارد او شعله‌ای فروزان در شب است. پدرم فدای قائم آل محمد باد که دین خدا را زنده می‌کند.»

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۰؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۷۱.

۲. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۲۲. ۳. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۸.

مصحف فاطمه علیها السلام و امامت امام مهدی عجل الله تعالى فرجه

یکی از منابع معتبری که دلالت بر امامت امامان شیعه به ویژه امامت امام مهدی علیه السلام می کند لوح حضرت فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام است. این لوح در کتابهای گران سنگ روایی به شکل‌های مختلف نقل شده است که مضامین همه‌ی آنها یکی است و این «لوح» در کتاب شریف «الکافی» نیز نقل شده که در اینجا همان ذکر می گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَذَا كِتَابٌ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَنُورِهِ وَسَفِيرِهِ وَحِجَابِهِ وَ
دَلِيلِهِ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، عَظَّمُ - يَا مُحَمَّدُ - أَسْمَائِي
وَأَشْكُرُ نِعْمَائِي وَلَا تَجْحَدُ آيَاتِي؛ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ
وَمُدِيلُ الْمَظْلُومِينَ وَدَيَّانُ الدِّينِ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، فَمَنْ رَجَا غَيْرَ فَضْلِي أَوْ
خَافَ غَيْرَ عَذْلِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُ بِهِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ فَيَأْتِي فَأَعْبُدُ وَعَلَيَّ
فَتَوَكَّلْ، إِنِّي لَمْ أُبْعَثْ نَبِيًّا فَأَكْمَلْتُ أَيَّامَهُ وَأَنْقَضْتُ مُدَّتَّهُ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ وَصِيًّا، وَإِنِّي
فَضَّلْتُكَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَفَضَّلْتُ وَصِيَّكَ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَ أَكْرَمْتُكَ بِشِبْلَيْكَ
وَسِبْطَيْكَ «حَسَنٍ» وَ «حُسَيْنٍ» فَجَعَلْتُ «حَسَنًا» مَعْدِنَ عِلْمِي بَعْدَ أَنْقِضَاءِ مُدَّةِ
أَبِيهِ وَجَعَلْتُ «حُسَيْنًا» خَازِنَ وَحْيِي وَأَكْرَمْتُهُ بِالشَّهَادَةِ وَخَتَمْتُ لَهُ بِالسَّعَادَةِ،
فَهُوَ أَفْضَلُ مَنْ أَسْشُهِدَ وَأَرْفَعُ الشُّهُدَاءَ دَرَجَةً جَعَلْتُ كَلِمَتِي الثَّامَةَ مَعَهُ وَحُجَّتِي
الْبَالِغَةَ عِنْدَهُ، بَعَثْتَهُ أَثِيبُ وَأَعَاقِبُ.

أَوْلَهُمْ «عَلِيٌّ» سَيِّدُ الْعَابِدِينَ وَرَيْنُ أَوْلِيَائِي الْمَاضِينَ. وَأَبْنُهُ شِبْنُهُ جَسَدِهِ
الْمَحْمُودِ «مُحَمَّدٌ» الْبَاقِرُ عِلْمِي وَالْمَعْدِنُ لِحِكْمَتِي.

سَيَهْلِكُ الْمُزْتَابُونَ فِي «جَعْفَرٍ» الرَّادُ عَلَيْهِ كَالرَّادِ عَلَيَّ، حَقُّ الْقَوْلِ مِنِّي
لَأَكْرَمَنَّ مَثْوَى «جَعْفَرٍ» وَلَا سُرْنَةَ فِي أَشْيَاعِهِ وَأَنْصَارِهِ وَأَوْلِيَاءِهِ، أُتِيحَتْ بَعْدَهُ
«مُوسَى» فِتْنَةُ عَمِيَاءِ حِنْدِسٍ لِأَنَّ خَيْطَ فَرَضِي لَا يَنْقَطِعُ وَحُجَّتِي لَا تَخْفَى وَأَنَّ
أَوْلِيَائِي يُسْقَوْنَ بِالْكَأْسِ الْأَوْفَى، مَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَ نِعْمَتِي وَمَنْ
غَيَّرَ آيَةً مِنْ كِتَابِي فَقَدْ أَفْتَرَى عَلَيَّ، وَيَلُ لِّلْمُفْتَرِينَ الْجَاحِدِينَ عِنْدَ انْقِضَاءِ مُدَّةِ
«مُوسَى» عَبِيدِي وَحَبِيبِي وَخَيْرَتِي فِي «عَلِيِّ» وَلِيِّي وَنَاصِرِي وَمَنْ أَضْعُ عَلَيْهِ
أَغْبَاءَ الثُّبُوتِ وَأَمْتَحِنُهُ بِالِاضْطِلَاعِ بِهَا، يَقْتُلُهُ عِفْرِيثُ مُسْتَكْبِرٌ يُدْفَنُ فِي الْمَدِينَةِ
الَّتِي بَنَاهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ إِلَى جَنْبِ شَرِّ خَلْقِي.

حَقُّ الْقَوْلِ مِنِّي لِأَسْرَنَتُهُ بِ«مُحَمَّدٍ» ابْنِهِ وَخَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَوَارِثِ عِلْمِهِ فَهُوَ
مَعْدِنُ عِلْمِي وَمَوْضِعُ سِرِّي وَحُجَّتِي عَلَى خَلْقِي لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ بِهِ إِلَّا جَعَلْتُ الْجَنَّةَ
مَثْوَاهُ وَشَفَعْتُهُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ اسْتَوْجَبُوا النَّارَ.
وَأَخْتِمُ بِالسَّعَادَةِ لِابْنِهِ «عَلِيِّ» وَلِيِّي وَنَاصِرِي وَالشَّاهِدُ فِي خَلْقِي وَأَمِينِي
عَلَى وَحْيِي.

أَخْرَجَ مِنْهُ الدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِي وَالْخَازِنَ لِعِلْمِي «الْحَسَنَ» وَأَكْمَلُ ذَلِكَ بِابْنِهِ
«م-ح-م-د» رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبِهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ
فَيَذَلُّ أَوْلِيَائِي فِي زَمَانِهِ وَتُتَهَادَى رُؤُسُهُمْ كَمَا تُتَهَادَى رُؤُوسُ التُّرْكِ وَالذَّيْلَمِ
فَيُقْتَلُونَ وَيُحْرَقُونَ وَيَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ وَجِلِينَ تُصْبَغُ الْأَرْضُ بِدِمَائِهِمْ
وَيَفْشُوا الْوَيْلُ وَالرَّثَّةُ فِي نِسَائِهِمْ أَوْلِيكَ أَوْلِيَائِي حَقًّا، بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةِ عَمِيَاءِ
حِنْدِسٍ وَبِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ وَأَدْفَعُ الْأَصَارَ وَالْأَغْلَالَ، أَوْلِيكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتُ
مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.^۱

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

این لوحی است از جانب خداوند بزرگ دانا برای محمد پیامبر او که ، نور و سفیر و

واسطه‌ی بین او و خلقتش و راهنما و هدایتگر بندگانش می‌باشد و جبرئیل امین آن را بر او نازل کرده است.

ای محمّد! اسم‌های مرا بزرگ شمار و نعمت‌هایم را سپاس گزار و الطاف مرا انکار مکن. منم آن خدایی که جز من شایسته‌ی عبادت نباشد، شکننده‌ی جبارانم و به سلطنت رساننده‌ی مظلومان و ستم‌دیدگانم و جزادهنده در روز حسابم. به راستی که غیر از من خدایی نیست و هر که به جز فضل و کرم من امید داشته باشد و از غیر عدالت من بترسد او را عذابی کنم که هیچ یک از جهانیان را نکرده باشم؛ پس تنها مرا پرستش کن و فقط بر من توکل نما.

من هیچ پیامبری را مبعوث نساختم که دورانش کامل شود و مدّتش تمام گردد چیز اینکه برای او وصی و جانشینی مقرر کردم. من تو را بر دیگر پیامبران و جانشین تو را بر دیگر جانشینان انبیاء برتری دادم، تو را به دو نوه‌ات - حسن و حسین - گرامی داشتم و «حسن» را بعد از سپری شدن روزگار پدرش کانون علم خود قرار دادم و «حسین» را خزانه دار وحی خود ساختم و او را به شهادت گرامی داشتم و پایان کار او را به سعادت ختم کردم او برترین شهید است و مقامش از همه‌ی آنان عالی تر باشد. تمام معارف الهی را همراه او ساخته و حجّت و دلایل قطعی خود را نزد او قرار دادم. من پیروی از عترت و خاندان او را ملاک پاداش و کیفر - بندگان - قرار داده‌ام، که نخستین آنان سرور عابدان و زینت بخش اولیای خداست نام او «علی» است. سپس فرزند او که مانند جدّ بزرگوار خود نامش «محمّد» است امامت را داراست، او شکافنده‌ی علم و سرچشمه‌ی دانش و حکمت است.

بعد از آن «جعفر» است که شک‌کنندگان درباره‌ی - امامت و عظمت - او هلاک شوند و گمراه گردند. هر که - امامت - او را نپذیرد مرا انکار کرده است. سخن استوار من این است که مقام «جعفر» را گرامی می‌دارم و او و پیروان و یارانش را مسرور می‌سازم پس از او «موسی» است که - در زمان او - آشوبی سخت و حیرت‌آور فرا رسد لکن رشته‌ی طاعتم - که پیروی از امام است - گسسته نشود و حجّت من پنهان نگردد، به راستی که اولیای من با جامی سرشار سیراب شوند. هر کس یکی از آنان را انکار کند نعمت مرا انکار کرده است و آن که یکی از

آیات کتابم را تغییر دهد، بر من دروغ بسته است.

پس از گذشت دوران بنده و دوست و برگزیده من ، «موسی» وای بر آنان که «علی»، ولی و یاور مرا انکار کنند و تکذیبش نمایند، او کسی است که بارهای سنگین پیام‌آوری را به دوش او گذارده‌ام و یا انجام آن او را آزمایش سختی کنم. او را مردی پلید و گردن‌کش می‌کشد و در شهری که بنده‌ی صالح من «ذوالقرنین» آن را ساخته است کنار بدترین مخلوقم «هارون» به خاک سپرده می‌شود.

وعده‌ی من حق است؛ امام رضا را به وجود پسرش و جانشین و وارث علمش «محمد» مسرور سازم، او کانون علم و محل راز و حجت من بر خلق است هر کس به او ایمان آورد بهشت را جایگاه او سازم و شفاعتش را درباره‌ی هفتاد تن از خانواده‌اش که همگی اهل دوزخند بپذیرم.

بعد از او نوبت پسرش «علی» می‌رسد او ولی و یاور من است و گواه در میان مخلوق و امین وحی من می‌باشد، من عاقبت وی را ختم به سعادت کنم از او کسی را به وجود آورم که مردم را به سوی من دعوت کند، و خزانه‌دار دانش من باشد او «حسن» است. در آخر این رشته، «امامت» را به وجود پسرش «م ح م د» که رحمت گسترده‌ای برای جهانیان است کامل می‌کنم، او کمال موسی و ارج و قرب عیسی و صبر ایوب را داراست، در زمان [غیبت] او دوستانم خوار می‌گردند و سرهای ایشان را همچون سرهای ترکان و دیلمیان بریده و برای همدیگر هدیه می‌فرستند دشمنان خدا ایشان را بکشند و بسوزانند و آنان بسی ترسان و بیمناک و هراسان باشند، زمین از خونهاش رنگین می‌گردد و ناله و شیون در میان زنانشان بلند می‌شود، آنها دوستان حقیقی منند. به وسیله‌ی آنها هر آشوب و بحران سخت و تاریک را می‌زدایم و از برکت وجود آنان شبهات و شداید و غل و زنجیرها را برمی‌دارم، درودها و رحمت پروردگارشان بر آنها باد که هدایت‌شدگان واقعی تنها ایشانند.»



ایمان به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه واجب و انکار او کفر است

ایمان و اعتقاد به:

۱. وجود امام مهدی (عج)،
۲. نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام بودن وی،
۳. امامت ایشان در عصر کنونی،

از واجبات اعتقادی مذهب شیعه است به طوری که در منابع دینی، انکار و عدم اعتقاد به آنها در حکم انکار پیامبر و امامان دیگر یاد شده و حیات شخص منکر حیاتی جاهلی و به دور از فهم واقعیات دانسته شده است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً^۱.

«هر کس «قائم» از فرزندانم را در زمان غیبتش انکار کند زندگانی خود را همانند

جاهلان دوران جاهلیت به سر آورده است.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ الْمُهَدِّيَّ كَانَ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ نُبُوَّةَ مُحَمَّدٍ^۲.

«هر که همه ی امامان را قبول داشته و حضرت مهدی را انکار کند همانند کسی است که

تمام پیامبران را قبول داشته و نبوت پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار کند.»

ایمان و اعتقاد به امامت مجموعه ی پیشوایان معصوم دین که به تصریح پیامبر

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۵.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۸؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۴۴۴.

و دیگر معصومان دوازده نفر می باشند یکی از شاخصه های صحت دین انسان است.
امام صادق علیه السلام می فرماید:

الْمُنْكَرُ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوَّلِنَا ۱.

«هر که آخرین امام از ما را انکار کند مانند کسی است که امامت اولین ما را انکار کرده است.»

و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ایمان، تصدیق و اطاعت از امام مهدی (عج) را ایمان و اطاعت از خود، و انکار، تکذیب و نافرمانی او را انکار، تکذیب و نافرمانی خود اعلام داشته و او را آینده تمام نمای خویش در تمام ابعاد حیات الهی معرفی کرده است:

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي
يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَيَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - مَنْ
أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي وَمَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَدْ أَنْكَرَنِي
وَمَنْ كَذَّبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِي وَمَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِي، إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي
أَمْرِهِ وَالْجَاحِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ وَالْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقَتِهِ ۲.
﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ ۳

«قائم» از فرزندانم کسی است که اسم او همانند اسم من، و کنیه و سرشت ایشان همانند کنیه و سرشت من است، روش رفتاری او همان روش من می باشد. مردم را به دین و آیین من هدایت کرده و آنان را به کتاب خدا فرا می خواند. هر که او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و هر کس از فرمانش سرپیچی کند نافرمانی مرا کرده است. انکار و عدم اعتقاد به وی مساوی با انکار من است و تصدیق و ایمان به او تصدیق و ایمان به من است. من از آنان که کلام مرا درباره ی ایشان و شأن او انکار کرده و مردم را از روش ایشان گمراه می کنند و به بی راهه می کشانند به خدا شکایت می کنم.

﴿به زودی ستمگران خواهند دانست که چگونه نابود می شوند﴾

۱. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۶۱؛ المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۲۴۶.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱؛ نوادر الأخبار، ص ۲۳۲؛ إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲.

۳. سوره ی شعراء، آیه ۲۲۷.



شباهت حضرت «مهدی» عجل الله تعالى فرجه با پیامبران

حضرت «مهدی» عجل الله تعالى فرجه الشریف عصاره‌ی تمام فضائل انبیا و اولیای خداست او آخرین خورشید درخشان هدایت الهی است و آینه‌ی تمام‌نمای کمال پیامبران و پیشوایان دین خدایی است.

جامعه‌ی بزرگ جهانی در زمان ظهور حضرت حجّت عجل الله تعالى فرجه الشریف دارای آخرین متد و تکنولوژی حیرت‌انگیز انحراف اخلاقی و اعتقادی و رفتاری انسان است بنابراین هدایت‌گر الهی این جامعه باید دارای آخرین کمال باشد که بتواند این جامعه‌ی تا سر فرورفته در انحطاط و ابتدال را نجات دهد و حیاتی الهی و انسانی بخشد و حضرت «مهدی» این چنین است، او دارای نهایت کمالی است که برای یک انسان ممکن است و جامع همه‌ی صفات و اخلاق و علوم و معارف بشری است. بنابراین هر آن چه را پیامبران الهی و امامان دیگر دارا بوده‌اند آن بزرگوار دارا می‌باشد و روایات بسیاری آمده است که ایشان به حضرت یونس، یوسف، داوود، ایوب، نوح، آدم، ابراهیم، اسماعیل، موسی، عیسی و پیامبر گرامی اسلام و به تمامی امامان علیهم السلام شباهت دارد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید:

الْأُمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ عَدَدُ شُهُورِ الْحَوْلِ، وَمِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ لَهُ هَيْبَةٌ
مُوسَى وَبِهَاءُ عِيسَى وَحُكْمُ دَاوُودَ وَصَبْرُ أَيُّوبَ.^۱

«امامان بعد از من دوازده نفرند همان‌گونه که ماه‌های سال چنین است. «مهدی» این

امت از نسل من است، او دارای هیبت «موسی» و ارزش و نورانیت «عیسی» و قدرت قضاوت

«داوود» و دارای صبر و شکیبایی «ایوب» است.»

حضرت امام محمد باقر علیه السلام در مورد شباهت آن حضرت به پیامبران می فرماید:

إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ شَبْهًا مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الرُّسُلِ: يُونُسَ بْنِ مَتَّى،
وَيُوسُفَ بْنَ يَعْقُوبَ، وَمُوسَى، وَعِيسَى وَمُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.
فَأَمَّا شَبْهُهُ مِنْ يُونُسَ عليه السلام فَزُجُوعُهُ مِنْ غَيْبَتِهِ وَهُوَ شَابٌّ بَعْدَ كِبَرِ السَّنِّ.
وَأَمَّا شَبْهُهُ مِنْ يُوسُفَ عليه السلام فَالْغَيْبَةُ مِنْ خَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَاخْتِفَاءُهُ عَنْ إِخْوَتِهِ
وَإِشْكَالُ أَمْرِهِ عَلَى أَبِيهِ يَعْقُوبَ النَّبِيِّ عليه السلام مَعَ قُرْبِ الْمَسَافَةِ بَيْنَهُمَا.
أَمَّا شَبْهُهُ مِنْ مُوسَى عليه السلام فَهُوَ دَوَامُ خَوْفِهِ وَطُولُ غَيْبَتِهِ وَخِفَاءُ مَوْلِدِهِ عَلَى
عَدُوِّهِ وَحَيْرَةُ شِيعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِمَّا لَقُوا مِنَ الْأَذَى وَالْهَوَانِ إِلَى أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ فِي
ظُهُورِهِ وَأَيْدُهُ عَلَى عَدُوِّهِ.
أَمَّا شَبْهُهُ مِنْ عِيسَى عليه السلام فَاخْتِلَافٌ مَنِ اخْتَلَفَ فِيهِ حَتَّى قَالَتْ طَائِفَةٌ: مَا
وُلِدَ. وَطَائِفَةٌ قَالَتْ: مَاتَ. وَطَائِفَةٌ قَالَتْ: صُلِبَ.
وَأَمَّا شَبْهُهُ مِنْ جَدِّهِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَتَجْرِيدُهُ السَّيْفَ وَقَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَأَعْدَاءَ
رَسُولِهِ وَالْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاعِغِ وَأَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَالرُّغْبِ وَأَنَّهُ لَا تُرَدُّ لَهُ
رَايَةٌ.^۱

«قائم آل محمد به پنج نفر از پیامبران شباهت دارد:

یونس، یوسف، موسی، عیسی و محمد که بر همه‌ی آنان درود باد.

شباهت او به «یونس» در بازگشتش بعد از غیبت و جوانیش در عین سالخوردگی

می باشد.

شباهت او به «یوسف» در پنهانی او از نزدیکان و خویشان و مردم و برادران اوست و

مشکل شدن جریان فراق او بر پدرش یعقوب می باشد با آن که بین آن دو مسافتی چند بیش

نبوده است.

شباهت او به حضرت «موسی» در این است که او ترسی بسیار از دشمنان داشت،

۱. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۴۴۳؛ إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۰ با اختلاف اندک.

«اسماعیل»، هر که قصد دارد «موسی» و «یوشع» - جانشین او - را بنگرد من «موسی» و «یوشع»، هر کس می خواهد «عیسی» و «شمعون» - جانشین ایشان - را ببیند من «عیسی» و «شمعون»، هر کس که می خواهد «محمد» و «علی» را بنگرد من «محمد» و «علی» هستم، هر که می خواهد «حسن» و «حسین» را نظاره کند من همان «حسن» و «حسین»، هر کس می خواهد امامان از نسل «حسین» را ببیند من همه‌ی آنانم به گفتارم توجه کنید و بپذیرید که من شما را به آنچه از آن آگاه شده‌اید و آنچه از آن اطلاع ندارید آگاه می‌کنم.

سیره‌ی اخلاقی و رفتاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

سیره‌ی اخلاقی امام عصر (عج) همانند روش و سیره‌ی اخلاقی رسول خدا ﷺ و امام علی علیه السلام است او آینه‌ی تمام‌نمای جمیع ابعاد اخلاقی و رفتاری پیامبر خدا و امیرمؤمنان است و این خصوصیت حضرت «مهدی» علیه السلام در روایات بسیاری نقل شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا اسْمُهُ أَسْمِي وَخُلُقُهُ خُلُقِي.^۱

«اگر حتی یک روز از دنیا باقی باشد خداوند مردی را برمی‌انگیزاند که اسم او اسم من و اخلاق او همانند اخلاق من است.»

و در گفتار دیگری فرموده‌اند:

مَهْدِيُّ أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ.^۲

«مهدی امت من شبیه‌ترین مردم به من در شکل ظاهری و سیره‌ی گفتاری و رفتاری من است.»

و امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ از سیره‌ی امام مهدی (عج) فرمود:

يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً.^۳

«او همان کاری را می‌کند که پیامبر خدا کرد، تمام فرهنگ و مناسبات جاهلی را برهم

۱. کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۸۸.

۲. همان، ص ۴۲۳.

۳. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۹؛ منتخب الأثر، ص ۳۰۵.

می‌ریزد و اسلام ناب را دوباره به مردم عرضه می‌کند.»

و باز امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

... أَنْ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عليهم السلام إِذَا قَامَ لِبَسِ ثِيَابَ عَلِيِّ عليه السلام وَسَارَ بِسِيرَةِ

عَلِيِّ عليه السلام.^۱

«قائم آل محمد (عج) آن‌گاه که قیام کند لباسی - کم بها - مانند لباس امام علی علیه السلام به

تن دارد و مانند امام علی علیه السلام رفتار می‌نماید.»

او مانند جد خود امیر مؤمنان، امام متقیان و پارسایان است و در امور زندگی به

کمترین بسنده می‌کند.

امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مَا لِبَاسِ الْقَائِمِ عليه السلام إِلَّا الْغَلِيظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ.^۲

«لباس قائم آل محمد علیه السلام خشن و ارزان، و غذایش تنها نان جو خشک است.»

۲. منتخب الأثر، ص ۳۰۷.

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۲.

نظر علمای اهل سنت درباره‌ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه

جمعیت مسلمانان معتقد به ظهور شخصی بزرگ به نام «مهدی» از نسل حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و از تبار امام حسین علیه السلام در آخرین مرحله از زمان حیات انسان می‌باشند و در این باره هیچ‌گونه اختلافی بین شیعه و سنی نیست و در کتب روایی اهل سنت روایات بسیاری در این مورد موجود است و حتی کتاب‌های مستقلی پیرامون آن نوشته شده است. ولی مسأله‌ی اساسی و مورد اختلاف این است که آیا آن بزرگوار فرزند امام «حسن عسکری» علیه السلام بوده و متولد شده است یا اینکه او فرزند آن امام نبوده و هنوز تولد نیافته بلکه در آخر زمان متولد می‌شود؟ شیعیان دارای نظریه اول و اکثر علمای اهل سنت نظریه دوم را اختیار کرده‌اند، حضرت امام «هادی» علیه السلام قبل از تولد حضرت «مهدی» علیه السلام اعتقاد اهل سنت را درباره‌ی ایشان پیش‌بینی کرده است.

صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ يَقُولُ النَّاسُ أَنَّهُ لَمْ يُؤَلَّدْ بَعْدُ.^۱

«صاحب الامر کسی است که برخی از مردم می‌گویند او هنوز متولد نشده است.»

لکن روایات بسیاری از پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی حضرت «مهدی» نقل شده است و در آنها به دو نکته‌ی مهم:

۱. او نهمین فرزند از نسل امام «حسین» علیه السلام است،

۲. او غیبتی طولانی خواهد داشت،

تصریح شده است، که صحت و درستی نظریه شیعه را آشکار می‌گرداند. پیامبرگرامی اسلام درباره‌ی امام زمان و ارزش بی‌مثال حضرت

سیدالشهداء علیه السلام خطاب به ایشان فرمودند:

أَنْتَ السَّيِّدُ وَأَبْنُ السَّيِّدِ وَأَبُو السَّادَاتِ، أَنْتَ الْإِمَامُ وَأَبْنُ الْإِمَامِ أَبُو الْأَئِمَّةِ،
أَنْتَ الْحُجَّةُ أَبُو حُجَجٍ تِسْعَةٍ مِنْ صُلْبِكَ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ.^۱

«تو بزرگی و فرزند بزرگ مردی و پدر بزرگانی، تو امام و فرزند امام و پدر امامانی، تو

حجت خدا و پدر حجت‌های خدایی، آنان نه نفر از نسل تو می‌باشند و نهمین آنان قائم آل

محمد است.»

و روشن است که نهمین فرزند از نسل سیدالشهداء تاکنون متولد شده و فرزند هشتمین فرد از نسل آن بزرگوار است و او کسی نیست جز امام حسن عسگری علیه السلام و فرزند بزرگوار او همان قائم آل محمد، حضرت «مهدی» علیه السلام، می‌باشد.

ابوسعید خدری، یکی از صحابی پیامبر و مورد وثوق اهل سنت، حدیثی بر

امامت خاندان پیامبر و امامت حضرت مهدی نقل می‌کند:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ
أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِلَئِمَّةٌ مِنْ بَعْدِكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ؟
قَالَ ﷺ: نَعَمْ، بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَمَنَاءُ
مَعْصُومُونَ، مِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ، إِلَّا إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِي وَعِثْرَتِي مِنْ لَحْمِي وَدَمِي،
مَا بَالُ أَقْوَامٍ يُؤْذُونَنِي فِيهِمْ لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي.^۲

«من از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: اهل بیت من حافظ مردم زمین و راهنمای

آنانند همان‌طور که ستارگان حافظ و راهنمای اهل آسمانند. به آن حضرت گفته شد: ای

رسول خدا، امامان بعد از شما از خاندان شما می‌باشند؟ ایشان فرمودند: آری، بعد از من

دوازده نفر امامت کنند که نه نفر - آخر - از فرزندان حسین می‌باشند، آنان معصوم و امین خدا

و مردم هستند، و مهدی امت من از آنان است، آگاه باشید آنان اهل بیت من و فرزندان من

هستند و از گوشت و خون من می‌باشند، چرا برخی مرا درباره‌ی آنان آزرده می‌کنند خداوند

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۶۲؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۲.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۹۶؛ کفایة الأثر، ص ۲۹۲.

معدوم می شود و قیامت به پا می گردد، بنابراین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ضامن بقای جهان و حیات انسانی و واسطه‌ی فیض و رحمت خداوندی به جامعه‌ی بزرگ خلقت است.

و دلیل چهارم آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی اسراء است:

﴿يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ﴾^۱

«روزی که - قیامت - هر گروه از انسانها را با امامشان می خوانیم و صدا میزنیم».

و واضح است که باید بعد از وفات امام عسکری علیه السلام امامی از جانب خدا باشد که خداوند گرویدگان به آن امام را با آن امام صدا کند و گرنه آیه صادق نبود. به خاطر همین دلیل‌های محکم، برخی از علمای اهل سنت مثل شعرانی در کتاب الیواقیت و الجواهر^۲، حافظ سلیمان قندوزی در کتاب ینابیع المودة^۳، و ابن صباغ مالکی در کتاب الفصول المهمة^۴، و ابن حجر در کتاب الصواعق المحرقة^۵، به امام زمان بودن حضرت حجة بن الحسن و فرزند امام عسکری بودن ایشان و طول عمر داشتن آن بزرگوار اعتراف کرده‌اند.^۶

۱. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱۲. ۲. الیواقیت و الجواهر، ج ۲، ۱۴۳.

۳. ینابیع المودة، ص ۲۵۸. ۴. الفصول المهمة، ص ۲۹۲.

۵. الصواعق المحرقة، ص ۲۰۶.

۶. برای تحقیق درباره‌ی نظریه‌ی علمای اهل سنت که قول شیعه را قبول دارند مراجعه شود به کتاب «اتفاق در مهدی موعود» تألیف سید علی اکبر قرشی.

حضرت مهدی در کتاب‌های آسمانی و از دیدگاه مذاهب جهان

همان‌طور که در قرآن بشارت ظهور حضرت «مهدی» عجل‌الله تعالی فرجه و حکومت دینی و عدالت‌گستر جهانی ایشان آمده است در دیگر کتب آسمانی نیز نرید طلوع آن خورشید عالم‌تاب بیان شده است.

روند ستدگرانه‌ی جبهه‌ی دین‌ستیز و ترویج فساد فکری و اخلاقی در طول تاریخ حیات انسان همواره به واسطه‌ی مقاومت جبهه‌ی دین‌مدار به رهبری پیامبران و امامان مورد تهدید و سرکوب قرار گرفته است لکن عدم حمایت مستمر مردمی از جبهه‌ی دین به واسطه‌ی تبلیغات فریبنده‌ی دین‌ستیزان و در افلیت بودن دین‌داران و کثرت هجوم‌های ناجوانمردانه و غیرانسانی به جامعه‌ی دینی توسط جبهه‌ی دین‌ستیز موجب تفرق و تسلط جبهه‌ی دین‌ستیزان بر جوامع شده است، به همین جهت در تمام کتب آسمانی به تمامی دین‌داران نوید پیروزی نهایی به امامت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه دانه شده است که ما به نمونه‌هایی از آن - غیر از قرآن - در اینجا اشاره می‌کنیم چنان‌که در قرآن از ذکر این وعده‌ی الهی در دیگر کتب آسمانی خبر داده شده است.

﴿لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱

«محققاً ما در کتاب زبور - کتاب آسمانی حضرت داوود - بعد از بیان آن در کتاب تورات،

نوشته‌ایم که زمین در آخر از آن بندگان شایسته‌ام خواهد شد.»

کتاب زبور

«شیران منقطع خواهند شد و منتظران خداوند وارث زمین خواهند گشت، هان بعد از اندک زمانی

هیچ شریبری نخواهد بود.»^۳

۱. برخی آیات مربوط به حضرت «مهدی» در بحث «امام مهدی در قرآن» در این کتاب آمده است.

۳. زبور، مزمور ۳۷.

۲. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۱۰۵.

کتاب تورات

«اگرچه تأخیر نماید برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قوم‌ها را برای خویشتن فراهم می‌آورد.»^۱

کتاب انجیل

«هم‌چنان که برق از شرق ساطع شود و تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد، آن‌گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید آید... از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه‌ی آسمان جز پدر من و بس، به همین جهت شما نیز حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.»^۲

و در «اوپانیشاد» یکی از کتب هندوها آمده است:

«این مظهر ویشنو - مظهر دهم - در انقضای کلی عصر یا عصر آهن سوار بر اسب سفیدی درحالی که شمشیر برهنه‌ی درخشانی به صورت ستاره‌ی دنباله‌دار در دست ظاهر می‌شود و اهل سرّ را همگی هلاک می‌سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد او در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.»^۳

در کتاب «شاکمونی» از کتاب‌های معتبر بوداییان آمده است:

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلائق در دو جهان «کش» - لقب حضرت محمد ﷺ - تمام می‌شود او کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان دهد بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و جنّ و انس در خدمت او باشند... دین خدا زنده گردد، نام او «ایستاده - قائم» باشد، او خداشناس باشد.»^۴

و در منابع زردتشتیان نیز در این باره سخن به میان آمده است:

«سوشیانس - نجات‌دهنده‌ی بزرگ - دین را در جهان رواج دهد فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد. ایزدان را از دست اهریمن نجات دهد، مردم جهان را هم‌فکر و هم‌گفتار و هم‌کردار گرداند.»
از فرزندان دختر پیغمبر که خورشید جهان و شاه‌زنان نام دارد کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر است.»^۵

۱. تورات، بخش حب فوق نبی، فصل ۲.

۲. انجیل متی؛ فصل ۲۴.

۳. اوپانیشاد، ج ۲، ص ۶۳۷.

۴. خورشید پنهان، ص ۱۱۵؛ او خواهد آمد، ص ۸۰.

۵. جاماسب‌نامه، ص ۱۲۱.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و فرشتگان

فرشتگان الهی همواره به امر خداوند متعال به عنوان یکی از عوامل مؤثر در پیروزی جبهه‌ی خداپرستان بر جبهه‌ی کفر و ابتذال در مواقع حساس و سرنوشت‌ساز تاریخ انسان بوده‌اند.

جنگ بدر یکی از موارد عینی یاری ملائکه برای چیرگی پیامبر گرامی اسلام و جبهه‌ی کم‌تعداد مسلمانان بر لشکر پرتعداد و دارای ادوات نظامی بسیار کفر و شرک است در آن جنگ خداوند سه هزار ملائکه را به یاری پیامبر و مسلمانان فرستاد و سپس به پیامبر فرمود که به آنان بگو:

﴿إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمِدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾^۱

«اگر صبر و تقوا پیشه کنید پروردگارتان فوراً توجه به شما نماید و با پنج هزار فرشته

نشان‌گذار و راهنما به یاری شما می‌شتابد.»

و خداوند فرشتگان بسیاری را به یاری حضرت «مهدی» می‌فرستد و آنها به قدرت الهی خود ازابه‌ی نظامی ظالمان را از کار خواهند انداخت و توان نظامی و اطلاعاتی لشکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه را دشمن شکن می‌کنند.
امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ.^۲

«اگر قائم آل محمد قیام کند خدا او را با فرشتگان یاری می‌رساند.»

امام باقر علیه السلام در مورد تعداد و خصوصیات آنها نیز می‌فرماید:

۲. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۰.

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۲۵.

إِنَّ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ نَصَرُوا مُحَمَّدًا ﷺ يَوْمَ بَدْرٍ فِي الْأَرْضِ مَا صَعَدُوا بَعْدُ وَلَا يَصْعَدُونَ حَتَّى يَنْصُرُوا صَاحِبَ الْأَمْرِ وَهُمْ خَمْسَةٌ آلَافٍ.^۱

«آن دسته از فرشتگان که برای یاری پیامبر خدا ﷺ در جنگ بدر به زمین آمدند هنوز به آسمان بازنگشته‌اند، آنان پنج هزار فرشته‌اند و به آسمان باز نخواهند گشت تا اینکه امام زمان علیه السلام را نصرت و یاری نمایند.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ عَجَلًا اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ جِبْرِئِيلُ عليه السلام يَنْزِلُ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أبيض.^۲

«اولین کسی که با قائم آل محمد (عج) بیعت می کند جبرئیل است که به صورت پرنده‌ای سفید ظاهر می شود.»

و باز امام باقر علیه السلام در این مورد می فرماید:

كَأَنِّي بِالْقَائِمِ (عج) عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ جِبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُوَ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ فِي الْأَمْصَارِ.^۳

«گویا خود را می بینم که در کنار قائم آل محمد در نجف می باشم او از مکه به آنجا آمده و همراهش پنج هزار فرشته می باشند در حالی که جبرئیل در سمت راست او و میکائیل در طرف چپ اوست و مؤمنان پیش روی او هستند و ایشان لشکریان خود را به سوی شهرها می فرستند.»

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در این باره می فرماید:

وَلَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ سَبْعَةُ آلَافٍ لِنُصْرَةِ الْحُسَيْنِ فَلَمْ يُؤْذَنْ لَهُمْ، فَهَمَّ عِنْدَ قَبْرِ شُعْبَةَ عُبَيْرٍ إِلَى أَنْ يَقْرَأَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَشِعَارِهِمْ: «يَا لَكَرَاتِ الْعُسَيْنِ»^۴

«از آسمان هفت هزار فرشته برای یاری امام حسین علیه السلام - در جریان قیام کربلا - به زمین آمدند لکن ایشان به آنان اجازه نداد تا او را یاری کنند، آنان اکنون در کنار بارگاه مطهر ایشان غمگین و ناراحت منتظر قیام قائم آل محمد (عج) می باشند تا به یاری او بشتابند، شعار آنان «ای خون خواهان حسین» می باشد.»

۱. بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۲۸۴: الحکم الزاهرة، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲. منتخب الأثر، ص ۲۹۶ - ۲۹۵: مکمال المکارم، ج ۱، ص ۲۸۱: إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳.

۳. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۷. ۴. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۶.

راز طول عمر حضرت «مهدی» عجل الله تعالی فرجه الشریف

طول عمر حضرت «مهدی» یکی از مسائلی است که همواره مورد پرسش و تحقیق در مجامع علمی بوده است و سؤالی مهم در اذهان عمومی مردم می باشد. تصوّر حیات انسانی که از سال ۲۵۵ هجری قمری شروع شده و تاکنون نیز ادامه دارد برای برخی غیرقابل قبول است؛ زیرا مدت عمر انسان در بررسی های تاریخی معمولاً کمتر از دویست سال بوده است، بنابراین مسأله‌ی طول عمر آن حضرت مشکلی علمی برای معتقدان به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه قلمداد می شود و همواره آنان در برخورد با دیگران با این اشکال مواجه می باشند.

در پاسخ به این سؤال می توان گفت: که مسأله‌ی طول عمر حضرت «مهدی» عجل الله تعالی فرجه یک پدیده‌ی عادی نیست که بتوان آن را با قوانین تجربی و منطق علمی مورد پژوهش و بررسی قرار داد و به آن پاسخ گفت، بلکه یک معجزه‌ی الهی و یک پدیده‌ی عرشی و فوق انسانی است که خداوند در ادوار مختلفی از تاریخ حیات انسان موارد مشابه آن را به علت های مختلف ایجاد کرده است، مانند عمر اصحاب کهف و بیداری آنان بعد از گذشت بیش از سیصد سال، چنان که در قرآن کریم آمده است:

﴿لَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَمِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا﴾^۱

«آنان در غاری سیصد و نه سال قرار داشتند.»

و مثل حیات دوباره‌ی «عزیر» بعد از صد سال مردن که این هم یک پدیده‌ی خارق العاده است، در این باره قرآن کریم می گوید:

۱. سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۲۵.

﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ
بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ
قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ﴾^۱

«یا مانند آن کس «عزیر» که بر دهکده‌ای عبور کرد که بر روی اهالی آن خراب شده بود، پس گفت: چگونه خداوند اینها را بعد از مردنشان زنده می‌کند. بعد از این خداوند او را صد سال میراند سپس او را زنده کرد و به او گفت: چقدر اینجا بودی؟ گفت: یک روز یا نصف روز. خداوند به او گفت: تو صد سال در اینجا بودی.»

پس از آن «عزیر» اعتراف کرد که خداوند بر هر کاری تواناست.

﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۲

«گفت [دیگر] می‌دانم که خداوند بر هر چیز تواناست.»

شایان ذکر است که خداوند به تعداد زیادی از پیامبران و دیگر انسانها عمری طولانی عطا فرموده است، مانند «ذی‌القرنین» که مدّت ۱۵۰۰ سال زندگی کرد، «عوج بن عناق» که ۳۶۰۰ سال عمر کرد، حضرت «آدم» به مدّت ۹۵۰ سال، حضرت «نوح» حدود ۲۸۰۰ سال، «لقمان» مدّت ۳۵۰ سال عمر داشتند. شایان ذکر است که خداوند متعال به بعضی عمر همیشگی و دائمی عنایت کرده است، حضرت «خضر» و «الیاس» دو نفر از کسانی هستند که دارای حیات جاوید می‌باشند و از بدو تولّد تا قیامت زنده‌اند. همچنین «ابلیس» دارای عمر جاویدانی است که از قبل خلقت حضرت آدم شروع شده است و تا قیامت ادامه دارد. و در قرآن کریم در این باره آمده است:

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ﴾^۳

«ابلیس گفت: خداوندا من را تا روزی که انسانها مبعوث می‌شوند مهلت ده و خداوند

گفت تو از مهلت داده‌شدگانی.»

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۹.

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۹.

۳. سوره‌ی ص، آیه‌ی ۷۹ و ۸۰.

و برخی از دانشمندان در مورد حضرت «عیسی» می‌گویند او هم اکنون زنده است و برخی دیگر می‌گویند وفات کرده است، لکن همه معتقد هستند که او در زمان ظهور حضرت «مهدی» علیه السلام ظهور می‌کند و به یاری او می‌شتابد که این خود یک امر خارق‌العاده و یک پدیده‌ی الهی می‌باشد.

بنابراین مدت عمر طولانی حضرت «مهدی» علیه السلام یک امر عرشی و یکی از معجزات الهی است که نظایر تاریخی بسیاری دارد و این خود در زمان حضور آن حضرت دلیلی بر اثبات امامت الهی ایشان خواهد بود.

کریمی کاین جهان پاینده دارد تواند حجّتی را زنده دارد
در مورد طول عمر حضرت «مهدی» علیه السلام احادیث زیادی نیز وارد شده است:
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَا تُكْرَوْنَ أَنْ يَمُدَّ اللَّهُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ فِي الْعُمْرِ كَمَا مَدَّ لِنُوحٍ فِي
الْعُمْرِ.^۱

«مدت طولانی عمر قائم آل محمد را که از ناحیه‌ی خداست انکار نکنید خداوند به نوح

نیز عمری طولانی عطا کرد.»

امام حسن عسکری علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

إِنَّ أُنْبِيَّ هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَهُوَ الَّذِي تَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ بِالتَّغْمِيرِ
وَالْغَيْبَةِ حَتَّى تَقْسُو الْقُلُوبَ لِطُولِ الْأَمَدِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ
- عَزَّ وَجَلَّ - فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ.^۲

«فرزندم امام بعد از من است در او خصوصیات پیامبران خدا مثل عمر طولانی داشتن و

غیبت از امتش وجود دارد، غیبت او آن قدر طولانی است که قلبها سخت و سیاه می‌شود به

طوری که کسی به امامت ایشان ایمان نداشته مگر آنان که خداوند در قلبشان ایمان قرار

داده و با روح خود آنها را یاری داده است.»

۱. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۲؛ الحكم الزاهرة، ج ۲، ص ۱۷۷.

۲. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۸.

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام در این باره می فرماید:

إِذَا خَرَجَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي
غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فِي صُورَةِ شَابِّ ابْنِ دُونِ أَرْبَعِينَ سَنَةً لِيُعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

«آن گاه که نهمین فرزند از نسل برادرم حسین - فرزند فاطمه سرور زنان جهان - ظهور
کند خداوند عمری طولانی به او در زمان غیبتش عطا کرده باشد و او را به صورت جوانی کمتر
از چهل سال ظاهر می کند تا همگان بدانند خداوند بر هر چیزی تواناست.»

امام رضا علیه السلام می فرماید:

إِنَّهُ إِذَا خَرَجَ يَكُونُ شَيْخَ السَّنِّ شَابَّ الْمَنْظَرِ يَحْسَبُهُ النَّاطِرُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً
أَوْ دُونَهَا وَلَا يَهُرُّ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي.^۲

«قائم آل محمد (عج) آن گاه که ظاهر شود دارای سن زیادی است ولی چهره‌ای جوان
دارد که به نظر چهل ساله یا کمتر می رسد و مرور روزگار بر او تأثیری نمی گذارد.»

۱. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۵.

۲. منتخب الأثر، ص ۲۸۴؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۸۲.

امام مهدی عجل الله تعالى فرجه و غیبت

حضرت حجة بن الحسن (عج) دو غیبت و دو دوره‌ی پنهانی دارند:

۱. غیبت صغری: که از زمان وفات امام حسن عسکری علیه السلام شروع شد و به مدت ۶۹ سال به طول انجامید. (۲۶۰ تا ۳۲۹)

۲. غیبت کبری: که از سال ۳۲۹ قمری شروع شده و تاکنون ادامه دارد. احادیث زیادی درباره‌ی این دو نوع غیبت امام زمان (عج) وجود دارد که در مجموعه‌ی سخنان معصومان آمده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتِهِ وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ.^۱

«برای «قائم آل محمد» دو نوع غیبت است یکی کوتاه و دیگری بلند، در غیبت اول مکان زندگی او را تنها خواص از شیعه می‌دانند و در غیبت دوم مکان زندگی او را تنها خواص شیفتگانش اطلاع دارند.»

امام سجّاد علی بن الحسین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَتَيْنِ إِحْدَيْهِمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخِرِ، قَالَ علیه السلام: أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطْوُلُ أَمْدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ كَثِيرٌ مِمَّنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوَى يَقِينُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَلَمْ يَجْذِبْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَسَلَّمْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.^۲

«قائم آل محمد (عج) دو غیبت دارد؛ مدت زمان یکی از دیگری بیشتر است به طوری که

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۷.

بسیاری از مردم مسلمان از اعتقاد به غیبت آن حضرت دست برمی‌دارند و تنها آنانی که یقینشان قوی و معرفت دینی آنان صحیح بوده و آنچه را ما می‌گوییم دشوار نمی‌پندارند و پیرو ما می‌باشند بر آن عقیده باقی می‌مانند».

علت غیبت

۱. علت غیبت صغری

در مورد علت غیبت صغری می‌توان مهمترین آن را تصمیم جدی خلفای غاصب وقت برای شهادت آن حضرت دانست. آنان با تمام توان نظامی و اطلاعاتی در پی آگاهی از تولد آن حضرت و به شهادت رساندن ایشان بودند و آن امام به امر خداوند به مدت شصت و نه سال به‌طور پنهانی زندگی کرد و به واسطه‌ی نواب چهارگانه‌ی خود با شیعیان ارتباط داشت.

۲. علت غیبت کبری

علت غیبت کبری را می‌توان از جهات گوناگونی مورد تحقیق و پژوهش قرار داد که ما به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

۱. یکی از علل غیبت کبری امام «مهدی» عجل الله تعالی فرجه آزمایش بزرگ مردم است چنان‌که قوم بنی اسرائیل با غیبت حضرت «موسی» آزمایش و امتحان شدند و بسیاری از آنان در این امتحان الهی روزه شدند.

﴿لَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ

بَعْدِي﴾^۱

«آن‌گاه که موسی - بعد از غیبت خود - به سوی قومش با خشم و ناراحتی بازگشت، گفت

چه بد چیزی در غیبت من انتخاب کردید».

همواره انسان‌ها در هر عصری با امور مهم و خاصی - غیر از واجبات و محرمات معمول - در جوّ و شرایط زمانی مخصوصی امتحان می‌شوند. مسلمانان صدر اسلام گاهی با هجرت و جهاد و شهادت و قیام، و گاهی با فداکردن مال و جان عزیزان در زمان آغاز اسلام و با وجود پیامبر مورد آزمایش قرار گرفتند و گروهی دیگر در زمان انحراف رهبریّت دینی، با التزام به ولایت مداری علوی امتحان شدند و برخی دیگر در زمان قیام و انقلاب حسینی با جهاد و شهادت، و یا در دوران اختناق حکومت اموی و عباسی با حضور امام با ولایت و اطاعت امتحان شدند، و هم‌اکنون در زمان غیبت امام زمان (عج) مسلمانان بدین شکل امتحان می‌شوند که آیا به وظیفه‌ی دینی خود با عدم ظهور و حضور علنی امامشان عمل می‌کنند، برایمان خود استوار هستند، از ولایت خاندان پیامبر دست برمی‌دارند یا خیر؟ باید توجه داشت که وجود خود این جو و تحمّل مشکلات آن و استقامت در دین موجب رشد ایمان و ارتقای مقام الهی انسان می‌شود، و خداوند با این امتحانات زمینه‌ی تعالی انسان را فراهم می‌آورد.

ب: یکی دیگر از علل غیبت امام زمان (عج) ذخیره‌بودن آن امام برای وقت موعود و حکومت جهانی دینی است که در آخرین مرحله از زمان حیات انسان محقق می‌شود به همین خاطر از آن حضرت تعبیر به «بقیة الله» می‌شود.

ج: یکی دیگر از علّت‌های غیبت آن امام، قتل و شهادت ایشان توسط سران جبهه‌ی دین‌ستیز یا بیعت با آنان است که هر دو مانع جدّی برای تحقق حکومت جهانی دینی و عدالت خواهانه است.

د: یکی دیگر از عوامل غیبت امام زمان (عج) عدم آمادگی مردم جهان از جهات مختلف علمی، تقوایی و ایمانی، و عدم وجود نیروی کارآمد برای اداره‌ی حکومت جهانی می‌باشد.

ه: یکی دیگر از علّت‌های غیبت امام زمان (عج) رسیدن مردم جهان به این درجه از اعتقاد است که تنها راه نجات بشریّت، دین و دین‌داری بوده و تنها منجی

بشریت رهبر دینی الهی از طرف خدا می باشد تا اینکه خواهان ظهور او برای نجات از ظلم جان کاه استکبار جهانی گردند.

ت: و یکی دیگر از عوامل غیبت آن امام، نبود یاران جان فدا و والامقام (۳۱۳ نفر) و لشکری جان نثار (۱۰۰۰۰ نفر) برای قیام است.

و در آخر ذکر یک نکته بسیار مهم و ضروری است و آن اینکه دانش بشری برای کشف بسیاری از امور یارا نیست و توان فهم آنها را ندارد، بسیاری از اسرار نظام خلقت هنوز برای ما مجهول است و خداوند متعال که در گفتارش جای هیچ شک و تردیدی نیست در کتاب خود از این موضوع خبر داده است:

﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾^۱

«و از دانش تنها مقدار بسیار کمی به شما داده شده است.»

امام صادق علیه السلام درباره‌ی علت غیبت حضرت «مهدی» می فرمایند:

إِنَّ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ.

«بی گمان برای قائم آل محمد غیبتی است که بطلان خواهان در آن شک می کنند.»

سپس از آن حضرت سؤال شد: چرا آن حضرت غیبت می کنند؟ آن بزرگوار جواب دادند:

لِأَمْرِ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ.

«برای امری که ما اجازه‌ی بیان آن را برای شما نداریم.»

از ایشان سؤال شد: دلیل و حکمت غیبت او چیست؟ آن حضرت جواب دادند:

وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا نَمَّ يَنْكَشِفُ وَجْهُ الْحِكْمَةِ لَمَّا أَتَاهُ الْخِضْرُ مِنْ خَزَقِ السَّفِينَةِ وَقَتْلِ الْعُلَامِ وَإِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى إِلَّا فِي وَقْتِ افْتِرَاقِهِمَا... إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَسِرٌّ مِنْ

أَسْرَارِ اللَّهِ وَعَيْبٍ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ، مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ
كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ لَنَا.^۱

«همان حکمتی که در غیبت‌های حجت‌های پیشین خداوند است حکمت غیبت امام
زمان نیز می‌باشد. بی‌گمان حکمت آن کشف و دانسته نمی‌شود مگر بعد از ظهورش
همانطور که حکمت کارهای «خضر» مثل سوراخ‌کردن کشتی و کشتن پسر بچه و ساختن
دیوار، برای حضرت «موسی» کشف نشد مگر بعد از جدایی آن دوازده‌دیگر... این - غیبت
امام زمان - کاری از کارهای خدا و سرّی از اسرار الهی و امری از امور پنهان خداست. آن‌گاه
که ما دانستیم کارهای خدا حکیمانه است تصدیق می‌کنیم که این کار نیز از روی حکمت
خاصی بوده است هرچند هم اکنون آن را نمی‌دانیم.»

۱. مکیال‌المکارم، ج ۱، ص ۱۳۰؛ علل‌الشراعیع، ج ۱، ص ۲۳۴؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۲.

نَوَاب خاص و عام امام «مهدی» عجل الله تعالی فرجه

با توسعه و گسترش جغرافیایی جهان اسلام و تشیع، و شرایط خاص خفقان‌زای سیاسی زمان امامت هر امام، یکی از راه‌های مؤثر در اداره و هدایت جامعه‌ی اسلامی و شیعی، جریان شبکه ارتباطی نمایندگان و وکلای امامان می‌باشد.

پیشوایان الهی دین از این طریق تمام امور مورد نیاز جامعه‌ی تشیع و نیز هدایت و رشد آنان را سامان‌دهی می‌کردند. و با سازمان‌دهی خاصی در مجموعه‌ی وکلا و نمایندگان خود، مذهب تشیع و شیعیان را در طول زمان از زیر بار فشارهای جان‌کاه سیاسی و اقتصادی و تهاجم فرهنگی و اجتماعی نجات داده و به سلامت از کمین‌های دشمنان عبور داده‌اند.

این کار از زمان امام صادق علیه السلام به شکل بسیار ساده شروع شد و به مرور زمان شکل اصولی‌تر و سازمان‌یافته‌تری به خود گرفت. در زمان امامت امام جواد و امام هادی علیه السلام ارزش کاری نمایندگان و وکلا در سرزمین‌های اسلامی روشن‌تر گشت؛ زیرا هر دو امام تحت نظارت شدید حکومت عباسی بودند و این وکلا بودند که برنامه‌ها و دستورات امام را در هر منطقه به شیعیان ابلاغ می‌کردند و آنها را در فراز و نشیب‌های سیاسی و علمی آن روز هدایت می‌نمودند به پرسش اعتقادی و فقهی آنان پاسخ می‌دادند و با ایجاد مراکز علمی موجب رشد علمی شیعیان می‌شدند. این نیاز در زمان امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه به بیشترین حد خود رسید؛ زیرا آن حضرت به شکل پنهانی و در غیبت زندگی می‌کردند و این وکلا بودند که به نیابت از امام عصر با شناخت برنامه‌های دینی مورد نظر امام زمان کار هدایت جامعه را به

دست گرفته و امام به آنان اجازه‌ی ارشاد جهان اسلام و تشیع را داده بود. نواب امام زمان بر دو قسم هستند.

۱. نواب خاص

نواب خاص وکلای امام زمان علیه السلام در زمان غیبت صغرا هستند. آنان چهار نفر از علمای باتقوا و خوش سابقه و اهل زهد و پارسایی بوده که سرآمد عصر خود بودند و افتخار نیابت امام زمان (عج) را دارا گشتند. خود امام آنها را برگزید و تمام برنامه‌های سیاسی و گسترش مذهب تشیع، مرجعیت علمی و راه ارتباط شیعیان با امام، مبارزه با مدعیان دروغین مهدویت و ارتقای علمی جهان تشیع را به دست ایشان سپرد.

نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه چهار نفر بودند:

۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عمّری

او از قبیله‌ی بنی اسد است و از یاران صدیق امام هادی و امام عسکری علیه السلام می‌باشد شغل او روغن‌فروشی بوده و این کار را برای مخفی نگه داشتن نیابت خود از آن امامان و به منظور ارتباط با مردم و پنهان کاری فعالیت‌های سیاسی خود انتخاب کرده بود و حدود چهار سال توفیق نیابت خاص امام زمان علیه السلام را داشت.

۲. محمد بن عثمان بن سعید عمّری

او فرزند نائب خاص اول است و از یاران مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام بود و حدود چهل سال در دوره‌ی غیبت صغرا توفیق نیابت از امام عصر (عج) را دارا بوده است او در سال «۳۰۵» وفات یافت.

۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

او از نواب علمی و از پارسایان عصر خود بوده، کتابی در فقه به نام «التأدیب» تالیف نموده است و مدت ۲۱ سال امر نیابت را عهده‌دار بود و در سال «۳۲۶» وفات یافت.

۴. ابوالحسن علی بن محمد سمري

او آخرین نایب خاص است که به مدّت چهار سال این کار مهم را به عهده داشت و با مرگ او دوران غیبت صغرا و نیابت نواب خاص به پایان رسید.

۲. نواب عام

با شروع دوره ی غیبت کبرا، امر نیابت امام عصر (عج) به فقهای پارسا و آگاه به مبانی دین سپرده شد و امام زمان (عج) نام فرد یا افراد خاصی را برای امر نیابت نبرده است بلکه با بیان یک سری ضوابط عام هر که را دارای آن ضوابط و شرایط باشد به عنوان نایب شناخته و معرفی کرده است، آن حضرت (عج) در این باره می فرماید:

أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا؛ فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ
وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.^۱

«در حوادثی که رخ می دهد به راویان احادیث ما مراجعه کنید آنان حجّت من بر شما و

من حجّت خدا بر آنانم.»

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۴۵۷؛ الحقائق، ص ۲۵؛
الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳؛ نوادر الأخبار، ص ۲۴۱؛ چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۳۹۲.

نقش علمای شیعه در زمان غیبت کبرا

علماء و روحانیّت شیعه در طول تاریخ حیات خود همواره سرچشمه‌ی هدایت جامعه‌ی انسانی بوده‌اند. آنان با فهم و تفقه دین، ترویج و تبلیغ آن، دفاع دینی در مقابل تهاجم فرهنگی دشمنان داخلی و خارجی، و ایجاد حکومت برای حاکمیت اندیشه‌ی دینی و عدالت اجتماعی، خواهان سعادت و رستگاری انسان در دنیا و آخرت می‌باشند.

آنان با هزینه‌کردن تمام عمر خود و با زحمات طاقت‌فرسا و مطالعات علمی فوق‌العاده و با دادن جان و مال و تبعید، تاریخی شکوفا از رسالت دینی و خدمات مردمی معماری کرده‌اند، شیخ مفیدها، شیخ طوسی‌ها، مقدس اردبیلی‌ها، شیخ انصاری‌ها، شهید اول و دوّم‌ها، شهید صدرها، مطهری‌ها، علامه امینی‌ها و طباطبائی‌ها، خمینی‌ها رضوان‌الله تعالی علیهم اجمعین از این سلسله‌ی بارقه‌ی نور فهم دین و هدایت مردمی می‌باشند. روحانیّت دین خواه در مسیر تاریخی حیات دین و بعد از غیبت حضرت «مهدی» علیه السلام به عنوان اساس دین متکفل این امور بوده‌اند:

۱. وکالت و نیابت از حضرت «مهدی».
۲. حفظ و ارتقا و به روز در آوردن قوانین دینی.
۳. دفاع از حریم دین و دفع تهاجم فرهنگی به دین.
۴. ترویج و گسترش فرهنگ دینی.

۱. مراد از شهید اول محمد بن جمال الدین مکی عاملی یکی از علمای بزرگ شیعه (۷۳۴-۷۸۶) است که به دست حکام جور به اتهام دانشمند شیعی بودن کشته شد، و مراد از شهید دوم زین الدین جبعی عاملی (۹۶۵-۹۱۱) یکی از علمای بزرگ شیعه است که او نیز به توطئه‌ی علمای دربار خلفای عثمانی شهید شد.

۵. تربیت افراد دین آگاه.

۶. برقراری حاکمیت دین و تشیع در جامعه.

۷. حمایت از مردم در برابر ستم پیشگان.

۸. پاسخ گویی به پرسشهای دینی.

۹. مرجعیت علمی و اخلاقی.

آنان در طول مدت حضور پیشوایان معصوم، پرچم دار هدایت مردم به سوی دین و ولایت خاندان پیامبر، و سپر حمایت از آنان و مبلغ از جان گذشته‌ی تشیع بوده‌اند، و در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه کشتی نجات مردم از دریای توفانی افکار انحرافی و مشعلی فروزان برای هدایت مردم از برهوت ابتدال به بهشت سرسبز دین می‌باشند؛ به همین جهت حضرت «مهدی» عجل الله تعالی فرجه در زمان غیبت کبرا آنان را که سوز دین دارند و جان در راه اعتلای تشیع گذاشته‌اند وکیل و نائب خود معرفی نموده است.

امام هادی علیه السلام درباره‌ی ارزش وجودی علمای شیعه در زمان غیبت می‌فرماید:

لَوْلَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالذَّالِّينَ عَلَيْهِ
وَالذَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَالْمُنْقِذِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ
وَمَرَدَاتِهِ وَمِنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا أَرْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ لِكِنَّهُمْ الَّذِينَ
يُمْسِكُونَ أَرْمَةَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا
أُولَئِكَ هُمُ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۱

«اگر بعد از غیبت قائم آل محمد (عج) کسی از علما باقی نمی‌ماند تا مردم را به امامت او

هدایت و راهنمایی کند و از دین خدا با حجتهای الهی و دلایل دینی دفاع نماید و بندگان

خدا را از دام ابلیس و فریب‌هایش و از سخن پراکنی دشمنان خاندان پیامبر نجات دهد

همه‌ی مردم از دین خدا برمی‌گشتند. آن علما کسانی هستند که زمام قلبهای شیعیان را در

انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و ارزش آن

یکی از مقدّس ترین مفاهیم دینی واژه‌ی «انتظار» است به طوری که در بسیاری از روایات بهترین عمل شمرده شده است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۱

«برترین عمل امت من انتظار فرج و گشایش از طرف خدای متعال است.»

مفهوم انتظار نشان از معرفت شگرف و بصیرت عالی شخص منتظر دارد. این مفهوم دارای دو بعد است:

۱. بُعد نفی و طرد: این بعد از انتظار، نارضایتی و نفی وضع موجود و نگرانی و دغدغه‌ی خاطر منتظر از شرایط و قوانین حاکم بر خویش و جامعه‌ی پیرامون خویش است. شخص منتظر از خود و دارایی‌های معنوی و الهی خود ناراضی است و در خود و جامعه کمبودهای فراوانی را از قبیل کمبودهای علمی، اخلاقی، سیاسی، دینی، و رفاهی در تمامی ابعاد احساس می‌کند و تنها راه چاره را ظهور قائم آل محمد علیهم السلام می‌داند، او از تمامی راه‌کارهای موجود در جهان ناامید بوده و تجارب تاریخی را گواه بر این مدّعا می‌داند.

۲. بُعد مثبت و امید: این بعد از انتظار، بعد امیدواری به آینده‌ی روشن جهان است. منتظر تنها راه نجات انسان در بند ابتدال اعتقادی و اخلاقی، و گرفتار در دام‌های جان‌کاه ظلم‌های اقتصادی را حکومت دینی به امامت حضرت حجة‌بن الحسن عجل الله تعالی فرجه می‌داند. او چشم به راه دوخته و دل در گرو ظهور منجی عالم

۱. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۶، عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۶.

بشریت دارد و با تمام توان برای شتاب در ظهور، ابزار و مقدمات آن را از قبیل آمادگی تقوایی خود و جامعه فراهم می‌آورد.

شایان ذکر است که انتظار یک مفهوم مؤثر و سازنده‌ی انسان دینی است. و همان‌طور که مفهوم هجرت و شهادت سازندگی خاصی دارند و شخص هجرت‌کننده و آماده‌ی شهادت را کمالی عرشی می‌دهد و او را آماده‌ی صعود به اعلیٰ علین می‌کند و دنیا را در چشم او چون متاعی اندک نشان می‌دهد، مفهوم انتظار نیز به شخص منتظر چنین روحیه‌ای می‌دهد. شخص منتظر یک انسان بینا و آگاه به اصول و چهارچوب حاکم بر جوامع کنونی انسان و ظالمانه بودن آن است، او دارای معرفتی دقیق با دلایلی متقن بوده و تنها راه چاره را برقراری حکومت دینی کامل به دست امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه می‌داند.

شخص منتظر دل به دنیا و زیبایی‌های فریبنده و ابتدالی آن نبسته است و گرنه در انتظار تغییر وضع موجود نبود بلکه او از جو و فضای فسادآلود کنونی به تنگ آمده و به دنبال آرامش و آسایش و امنیت و صلح دینی است.

شخص منتظر، قدرت تشخیص کاملی دارد او تمامی مدعیان نجات بشریت را که با وعده‌های دروغین انسان را به بردگی مدرن و به قبرستان مرگ فضائل انسان و زندگی در باتلاق رذایل حیوانی می‌کشاند می‌شناسد، و از طرف دیگر کشتی نجات خود را در راه می‌بیند. و دست خویش را تنها به طرف آن دراز می‌کند و رسیدن به ساحل سعادت و رستگاری انسان را همگامی با کشتی دین به امامت حضرت حجّت عجل‌الله تعالی فرجه می‌داند.

انسان منتظر، در بعد فکری انسانی است آگاه، روشن فکر، با بصیرت و قدرت شناخت بالا، و در بعد عمل و رفتار، انسانی است با تقوا، دین‌دار، پرتلاش، خود ساخته و به دنبال تغییرات بنیادی در جامعه است.

بنابراین روحیه‌ی انتظار در انسان یک روحیه‌ی سازنده در تمام ابعاد

اعتقادی و رفتاری است، روحیه‌ای است که انسان را بالاتر از جامعه‌ی آلوده می‌برد و در او روح سازندگی شخصی و اجتماعی و هم‌سنخی با دین امام منتظر می‌دمد. شخصی که می‌خواهد منتظر باشد اگر از وضع کنونی جامعه‌ی آلوده به فساد خویش راضی باشد، از کمبودهای علمی و اخلاقی خود خرسند باشد و در مقام عمل، خود و جامعه را آماده‌ی مطابقت با دین امام منتظر نکند، بدون هیچ‌گونه شکی دارای روحیه‌ی انتظار نیست بلکه فردی است که در باتلاق متعفن فساد غرق شده و خود را به عمق آن نزدیک می‌کند و برای نجات خود کاری نمی‌کند، به جای اینکه شاخ و برگ بگیرد و سر از باتلاق درآورد، خود را تسلیم کرده و آرام آرام در آن غرق می‌کند.

مفهوم انتظار، انسان با مسئولیت و مرد عمل‌کننده‌ی به تکلیف می‌سازد نه اینکه مسئولیت را از انسان می‌ستاند و تکلیف را نفی می‌کند. انتظار، مایه‌ی تکاندن خانه‌ی جان و جامعه از غبار آلودگیها و آراستن آن به شکل دلخواه آن سفر کرده‌ی در راه است.

انتظار، مایه‌ی عشق و شور و شوق و امید و تلاش برای آماده‌سازی خود و جامعه برای آمدن و ظهور امام منتظر است و باعث ایجاد روحیه‌ی تحمل مشکلات و مصائب و روشنائی نور امید به آینده در سینه‌ی رنج‌کشیده‌ی شخص در انتظار است.

انتظار هرگز یک روحیه‌ی بازدارنده، فلج‌کننده و یأس‌آور نیست بلکه موجب دور کردن عنصر بدبینی به آینده از نهاد انسان و جامعه‌ی بشری است.

انتظار، یک حقیقت و واقعیت وجودی و دینی است که رابطه‌ی انسان و امام عصر عجل الله تعالی فرجه را برقرار می‌سازد و عشق به ایشان و چشم امید به آمدن او را روزافزون می‌گرداند.

امام هادی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ.^۱

«قائم آل محمد مهدی است که واجب است در زمان غیبتش مردم منتظر او باشند و در

زمان ظهورش مطیع ایشان باشند.»

شیعه و شیعیان از ظهور تا کنون

تاریخ ظهور و پیدایش شیعه با زمان تولد اسلام همراه است؛ زیرا تشیع همان اسلام ناب و راستین در تمامی ابعاد اعتقادی و رفتاری است. این نام‌گذاری توسط پیامبر گرامی اسلام ﷺ صورت گرفت؛ چرا که آن بزرگوار همواره الگو و نماد اسلام راستین و جانشین الهی خود را امیرمؤمنان علی بن ابی طالب رضی الله عنه معرفی می‌کرد و به همگان پیروی از ایشان را تنها راه رستگاری و سعادت الهی اعلام می‌نمود و می‌فرمود:

عَلَيَّ وَشِيعَتُهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۱

«تنها علی و پیروانش در روز قیامت رستگارند.»

و از آن زمان به بعد نام رهروان و پیروان امیرمؤمنان به «شیعه» معروف شد. بعد از نزول آیه‌ی:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾^۲

«بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل شایسته می‌کنند بهترین خلق خدا هستند، پاداش آنان نزد پروردگارشان بهشت برین و جاویدان است که جوی‌ها در آن جاری است خداوند از آنها راضی باشد و آنان نیز از خدا خشنودند و این پاداش کسانی است که ترس از خدا در دل دارند.»

پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ به سوی حضرت علی رضی الله عنه اشاره کرده و فرمودند:

۲. سوره‌ی بینه، آیه‌ی ۸-۷.

۱. کشف‌الغمة، ج ۱، ص ۱۹۹.

وَأَلَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

«سوگند به خدایی که جان من در دست اوست بی‌گمان این شخص - امیرمؤمنان - و

شیعیان او تنها کسانی هستند که روز قیامت رستگار می‌شوند.»

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: پس از این جریان - فرمایش پیامبر و نزول آیه - هرگاه «علی» علیه السلام به جایی وارد می‌شد می‌گفتند: بهترین خلق خدا آمد.^۱
پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در لحظات آخر حیات گوهربار خود خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ، أَلَمْ تَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ هُمْ شِيعَتُكَ وَمَوْعِدِي وَمَوْعِدُكُمْ أَلْحَوْضَ.^۲

«ای علی، آیا نشنیده‌ای کلام خدا را که می‌فرماید ﴿بی‌گمان کسانی که ایمان آورده و اعمال شایسته می‌کنند آنان بهترین خلق خدایند﴾ آنان شیعیان تو می‌باشند و محل دیدار من و شما حوض کوثر در بهشت خواهد بود.»

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بارها امیرمؤمنان علیه السلام را معیار شناخت حق و وجود او را توأمان با قرآن معرفی کردند و فرزندان معصوم ایشان را به عنوان امامان الهی آینده‌ی جامعه به همه شناساند و فرمودند:

إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي - ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَرَفَعَهَا - فَقَالَ:

هَذَا عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ أَلْحَوْضَ.^۳

«من در میان شما کتاب خدا و عترتم را که اهل بیت من می‌باشند به جا می‌گذارم -

ان‌گاه دست امیرمؤمنان را گرفت و بلند کرد و فرمود: این علی است که همواره با قرآن است و

۱. المیزان، ج ۲۰، ص ۳۴۱.

۲. مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۵۲۴؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۴۱.

۳. الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۳۶۸.

قرآن نیز پیوسته با اوست هرگز این دو از هم جدا نمی‌شوند تا این که در بهشت در کنار حوض کوثر بر من در آیند.»

و باز فرمودند:

الْحَقُّ مَعَ عَلِيِّ وَعَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ لَنْ يَخْتَلِفَا وَلَنْ يَفْتَرِقَا.^۱

«حق پیوسته با علی است و او نیز همواره با حق است آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند و

تفاوتی با هم ندارند.»

و در جریان غدیر خم با صراحت، ولایت و جانشینی امیرمؤمنان (علیه السلام) را برای تمام جامعه‌ی اسلامی اعلام کردند و فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ.^۲

«هر کس من رهبر اویم علی نیز رهبر اوست بارخدا یا آنان را که پیرو اویند دوست بدار و

با آنان که با او دشمنی کنند دشمن باش.»

و بارها می‌فرمود:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ وَيَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَيَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ فَلْيُوالِ عَلِيًّا بَعْدِي وَلْيُعَادِ عَدُوَّهُ وَلْيَأْتِمَّ بِالْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ مِنْ وُلْدِهِ فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي وَسَادَةُ أُمَّتِي وَقَادَةُ الْأَتْقِيَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ حِزْبُهُمْ حِزْبِي وَحِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ وَحِزْبُ أَعْدَائِهِمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ.^۳

«هر کس دوست دارد سوار بر کشتی نجات شود و به ریسمان محکم الهی چنگ زند،

باید ولایت علی را بعد از من بپذیرد و با دشمنانش مخالفت ورزد و امامت پیشوایان هدایت

را که از نسل او می‌باشند قبول کند؛ زیرا آنان جانشینان من و حجت‌های خدا بر مردم بعد از

۱. بحارالأنوار، ج ۳۸، ص ۳۵.

۲. بحارالأنوار، ج ۲۱، ص ۳۸۷؛ نوادرالأخبار، ص ۱۱۶۵؛ الإرشاد، ج ۱، ص ۱۶۵؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۶۵؛ كشف الغمة، ج ۱، ص ۱۶۷؛ چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۱۷.

۳. كشف الغمة، ج ۳، ص ۱۲۷؛ عيون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۲؛ بحارالأنوار، ج ۳۸، ص ۱۹۲؛ أمالی شیخ صدوق، ص ۱۹؛ چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۱۸.

من هستند، آنان سرور امت من و پیشتازان متقیان به سوی بهشتند. حزب آنان حزب من، و حزب من حزب خداست، و حزب دشمنان آنان حزب شیطان است.»

مجموعه‌ی یاران صدیق پیامبر گرامی اسلام مثل سلمان، ابوذر، مقداد، عمار یاسر، ابن عباس، بلال، ام سلمه و برخی دیگر از دلدادگان اسلام راستین، کانون آغازین تشیع را تشکیل دادند. آنان به جهت تصریح آیات قرآن و روایات مکرر و متواتر از پیامبر گرامی اسلام:

۱. مرجعیت علمی دینی و سرچشمه‌ی فرهنگ ناب اسلامی بودن،

۲. امامت و ولایت سیاسی و حکومتی،

را از آن پیامبر خدا و سپس امیر مؤمنان و عترت پاک آن پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله می‌دانستند، و استمرار تابعیت و پیروی از پیامبر را بعد از رحلت ایشان در امامت و رهبری امیر مؤمنان و فرزندان آن بزرگوار می‌دیدند و باور داشتند.

این کانون نور به رهبری امیر مؤمنان علیه السلام در کنار پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، مرکز اصلی تمام مجاهدت‌ها و رشادت‌ها در صدر اسلام شد و شمشیر بران هجوم به جبهه‌ی دین ستیز و سپر مستحکم دفاع از اسلام گردید و سرچشمه‌ی جوشان دانش و تبلیغ معارف دینی گشت. آنان در تمامی بحران‌های تحمیلی خارجی که به دست کافران و مشرکان صورت می‌گرفت نیز در دفع توطئه و دسیسه‌های منافقان داخلی حرف اول را می‌زدند و در این راه با تمام وجود فشارها و سختی‌های فراوان جانی و مالی را برای اعتلای اسلام و سعادت مردم به جان می‌خریدند. آنان به همین جهت مورد لطف و محبت ویژه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، و همواره آن بزرگوار از مظلومیت رهبران و امامان شیعه به‌ویژه امیر مؤمنان علیه السلام در آینده و تحت فشار قرارگرفتن شیعیان و انحراف و تحریف دین به دست قدرت‌طلبان فرصت طلب حسرت می‌خورد و بر آن اشک می‌ریخت.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در پاسخ به امیر مؤمنان علیه السلام درباره‌ی گریستن خود

می‌فرماید:

شیوه‌ای به ظاهر مردمی به انحراف کشاندند و امر اساسی و سرنوشت‌ساز امامت دین اسلام را نیز مانند سایر ادیان بعد از پیامبر خویش به شکلی مصیبت‌بارتر به بی‌راهه بردند به طوری که مخالفت جمع و کانون کوچک متشکل از امام علی علیه السلام، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و خاندان پیامبر و شیعیان نیز نتیجه‌ای نبخشید. اجتماع این گروه و مخالفت علنی آنان با خلافت غیرخاندان پیامبر و شایسته دانستن امام علی علیه السلام برای امامت و جانشینی، این جمع و تفکراتش را از دیگران متمایز کرد و از اینجا «شیعه» جلوه‌ای علنی، رسمی و مستقل یافت.

با آغاز مخالفت علنی آنان، یورش و هجوم همه‌جانبه‌ی غاصبان حکومت اسلامی به این جمع معترض آغاز شد به حدی که خانه‌ی فاطمه، دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که مرکز فریاد اعتراض و هدایت مسلمانان بود محاصره گردید و مورد هتک حرمت قرار گرفت و برای خاموش کردن نور روشنگر جامعه هیزم آوردند و آتش افروختند و با تمامی راه‌کارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آنان را تحت فشار قرار دادند. غصب‌کنندگان خلافت، دین خدا را با ظاهری آراسته، از درون به ویرانی و آلودگی کشاندند. انزوای خاندان پیامبر از ولایت و امامت و هدایت جامعه‌ی اسلامی، و دوری حاکمان تازه به قدرت رسیده از فهم و درک اسلام ناب، موجب جعل قوانین و ترویج عقاید ساختگی و توجیه‌گر خلافت حاکمان و تحریف احکام روشن اسلام برای حفظ موقعیت سیاسی حکومت‌مداران گردید. خفه کردن صدای منادیان اسلام راستین و استحاله‌ی فرهنگی جامعه‌ی اسلامی به یک جامعه‌ی با ظاهری اسلامی و بدون حرکت در خط صحیح و اساسی اسلام، خطّ مشی قدرت‌مداران شد، و سرانجام قتل و کشتار امامان شیعه و عترت پاک پیامبر خدا و همچنین پیروان صدیق پیامبر خدا و خاندان او پیکره‌ی دین اسلام و جامعه‌ی اسلام خواه را فراگرفت. حکومت اسلامی که در زمان پیامبر با شاخصه‌ی وحیانی بودن و ارتباط عرشی داشتن با خدا، تقواسالاری و عدالت‌مداری بنیان نهاده شده بود بعد از چندی به امپراتوری صددرصد عربی و با محتوایی ضد‌دینی

امیرمؤمنان و امامان معصوم علیهم السلام امر مهم امامت جامعه‌ی اسلامی را بدون دارا بودن خلافت و رهبری سیاسی به شایستگی در بخش فرهنگی و اعتقادی به دست گرفته و با تمام توان آن را حفظ و ترویج کردند. در تمامی دوران غصب خلافت، اساس و گوهر وجود دین را حفظ کردند و از بدعت‌ها و تحریف‌ها جلوگیری نمودند و حقایق دینی را بیان و تبلیغ کردند. و در ارتباط با انحراف در رهبری سیاسی روشن‌گری عاقلانه نمودند و مردم را به سمت اصلاحات اوضاع سیاسی به سود دین و جامعه هدایت کردند و با تربیت و پرورش انسان‌های دین‌شناس، هسته‌های هدایت و تبلیغ دین را فراگیر و جهان‌شمول کردند. آن امامان با شهادت و هزینه کردن آبرو و اسارت این کار را به پیش بردند و یاران دین خواه و رهروان ولایت مدار آنان نیز با ایمان و جهاد و شهادت اساس خورشید اسلام راستین را که در مذهب تشیع متجلی است تابان و فروزان نگه داشتند. در این راه عالمان و دانشمندان بسیاری ظهور کردند و کتاب‌های فراوانی نیز نگاشته شد.^۱

مردم بعد از انحراف در جانشینی پیامبر و انزوای بیست و پنج ساله‌ی امیرمؤمنان علیه السلام فاصله فراوان حکومت ناب محمدی با حکومت عثمانی را کاملاً لمس کردند و همه‌ی بی‌عدالتی‌ها، تحریف دین، نژادپرستی، توجیه‌گری، قبیله‌گرایی و چپاول بیت‌المال و مصادره‌ی آن به سود گروه حاکم را در اشتباه تاریخی خود - انحراف از حکومت علوی - دانستند و به همین خاطر عثمان را سرنگون و با امام علی علیه السلام بیعت کردند. امام با اندیشه‌ی بازگردانی حکومت و جامعه به شیوه حکومت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و ساختن دوباره‌ی جامعه‌ای با فرهنگ اصیل اسلامی حاکمیت را به عهده گرفت، لکن تفاله‌های دوران جاهلیت و انحراف که به بازی‌های سیاسی و عوام‌فریبی آشنایی کامل داشتند از شام، بصره، مدینه، مکه، مصر و حتی کوفه که مقر حکومت امام علی علیه السلام بود، آتش فتنه‌ی سرنگونی

۱. درباره‌ی شناخت تعدادی از عالمان شیعی می‌توان به کتاب «أعیان الشیعة» و در مورد شناخت مقداری از کتاب‌های تألیف شده توسط دانشمندان شیعی می‌توان به کتاب «الذریعة إلی تصانیف الشیعة» مراجعه کرد.

فراهم آورد. سرانجام با قیام‌های مردمی آن حکومت سر تا پا انحراف در سال ۱۳۲ هجری قمری سرنگون شد.

پس از آنها عباسیان که با شعار حمایت از خاندان پیامبر افکار عمومی را به خود جلب نموده و مردم را وارد مبارزه‌ی همه‌جانبه بر ضدّ امویان کرده بودند بعد از سقوط حکومت اموی، خود بر کرسی خلافت تکیه زده و در مدّت حکومت نزدیک به ششصد ساله‌ی خود به بدترین شکل ممکن امامان شیعه و پیروان آنان را که تنها حافظ اساس نظام فکری و فرهنگی و حتّی حکومتی اسلام بودند تحت فشار گذاشتند. برخی را در خانه محبوس کردند و برخی را در زندان بغداد و بعضی را در کاخ خود غریبانه محصور کردند و برخی دیگر را در پادگان‌های نظامی تحت نظر گرفتند و ارتباط شیعیان با امام خود را قطع و آنان را قتل عام نمودند و از تمامی مناصب و امتیازهای اجتماعی و حکومتی محروم و فشارهای اقتصادی جانکاه بر آنان وارد کردند. جنایت‌کاران رسوای تاریخ مانند منصور دوانیقی، متوکل زمام خلافت را به دست گرفتند و امامان شیعه را به شهادت رساندند و دانشمندان و ادبای متعهد و دلسوز جامعه‌ی اسلامی را به قتل رساندند. آنان بعد از غصب خلافت نه به شکل شایسته‌سالاری و نه به شکل مردمی خلافت و جانشینی، بلکه به صورت دل‌خواه برنامه‌ریزی کردند و در این باره به سفارش‌های پیامبر ﷺ توجهی ننمودند و به رأی مردم و نظر آنان نیز نگاهی حتی اندک نکردند.

حکومت عباسی که از احادیث پیامبر و اشتهار مردمی ولادت دوازدهمین امام به عنوان منقرض‌کننده‌ی خلافت جبّاران و به‌پاکننده‌ی حکومت دینی جهانی شیعه اطلاع داشتند، همچون فرعون در پی همسر امام عسکری علیه السلام بود که اگر صاحب فرزندی شود او را به قتل رسانند، لکن خداوند متعال حضرت مهدی علیه السلام را حفظ کرد و او را به جهان هدیه داد. با شهادت امام عسکری و آشکارشدن وجود مبارک امام زمان حکومت عباسی سراسیمه و با شتاب‌زدگی تمام به دنبال پیدا کردن امام زمان بودند تا او را همچون سایر امامان به اسارت کشند، ولی این بار خداوند اراده

روش مخالفان حکومت خاندان پیامبر است، خودباختگی فرهنگی و فریفتگی برخی از خواص جامعه و قدرت طلبی آنان و هجوم آرام سیاسی بر ضد ولایت و فرهنگ ولایی و فریب و جذب مردم به جبهه‌ی دیگرگرایی، بلای تاریخی دیگری برای انحراف جامعه و محرومیت آن از حکومت ولایی اصیل شیعی است که در این زمان توسط عناصر اموی‌گرا و عباسی فکر صورت می‌گیرد. ولی حمایت همه‌جانبه‌ی مردمی و دین‌داری آنان و حفاظت از نظام دینی و پیروی از ولایت فقیه به عنوان نایب امام زمان (عج) عامل حفظ نظام شیعی و زمینه‌ساز ظهور آن حضرت است. در این زمان تهاجم و شبیخون فرهنگی تمام معتقدات شیعه را زیر سؤال می‌برد به طوری که وجود و امامت امام زمان را نیز دربر می‌گیرد و شیعیان واقعی کسانی هستند که با تمام وجود امامت و ولایت امام زمان را در دل دارند و با تقوا و پارسایی تمام به عمل کردن به مبانی شیعه پای بندند.

پیامبر گرامی اسلام درباره‌ی شیعیان واقعی در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید:

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ إِمَامٌ أُمَّتِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي، وَمِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ
الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا. وَالَّذِي
بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنْ
الْكِبْرِيَّتِ الْأَخْمَرِ.^۱

«به راستی که علی بن ابی طالب امام امت من و جانشین من بر آنها بعد از من است. از نسل او قائم آل محمد می‌باشد که مردم در آخر زمان در انتظار او هستند، او کسی است که خداوند به دست او جهان را پر از عدل و داد می‌کند همان‌گونه که پر از ظلم و جور بوده است. سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت آنان که ثابت و استوار بر قول به امامت ایشان در زمان غیبت اویند گرانبها تر از یاقوت قرمزند.»

امام کاظم علیه السلام در شأن شیعیان شیفته‌ی قائم آل محمد (عج) می‌گوید:

۱. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۴۴۰؛ المحجّة البیضاء، ج ۴، ص ۳۳۷.

طُوبَى لِّشِيعَتِنَا أَلْمَتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوَالِنَا
وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَرَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً
فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَهُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۱
«خوشا به حال شیعیان ما، آنان که به ریسمان ولایت در زمان غیبت قائم آل
محمد(عج) چنگ زده‌اند و استوار و پا برجا بر دوستی ما و دوری و بغض از دشمنان ما
می‌باشند. آنان از ما هستند و ما از آنانیم، آنان از امامت ما راضی و خشنودند و ما از
شیعه‌بودن ایشان، خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان به خدا سوگند
آنان با ما در همان درجه و مرتبه‌ی ما در روز قیامتند».

امام سجّاد علیه السلام درباره‌ی اجر و پاداش عاشقان مهدی(عج) می‌گوید:

مَنْ ثَبَتَ عَلَى مَوَالِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِدَاءِ
بَدْرٍ وَأُحُدٍ.^۲

«هر کس در زمان غیبت قائم آل محمد(عج) بر ولایت و دوستی ما ثابت قدم باشد
خداوند به او اجر هزار شهید مانند شهیدان جنگ بدر و اُحد عطا می‌کند».

امام علی علیه السلام در حالات کسانی که در زمان غیبت امام زمان(عج) ایمان به آن
بزرگوار دارند خطاب به امام حسین علیه السلام می‌گوید:

التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْمُظْهَرُ لِسَلْبِ الدِّينِ وَالْبَاسِطُ
لِلْعَدْلِ.

قَالَ الْحُسَيْنُ علیه السلام: إِنَّ ذَلِكَ لَكَائِنٌ؟

فَقَالَ علیه السلام:

إِنِّي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ وَأَصْطَفَاهُ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ، وَلَكِنْ بَعْدَ
غَيْبَةٍ وَحَيْرَةٍ، لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ السِّيقِينَ
الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَكَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ.^۳

۲. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۴۴۲-۴۴۳.

۱. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۴۴۴.

۳. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۴۴۱.

«نهمین فرزند از نسل تو - ای حسین - حق را به پا می‌دارد و دین را ظاهر می‌سازد و

عدل را می‌گستراند.»

امام حسین علیه السلام سؤال می‌کند:

آیا این واقع خواهد شد؟

امام علی علیه السلام پاسخ می‌دهد:

«به خدایی که محمد را به پیامبری برگزید و بر تمامی انسانها برتری داد اینگونه

خواهد شد. ولی این امر بعد از یک دوره‌ی غیبت طولانی و حیرت و سرگردانی بزرگ خواهد

بود که هیچ‌کس بر دین امام زمان باقی نمی‌ماند مگر آنان که اخلاص دارند و روح یقین به

دین در کالبد آنان است. آنان کسانی هستند که خداوند از ایشان پیمان ولایت ما را گرفته،

است، بر قلب‌های آنان نور ایمان نقش بسته و مورد تأیید روح الهی می‌باشند.»

جامعه‌ی جهانی در عصر غیبت

همواره در طول تاریخ ظهور ادیان الهی و بعثت پیامبران، نهضت‌های دینی از همان آغاز، مواجه با صف دین ستیزان ابتدال خواه بوده است. این صف در روند تاریخ شکل گرفت و رشد کرد و به صورت حکومت‌های سازمان یافته درآمد و با پیشرفت تکنولوژی که آن را به خدمت خود درآورد با تمام ابزارهای مدرن ایجاد انحراف در جامعه و تحریف حقایق، در مقابل دین و جمعیت دینداران که از اقشار ضعیف و غیر برخوردار جامعه بوده‌اند قرار گرفت. آنان متناسب با شرایط زمانی و مکانی، ابزار گمراهی جامعه را انتخاب کرده و آموزه‌های اصیل دینی را که با بنیان اندیشه‌های ستمگرانه‌ی آنان منافات دارد تحریف نموده و سپس با تمام شقاوت به سوی سفیران الهی و جبهه‌ی دین داران یورش می‌برند. روح و جوهره‌ی جبهه‌ی دین ستیز به رهبری ضد مردمی‌ترین انسان‌های هر عصر در طول تاریخ حیات خود، انحطاط کرامت انسانی و به بردگی فکری و اقتصادی کشاندن او، و فرو افکندن وی در باتلاق ابتدال همه جانبه؛ برای رسیدن به حاکمیت غیر انسانی خود و چپاول ثروت عمومی جامعه است. آنان با دو حربه‌ی تسلط نظامی و فریب فرهنگی به دنبال برقراری کاخ ستم خود و سپس بقا و استمرار آن می‌باشند.

در دیوان تاریخ انسان، تنها نهضت‌های دینی به رهبری پیشوایان الهی و پیروان روشن اندیش آنان بوده است که به راستی در مقابل جبهه‌ی ظلمت دین ستیز حاکم قرار گرفته و با شکست آن، مردم را با فرهنگ دینی و فهم حقایق جهان آشنا کرده است، و آن جامعه‌ی انسانی در پرتو برقراری حکومت دینی چندی در ساحل امنیت و آسایش و سعادت به سر برده است. لکن پس از مدتی با جان گرفتن مجدد

جبهه‌ی دین ستیز و ضعف حکومت‌های دینی به سبب آسیب‌های وارد شده بر آن توسط خودی‌ها و غیر خودی‌ها، کشتی دزدان دریایی ابتدال‌خواهی به ساحل بی‌سنگر حکومت دینی هجوم آورده و آن را تسخیر کرده‌اند، و دوباره تیغ تیز و شوم ظلمت حکومت جاهلیت، جامعه را به قعر انحطاط و انحراف و ابتدالی شدیدتر از قبل پرتاب کرده است. و آن‌گاه مردمی که با روح دین‌گریزی تحمیل شده بر آنان در مقابل تهاجم دین‌ستیزان مقابله نکرده و ساکت بوده و یا با آنان همکاری داشته‌اند در باتلاق متعفن رذالت و ندامت فرو افتاده، زانوی غم در بغل گرفته و دست پشیمانی بر پیشانی می‌زنند، و به آرزوی برقراری مجدد حکومت الهی و عدالت جوی دینی همانند حکومت امیرمؤمنان علیه السلام چشم به آینده می‌دوزند.

قدرت پرستان مستکبر به چپاول و انباشت ثروت در دست خود و تمرکز قدرت سیاسی و نظامی بر اریکه‌ی قدرت تکیه می‌زنند و با تزریق روح ابتدال و دین‌گریزی به سطوح مختلف جامعه، قدرت اندیشه‌ی قیام بر ضد ناعدالتی‌ها را از مردم می‌گیرند و با ساز و کارهای حرفه‌ای و به زور و حيله‌گری‌های جذاب و عوام‌فریبانه‌ی فرهنگی و سیاسی، مردم را ابتداءً از دین و رهبری دینی جدا نموده، و در مرحله‌ی بعد آنان را در مقابل دین انقلابی و انقلاب دینی قرار می‌دهند و با سیاست ارزان مستی روحی مردم و ترویج فساد فرهنگی و اخلاقی به اهداف گران‌بهای خود دست می‌یابند.

با گذشت زمان و تطور دوره‌های دین ستیزی، شیوه‌های مقابله با دین و جامعه‌ی دینی تکامل یافت. جبهه‌ی استکبار پیشرفت روز افزون علم و تکنولوژی و تسخیر بسیاری از پدیده‌های جهانی و توسعه‌ی گسترده‌ی شبکه‌ی فوق‌عالی ارتباطی، و نیز رشد وحشت‌زای صنایع نظامی را به خدمت گرفت تا انسان را از آسمان و زمین بمب باران مرگ فرهنگی کند و سپس حیاتی برده‌وار مدرن به آنها تحمیل نماید.

برخورد نظامی به عنوان اسلحه‌ی ناکارآمد و گران‌جانی و مالی بعد از مدتی

جای خود را به تهاجم پنهان و ناپیدای فرهنگی داد. و این برای استکبار ابزاری است ارزان و بی خطر، بدون لوازم و پی آمدهای انتقام جویانه‌ی مردمی و با جذابیت‌های عوام فریبانه و مورد پسند عمومی و با پوششی انسان دوستانه و روشن فکر مآبان‌های دروغین که در نتیجه مایه‌ی جذب خود به خود مردم به سوی مستکبران و نیز مصادره‌ی سرمایه‌های مردمی به سود آنان می‌شود و در صورت بی‌اثر بودن این نیرنگ، برخورد نظامی که سرپوشی از مردمی بودن دارد آخرین حربه‌ی استکبار برای تسلط بر جوامع می‌باشد.

دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه زمان کمال زعامت و امامت و تجلی تابناک خورشید ولایت و رسالت است و آخرین مرحله‌ی حیات دین خاتم می‌باشد و به همین نسبت، زمان تکامل دین ستیزی سردمداران ضد دین و دوران سرآمدی تکنولوژی آسیب‌رسانی به دین و بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی جامعه‌ی انسانی نیز می‌باشد به طوری که آنان در نبردهای دین‌میرانی تمامی تجربیات ضد دینی خود و نیز همه‌ی فنآوری‌های تجربی و سازوکارهای روانی و فرهنگی را برای القای روح دین‌گریزی به مردم به کار می‌گیرند تا جامعه‌ی بزرگ جهانی را در اقیانوس ابتدال همه‌جانبه غرق کنند و به کوسه‌های قاتل انسانیت انسان بسپارند. آنان به ساحل امن و با آسایش دین و دینداری مردم حمله برده و دزدی انسان می‌کنند تا هم تنها جبهه‌ی کار آمد ضد استکباری را دچار بحران کنند و صدای روشن‌گرانه‌ی آن را خاموش نموده و حرکت افشاگرانه‌ی آن را متوقف کنند و سنگرهای حفاظت‌کننده‌ی جامعه‌ی دینی را یکی پس از دیگری تسخیر نمایند و هم حیات کوتاه مدت خود را عمری طولانی بخشیده و مرگ محتوم خود را به تأخیر اندازند.

جهان کنونی،

جهان چپاول سرمایه‌های مادی و معنوی اکثریت جامعه‌ی بزرگ انسانی توسط اقلیتی سودجو، قلدر، نژادپرست و مستکبر است که با تمام ابزارهای مدرن مردم فریب به میدان صید انسانیت انسان آمده و با طراحی‌های جذاب، انسان را با پای

خود و با اشتیاق و شور و شوق به دام گاه مرگ خویشتن می آورد و با نواختن سرود مرگ معنویت و بردگی مدرن انسان و ایجاد بی ثباتی در بنیانهای فرهنگی و اخلاقی خانواده و جامعه، او را با پایکوبی و دست افشانی در مرداب سرسپردگی مرگ سعادت خود گرفتار می سازد.

منطق استکبار امروز، برده‌ی من بودن تمام جهان است، او می فروشد تا سود به دست آورد، می دهد تا بدو شد، و زین زرین فساد بر جان انسان می نهد تا سوار شود، محاصره‌ی نظامی و فکری می کند تا چپاول کند، تنها خود را شایسته‌ی بهره‌وری از ثروت جهانی می داند. فریادها را به شدت سرکوب می کند، کودتا به راه می اندازد و تهاجم بی رحمانه‌ی نظامی می کند.

استکبار می گوید: هر روز باید مردم را با چوپان‌های متخصص فرهنگی، هنری به مرتع زیبا و مسموم ابتذال برد تا آماده بهره‌کشی و غارت شوند. و در مقابل فریادهای عدالت خواهانه، سازمان‌های خود ساخته و دروغین و به اصطلاح حامی حقوق بشر تأسیس می کند تا آنها را در نطفه خفه کند.

هم اینک جو تحریف حقایق، ترویج فساد اخلاقی و فرهنگی، سرکوب و ترور، چپاول ثروتهای عمومی و ستم اقتصادی، تزریق اندیشه و روح ابتذال گرایی مدرن، به خدمت گرفتن علم و هنر برای تسلط هر چه بیشتر و تخدیر جامعه، از بین بردن معنویت و دین داری، فرهنگ برهنگی و خشونت، نابودی تمامی افکار اصیل دینی به ویژه دین اسلام، تمامی آسمان دنیای کنونی را فرا گرفته است. ولی مردم روشن اندیش با فطرت ظلم ستیزی و با روح آزاد منشی خود، با غیر قابل تحمل دانستن ستم استکبار، همواره به دنبال دریچه‌ای برای نجات خود و جامعه‌ی پیرامون خویش بوده‌اند، به همین خاطر برخی با هدف‌های مردمی یا غیرمردمی مکتب‌های فکری انسان‌گرا، جامعه‌گرا تأسیس کردند و حتی گاهی با قیام‌های مسلحانه بر ضد استکبار به پا خواستند ولی یا شکست خوردند و یا بعد از به قدرت رسیدن تاج استکبار را به شکل جدید به سر گذاشتند.

اکنون انسان در بند و مأیوس از تمامی سازمان‌ها، مکتب‌ها و راه کارهای بشری تنها راه نجات خود از گرفتارهای جانکاه را، تفکر دینی و پیروی از رهبر دینی می‌داند و چشم امید به ظهور مصلح دینی و منجی عالم بشریت یعنی قائم آل محمد علیه السلام دارد و این آغازی برای پایان دوره جاهلیت مدرن امروز و پایانی برای حیات مکتب‌های غیر الهی است.

وقت ظهور

یکی از مجهولات و مبهمات معارف انسان، وقت ظهور قائم آل محمد (عج) است که با هیچ‌گونه ابزار برآورد تعیین وقت، قابل تشخیص نیست و این از اسرار الهی است. امام زمان و دیگر معصومان علیهم‌السلام همواره بر این نکته اصرار داشته‌اند که اولاً وقت ظهور معلوم نیست و ثانیاً آنان که وقت آن را تعیین می‌کنند دروغ گویند. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ از تعیین وقت ظهور امام زمان (عج) فرمود:

كَذِبَ الْوَقَّاتُونَ وَإِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا نُوقِّتُ.^۱

«تعیین‌کنندگان وقت ظهور دروغ می‌گویند و ما اهل بیت هرگز وقت آن را بیان

نخواهیم کرد.»

امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز در این باره می‌فرماید:

إِنِّي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي، فَمَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ.
أَمَا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَتَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ،
ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفُقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ.^۲

«فرزندم - م ح م د - امام و حجت خدا بعد از من است، هر که بمیرد و او را نشناسد

همانند جاهلان مرده است. او غیبتی دارد که نادانان در آن حیران می‌شوند و متحرفان هلاک

می‌گردند و آنان که وقت ظهورش را تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند. او حتماً ظهور می‌کند گویا

اکنون من او را - در آن زمان - می‌بینم که در نجف است و پرچمهای سفید بر بالای سر او

برافراشته شده است.»

۱. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۷؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۴۵۱ - ۴۵۲؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.

حضرت حجة بن الحسن (عج) خود نیز در این مورد می فرماید:
 أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - وَكَذِبَ الْوَقَّاثُونَ.^۱
 «امر ظهور فرج با خدای متعال است و تعیین کنندگان وقت آن دروغ گویند.»

شایان ذکر است یکی از آموزه‌های مذهب تشیع قریب الوقوع دانستن ظهور حضرت حجّت و آمادگی شیعیان برای ظهور «مهدی» موعود است، به همین جهت شیعیان در طول تاریخ غیبت کبری، ظهور امام زمان را قریب و نزدیک دانسته و همواره خود را آماده و مهیای یاری ایشان در سه بعد اعتقادی و تقوایی و حمایتی از آن امام کرده و با علاقه و شوق غیرقابل توصیف در انتظار ظهور آن حضرت می باشند.

امام زمان (عج) درباره‌ی نزدیک بودن وقت ظهور می فرماید:
 الْوَقْتُ قَدْ دَنَا، الْوَقْتُ قَدْ دَنَا.^۲

«وقت ظهور نزدیک است، وقت ظهور نزدیک است.»

ظهور امام زمان عجل الله تاليه ناگهانی و یکباره است و یاران ایشان دارای سه شاخصه‌ی ایمان و تقوا و ولایت اهل بیت علیهم السلام می باشند. پس باید به کارنامه‌ی اعمال خود نگرست و خرابی‌های آن را اصلاح نمود که اگر فرضاً آن امام هم اکنون ظهور کرد ما دارای کارنامه‌ای شایسته برای حضور در صف شیعیان ایشان باشیم.

حضرت حجة بن الحسن (عج) باز درباره‌ی نزدیکی زمان ظهور می فرماید:
 لَا يَبْقَى النَّاسُ فِي فِتْرَةٍ أَكْثَرَ مِنْ تِيهِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ قَدْ ظَهَرَ أَيَّامُ خُرُوجِي.^۳
 «مردم در بیشتر از مدت زمان حیرت و سرگردانی قوم بنی اسرائیل بی حجّت خدا - در ظاهر - نمی مانند. به راستی که روزگار ظهورم خواهد رسید.»

شایان ذکر است که «تیه» و سرگردانی و بی سرپرستی قوم بنی اسرائیل مدت

۱. کشف الغمة، ج ۳، ص ۴۵۶؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۱۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲؛ نوادر الأخبار، ص ۲۴۶؛ منتخب الأثر، ص ۳۶۲؛ کلمة الإمام المهدي، ص ۵۰۶.

چهل سال به طول انجامید، سپس حضرت موسی علیه السلام و پیروانشان نجات یافتند. مردم جهان و شیعیان نیز در دوران غیبت در ظاهر بدون امام به سر می‌برند تا عمر آن حضرت به حسب قیافهٔ ظاهری ایشان به چهل سال برسد، چنان‌که در برخی از احادیث آمده است که سن آن حضرت در وقت ظهور چهل ساله به نظر می‌رسد.

علائم و نشانه‌های ظهور امام «مهدی» عجل الله تعالی فرجه

نشانه‌های ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه به سه قسم تقسیم می‌گردد:

۱. نشانه‌های قبل از ظهور.

۲. نشانه‌های زمان ظهور.

۳. نشانه‌های بعد از ظهور.

نشانه‌های قبل از ظهور بر دو قسم است:

أ - نشانه‌های دور از ظهور:

۱. فراگیری ظلم و جور در جهان.

۲. بسیاری فساد و ابتذال فرهنگی و اخلاقی در جهان.

۳. ناآرامی‌های سیاسی و نظامی در سطح گسترده‌ی جهانی.

۴. وقوع حوادث ناگوار طبیعی مثل زلزله، سیل، توفان و آتش‌سوزی‌های

مهیب.

۵. بروز بیماری‌های غیر قابل درمان.

شایان ذکر است که این امور تا زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ادامه

دارد و بر شدت آن افزوده می‌شود.

ب: نشانه‌های نزدیک به ظهور:

۱. ندای آسمانی در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان.^۱

۲. کسوف خورشید در وسط ماه رمضان و خسوف ماه در آخر آن ماه.

۳. خروج «سفیانی» از سوریه و حمله به عراق و اردن.

۱. آن نداء توسط جبرئیل می‌باشد که نداء می‌دهد «الْحَقُّ مَعَ عَلِيِّ وَشِيعَتِهِ».

۴. ادّعی خدایی کردن «دجال».
۵. خروج حمایتی سید خراسانی از امام زمان.
۶. خروج حمایتی یمانی از امام زمان.
۷. کشته شدن «نفس زکیّه» در مسجد الحرام به جهت حمایت از امام زمان در ۲۳ یا ۲۴ ذی حجه.

۸. فرورفتن لشکر سفیانی در زمین «بیداء» در بین مکه و مدینه.
نشانه‌های زمان ظهور عبارتند از:

۱. در مکه بودن ظهور حضرت حجة بن الحسن علیه السلام.
۲. فرد بودن عدد سمت راست سال ظهور.
۳. روز عاشورا بودن ظهور آن امام^۱.
۴. اجتماع ۳۱۳ نفر از شایستگان مذهب تشیّع به گرد ایشان و تشکیل یک لشکر ده هزار نفری برای قیام.
نشانه‌های بعد از ظهور:

۱. ظهور حضرت عیسی علیه السلام برای حمایت از آن امام.
۲. قیام از مکه و فتح کوفه و مقرّر حکومت قرار گرفتن آن برای حضرت.
۳. حمله به اسرائیل.
۴. ایجاد حکومت دینی و رشد علمی مردمان تحت حکومت دینی امام.
۵. قضاوت عرشی و علمی آن حضرت بر اساس واقع نه بر طبق ظاهر.
در آخر به برخی از روایات علائم ظهور اشاره می‌شود:
۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خَفَسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام: الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْمُنَادِي يُنَادِي مَنْ

۱. در اینکه روز عاشورا مطابق با جمعه است یا شنبه بین دانشمندان اختلاف است؛ زیرا برای هر دو رأی حدیث وارد شده است، هر چند می‌توان گفت که ظهور غیررسمی حضرت در روز جمعه و به صورت علنی و جهانی در روز شنبه است.

«ای فاطمه، سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برگزید، بی‌گمان در این دو - حسن و حسین - مهدی این امت است. و آن‌گاه که سراسر دنیا را هرج و مرج فراگیرد، فتنه‌ها پی‌درپی آشکار شود، راه‌ها ناامن و بسته شود، گروهی بر گروه دیگر حمله برند و بزرگان به کم‌سالان مهربانی نکنند و آنان نیز احترام بزرگترها را به جا نیاورند او ظهور می‌کند و قلعه‌های گمراهی و قلب‌های تاریک را فتح می‌کند، دین خدا را در آخر زمان به پا می‌دارد چنانکه که من در این زمان به پا داشتیم و زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌گونه که قبل از آن پر از ظلم و ستم می‌باشد».

۵. امام صادق علیه السلام درباره‌ی روز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می فرماید:
 إِنَّ الْقَائِمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُنَادِي أَسْمُهُ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ^۱ وَ يَقُومُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ قَتْلِ الْخُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.^۲
 «قائم آل محمد که درود خدا بر او باد در شب بیست و سوم ماه رمضان ندای ظهورش داده می‌شود و روز عاشورای همان سال که روز شهادت حسین فرزند علی علیه السلام می‌باشد، قیام می‌کند.»

۶. امام باقر علیه السلام درباره‌ی نحوه‌ی الهی قضاوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه چنین می‌گوید:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُودَ وَلَا يَخْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ.^۳
 «آن‌گاه که قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند همانند حضرت داوود علیه السلام در بین مردم قضاوت کند، او به شاهد احتیاج ندارد بلکه خداوند واقعیت منازعه را برایش آشکار می‌کند و او به علم خود حکم می‌نماید.»

۷. امام باقر علیه السلام درباره‌ی وحدت دینی مردم و استقرار دین اسلام به عنوان دین جهانی در زمان حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

۱. در روایاتی ذکر شده است که آن شب، شب جمعه خواهد بود.

۲. أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۸۳.

۳. منتخب الأثر، ص ۴۴۸.

می‌کنند و زنان همانند مردان لباس می‌پوشند، ازدواج هم‌جنسی رواج پیدا می‌کند و زنان رانندگی می‌کنند، شهادت ظالمانه پذیرفته می‌شود و شهادت عادلانه قبول نمی‌شود و مردم قتل و زنا و ربا را چیزی عادی می‌دانند و انسان‌های بدکار به جهت زیان بازی و ترس مردم از زیانشان، محفوظ می‌مانند. سفیانی از سوریه خروج می‌کند و یمانی از یمن - به طرفداری از امام زمان - خروج می‌کند، منطقه‌ی بیداء لشکر سفیانی را می‌بلعد و جوانی از خاندان پیامبر که اسمش محمّد بن الحسن و مشهور به «نفس زکیه» است در مسجد الحرام بین رکن و مقام کشته می‌شود، فریادی از آسمان - در شب بیست و سوم ماه رمضان در شب جمعه - به گوش می‌رسد که حق با علی و شیعیان اوست. در این صورت امام زمان ظهور می‌کند، تکیه به خانه‌ی خدا می‌دهد و سیصد و سیزده نفر به گرد او می‌آیند و او در اولین کلام خود با تمسک به کلام الهی می‌گوید:

﴿بقیة الله برای شما بهترین است اگر اهل ایمان باشید﴾

سپس می‌فرماید:

«من بقیة الله، خلیفه‌ی خدا و حجّت او بر شما هستم.»

ویژگی‌های منتظران قائم آل محمد علیهم‌السلام

«منتظر» قائم آل محمد عنوان مقدّسی است که هر که دارای آن باشد دارای ارزش الهی بسیاری است.

امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.^۱

«خوشا به حال پیروان قائم آل محمد، آنان که منتظر ظهور ایشان در زمان غیبت او بوده و فرمان بردار وی در زمان ظهور او می‌باشند، آنان همان اولیای خدا هستند که نه ترسی بر آنان راه دارد و نه محزون می‌باشند.»

امیرمؤمنان علیه‌السلام نیز در این رابطه می‌فرماید:

الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.^۲

«آن که در انتظار ظهور فرج و حکومت ماست ثواب شهیدی دارد که در راه خدا آغشته به خون خویش شده باشد.»

منتظر و چشم به راه حقیقی دارای خصوصیات است که می‌توان آنها را اینگونه

شمرد:

۱. منتخب‌الأثر، ص ۵۱۴.

۲. الحكم‌الزاهرة، ج ۱، ص ۱۰۵؛ منتخب‌الأثر، ص ۴۹۶.

۱. ایمان به اعتقادات دینی

ساختمان اندیشی و اعتقادی منتظر حضرت «مهدی» علیه السلام، معماری اسلامی و شیعی دارد.

۲. تقوای عملی

منتظر حضرت «مهدی» علیه السلام در تمام اعمال خود تقوای الهی را مراعات می‌کند، محرّمات را ترک کرده و واجبات را به جا می‌آورد، از تمام آلودگی‌های فردی و اجتماعی پرهیز می‌کند و تکالیف الهی خود را به بهترین شکل انجام می‌دهد.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ.^۱

«برای امام زمان غیبتی است که باید بندگان خدا - در آن زمان - تقوا پیشه کنند و دین

خود را محکم نگه دارند.»

زیرا یاران و منتظران حضرت «مهدی» علیه السلام از آنجا که اولیا و دوستان او هستند، اولیا و دوستان خدا نیز می‌باشند و در قرآن آمده است که اولیای خدا تنها «متقیان» می‌باشند:

﴿إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ﴾^۲

«تنها متقیان دوستان خدا هستند.»

۳. ولایت و دوستی اهل بیت علیهم السلام

اعتقاد و التزام قلبی و عملی به امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام و عشق ورزیدن به آنان یکی دیگر از ویژگی‌های منتظران حضرت «مهدی» می‌باشد. امام سجاده علیه السلام می‌فرماید:

۲. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۳۴.

۱. إثبات‌الهداة، ج ۳، ص ۴۴۲.

ثانیاً تمامی برنامه‌های عملی و اعتقادی خویش در آن عصر را از آن بزرگوار یا نواب ایشان اخذ می‌کند، و ثالثاً در موارد مختلف از آن بزرگوار حمایت کرده و هجوم دشمنان به ایشان را دفع می‌کند.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

«هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد مرگی جاهلانه داشته است.»

اگر شخصی امام زمان مجلل الله تعالی فرجه را کاملاً بشناسد و او را امام و رهبر خود بداند زندگانی روشن‌فکرانه و آگاهانه‌ای خواهد داشت.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، وَمَنْ مَاتَ

عَارِفًا بِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي قُسْطَاطِهِ.^۱

«هر که بمیرد و امام زمان خود را بشناسد تأخیر یا تقدیم ظهور امام زمان به او ضرر

نرساند. هر کس بمیرد و امام خویش را شناخته باشد مثل کسی است که با امام زمان در

خیمه‌ی او باشد.»

۶. پیروی از علمای دین

یکی دیگر از ویژگی‌های منتظران حضرت «مهدی» علیه السلام پیروی از عالمان دین در فهم اعتقادات دینی و قوانین عملی اسلامی است؛ زیرا آنان حلقه‌ی واسطه‌ی پیروی مردم از پیشوایان معصوم دین می‌باشند، آنانی که دین‌شناس، متعهد و با مسئولیت بوده، و متخلق به اخلاق اهل بیت علیهم السلام هستند و الگوی رفتاری آنان حضرات معصومین می‌باشد و تمام وجود خود را در خدمت دین و دین‌داران گذارده‌اند.

امام هادی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

۱. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۹.

بسیاری دعا برای تعجیل در ظهورش می‌کند. آن بزرگوار در این باره می‌فرماید:

أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.^۱

«برای نزدیک شدن ظهورم بسیار دعا کنید که فرج و گشایش کار شما در همین است.»

۸. اتحاد و هم‌دلی شیعیان

اتحاد و هم‌دلی شیعیان و وحدت آنان بر محور اسلامیت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام یکی دیگر از اوصاف منتظران قائم آل محمد است. آن بزرگوار در این باره می‌فرماید:

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهُمُ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَاءِنَا.^۲

«اگر شیعیان - که خدا آنان را در بندگی‌اش یاری نماید - در عهد و وفای به ولایت ما

یک‌دل و یک‌صدا بودند، میمنت دیدار و ظهور ما این قدر به تأخیر نمی‌افتاد.»

۹. تولی و تبری

یکی از اصول اعتقادی اسلامی و آموزه‌های دینی، دوستی و عشق به رهبران دینی و حمایت از آنان، و دشمنی و بغض نسبت به دشمنان آنان است. امام سجاد علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالَاتِنَا وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أُمَّةً وَرَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَهُمْ وَأَلَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۳

۱. کشف الغمة، ج ۳، ص ۴۵۸؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۰۰؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱۷۷؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵.

۳. کشف الغمة، ج ۳، ص ۴۴۴؛ نوادر الأخبار، ص ۲۵۰؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۶۱؛ إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۷؛

مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۶.

اوصاف یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه

تمامی انبیاء و امامان علیهم السلام دارای یاران برگزیده‌ای بوده‌اند. آنان با عشق و ایمانی کامل، با تقوا و تعهد به برنامه‌های دین، و با شجاعت و صف‌ناپذیر در کنار سفیران الهی قرار گرفته و موجب ترویج دین و حفظ و صیانت از کیان نظام دینی بوده‌اند. امام مهدی (عج) نیز دارای یارانی است که دارای همان خصوصیات و ویژگی‌های یاران صدیق انبیا و ائمه هستند، بلکه آنان به واسطه‌ی انحراف و ابتدال روز افزون در آخر زمان و اوج‌گیری تحریف دین و قدرت هر چه بیشتر مخالفان دین، دارای ایمانی به مراتب قوی‌تر از برخی صحابه‌ی انبیاء و ائمه بوده و شجاعتی شگرف در راه اعتلای نظام دینی از خود به نمایش می‌گذارند. پیرامون یاران حضرت مهدی (عج) در دو بعد - تعداد و اوصاف آنان - می‌توان بررسی و تحقیق کرد:

۱. تعداد یاران امام مهدی علیه السلام

تعداد آن بزرگواران ۳۱۳ نفر به تعداد یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر می‌باشد، اینان یاران درجه‌ی اول ایشان بوده‌که کارهای اساسی نظام حکومتی امام زمان را به عهده دارند و در آغاز قیام امام مهدی (عج) در کنار ایشان در مرکز شروع قیام و ظهور - مکه - قرار گرفته و با ایمان و اعتقاد کامل و تقوای بسیار و شجاعت بی‌پایان منویات آن امام را انجام می‌دهند. در مرحله‌ی دوم تعداد ده هزار نفر به این یاران ملحق می‌شوند که آنان نیز از شیعیان وارسته و باتقوایند و پیکره‌ی نظام حکومتی و لشکر امام زمان را تشکیل می‌دهند و با انسجام و سازماندهی این افراد، لشکر امام

زمان (عج) آماده‌ی نبرد با مخالفان نظام دینی و دنیاپرستان ابتدال خواه می‌شوند.
امام جواد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةٌ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِي
الْأَرْضِ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ -

﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱
فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كَمَلَ لَهُ
الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - فَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ
حَتَّىٰ يَرْضَىٰ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ.^۲

«یارانی به تعداد جنگجویان نبرد بدر که ۳۱۳ نفرند از نقاط مختلف جهان به سوی او -

امام زمان (عج) - می‌شتابند و این همان قول خداوند است که می‌فرماید:

«هر کجا که باشید خداوند شما را جمع می‌کند؛ چرا که او بر همه چیز تواناست.»

آن‌گاه که این یاران با اخلاص به گرد او اجتماع کردند خداوند ظهور امام زمان را علنی
می‌کند سپس ده هزار نفر دیگر به ایشان ملحق می‌شوند و در این هنگام زمان حرکت امام
زمان (عج) فرا می‌رسد، پس آن حضرت پیوسته دشمنان خدا را می‌کشد تا خداوند متعال
راضی شود.»

شایان ذکر است که آن ۳۱۳ نفر بعد از استقرار حکومت حضرت مهدی (عج)
فرمانداران ایشان در نقاط مختلف جهان خواهند شد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ (عج) عَلَىٰ مَنبَرِ الْكُوفَةِ وَحَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ
عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَصْحَابِ بَدْرٍ وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَهُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ
عَلَىٰ خَلْقِهِ.^۳

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۸.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۷؛ مکمال‌المکارم، ج ۱، ص ۱۲۷.

۳. اثبات‌الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۷۲ و ۶۷۳.

«گویا هم‌اکنون قائم آل محمّد را می‌بینم که بر منبر مسجد کوفه قرار دارد و اطراف ایشان ۳۱۳ نفر به تعداد رزمندگان مسلمان جنگ بدر قرار دارند، آنان پرچمداران او و فرمانداران خدا در جهان بر مردم خواهند بود.»

در بین یاران امام زمان (عج) تعدادی از زنان پارسا و پاکدامن شیعه هم وجود دارند که کار پرستاری از رزمندگان اسلام را در نبردهای جبهه‌ی امام زمان با دشمنان به عهده دارند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

يَكُونُ مَعَ الْقَائِمِ (عج) ثَلَاثَ عَشْرَةَ أَمْرًا يُدَاوِينَ الْجَرْحَى وَيَقُومْنَ عَلَى الْمَرْضَى كَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم.

«قائم آل محمّد (عج) را سیزده نفر زن نیز همراهی می‌کنند که مجروحان را درمان و بیماران را پرستاری می‌کنند همان‌گونه که با پیامبر خدا نیز زنانی در جنگ شرکت می‌کردند.»

۲. اوصاف یاران امام مهدی (عج)

یاران حضرت مهدی (عج) به خاطر شرایط منحصر به فرد زمانی، دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشند که تنها در برخی از یاران پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام وجود داشته است. آنان به علت اینکه این قیام، آخرین نهضت دینی و تنها روزنه‌ی امید نجات انسان از باتلاق متعفن ابتدال بشری است باید دارای ایمان و اعتقادی کامل و فضائل اخلاقی عالی، تعبد دینی و تقوای بالای الهی و شجاعت و از خودگذشتگی فراوان باشند تا این قیام دینی به سرانجام مطلوب الهی خود برسد و خورشید حکومت دینی بار دیگر با شعاعی به وسعت جهان، طلوعی دوباره داشته باشد. آنان تجسم عینی دین و دین‌داری و ولایت‌مداری نسبت به خاندان پیامبرند و سرتاپای وجود آنان را عشق به خدا و تعبد و التزام عملی به قوانین دین و اطاعت تمام نسبت به ولیّ خدا، حضرت حجت‌بن‌الحسن (عج) فرا گرفته است.

امیرمؤمنان امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ، أَشَدُّ مِنَ الْجَمْرِ؛
 لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا، لَا يَقْضُونَ بِرَايَةِ بَلَدَةٍ إِلَّا أَخْرَبُوهَا، كَأَنَّ عَلَى
 خِيُولِهِمُ الْعُقْبَانَ، يَتَمَسَّحُونَ بِسَرْجِ الْإِمَامِ عليه السلام يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ، وَيَحْفُونَ بِهِ
 يَتَوَنَّهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْخُرُوبِ وَيَكْفُونَ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ، رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ
 دَوِيُّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّخْلِ يَبِيثُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَيُضْبِحُونَ عَلَى
 خِيُولِهِمْ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لُيُوثُ بِالنَّهَارِ، هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنْ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا، كَالْمَصَابِيحِ
 كَأَنَّ قُلُوبَهُمُ الْقَنَادِيلُ وَهُمْ فِي خَشْيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَيَتَمَنَّوْنَ أَنْ
 يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ: يَا لِنَارَاتِ الْحُسَيْنِ.^۱

«یاران حضرت مهدی (عج) مردانی هستند که قلب‌هایشان به قوت فولاد است، همه وجودشان ایمان به خداست، آنان سخت‌تر از صخره‌اند اگر بر کوه روی آورند آن را متلاشی کنند. هیچ قلعه‌ای یارای مقاومت در برابرشان نیست. به مانند عقاب بر اسب‌هایشان سوارند و [عاشقانه] دست بر زین اسب امام (عج) می‌کشند و بدین سان تبرک می‌جویند. آنان او را در میان می‌گیرند و جان خویش را در جنگها پناه او می‌سازند و هر چه اشاره کند از جان و دل انجام دهند. آنان مردانی هستند که هرگز در شب نمی‌خوابند - و مشغول عبادت خدایند - و همواره مشغول ذکر و نمازند و با خدا مناجات می‌کنند و زمزمه‌ی آنان در نمازشان مانند صدای زنبور عسل است شب را با نماز به صبح می‌رسانند و صبحگاهان بر اسب خود سوارند و - آماده‌ی نبردند - آنان عابدان شب و شیران روزند. آنان به مانند برده‌ای، مطیع و فرمان بر امام خودند. ایشان چون مشعل‌های فروزانند که دل‌های استوارشان بسان قندیل‌های نور در سینه‌شان آویخته است. اینان تنها از خدا می‌ترسند و همواره شهادت و کشته‌شدن در راه خدا را آرزو می‌کنند و شعارشان «بیایید به طلب خون حسین علیه السلام» است.»

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۶۵.

امیرمؤمنان درباره‌ی سن یاران امام زمان (عج) می‌فرماید:

أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ سَبَابٌ لَا كُفْهُولَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كُحْلِ الْعَيْنِ وَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ
وَأَقْلُ الزَّادِ الْمِلْحُ.^۱

«یاران امام مهدی (عج) همگی جوان می‌باشند و سالخورده‌ای در میان آنان نمی‌باشد مگر مثل مقدار سرمه در چشم و نمک در توشه‌ی انسان، که کمترین زاد و توشه‌ی انسان نمک است.»

امام سجّاد علیه السلام درباره‌ی خصوصیت‌های یاران مهدی علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ
وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَنَامَهَا.^۲

«آن‌گاه که قائم آل محمد (عج) قیام کند خداوند از شیعیان ما آفات و رنج‌های جانکاه را می‌برد و قلب‌هایشان را همچون فولاد سخت می‌گرداند و نیروی هر کدام از آنان را به اندازه‌ی چهل مرد قرار داده و ایشان را حاکمان زمین و رهبران آن می‌گرداند.»

امام باقر علیه السلام در مورد خصوصیات یاران حضرت مهدی (عج) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - يُلْقِي فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا الرُّغْبَ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَظَهَرَ
مَهْدِيُّنَا كَانَ الرَّجُلُ أَجْرًا مِنْ لَيْثٍ وَأَمْضَى مِنْ سِنَانٍ.^۳

«خداوند در قلب‌های شیعیان ما - در زمان غیبت - ترس قرار می‌دهد؛ و آن‌گاه که قائم آل محمد قیام کند و مهدی خاندان پیامبر ظاهر شود مردان شیعه متهورتر از شیر و برنده‌تر از نیزه خواهند شد.»

۱. منتخب الأثر، ص ۲۸۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۴۸.

۳. كشف الغمة، ج ۳، ص ۱۳۳؛ الحكم الزاهرة، ج ۲، ص ۱۸۰.

کیفیت قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و مسیر آن

از مجموعه‌ی روایاتی که درباره‌ی ظهور و کیفیت قیام آن حضرت وارد شده است استفاده می‌شود که آن حضرت ظهور و حرکت قیامی خود را این گونه به انجام می‌رسانند:

۱. خروج از مدینه.
 ۲. ورود به مکه و اعلام علنی ظهور.
 ۳. ورود به کوفه به همراه لشکر خود و تسخیر و پایتخت قرار دادن آن و اعلام حکومت اسلامی.
 ۴. ورود به قسطنطنیه و انطاکیه و تسخیر آن.
 ۵. حمله به فلسطین اشغالی و همراهی حضرت عیسی علیه السلام با آن حضرت.
 ۶. تسخیر بیت المقدس و نابودی صهیونیسم، کشته شدن دجال.
- شایان ذکر است که این قیام به مدت هشت ماه طول می‌کشد. امام حسین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ.^۱

«او اسلحه‌ی خود را به مدت هشت ماه به دوش خواهد داشت.»

۱. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۶.

مرکز حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

امام زمان، حضرت حجة بن الحسن (عج) پس از اعلام ظهور در مکه، به سوی کوفه حرکت می‌کند و بعد از فتح آن و نبردی سخت با مخالفان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام،^۱ آنجا را تسخیر کرده و مقر حکومت خود قرار می‌دهد.
امام باقر علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

فَيَقُومُ الْقَائِمُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ فَيُصَلِّي وَيَنْصَرِفُ وَمَعَهُ وُزْرَاءُهُ ثُمَّ
يُقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنْزِلَهُ بِهَا.^۲

«قائم آل محمد (عج) بین رکن و مقام ابراهیم - در مسجد الحرام - ظهور می‌کند و نماز می‌گذارد سپس از آنجا بیرون آمده و با یارانش به سوی کوفه حرکت می‌کند و آنجا مقر او می‌گردد.»

امام باقر علیه‌السلام باز در این باره می‌فرماید:

كَأَنِّي بِالْقَائِمِ (عج) عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ قَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ
آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ
يَدَيْهِ وَهُوَ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ فِي الْبِلَادِ.^۳

«گویا هم‌اکنون قائم آل محمد (عج) را می‌بینم که در نجف منطقه‌ی کوفه است، او از مکه با همراهی پنج هزار فرشته به سوی آنجا حرکت می‌کند، جبرئیل در طرف راست، میکائیل در سمت چپ و مردان مؤمن در پیشاپیش او قرار دارند و او از آنجا لشکر خود را به سرزمینهای دیگر می‌فرستد.»

۱. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۸.

۲. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۸.

۳. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۹؛ المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۳۴۴.

بنابراین مرکز حکومت جهانی اسلام «کوفه» خواهد بود همان‌گونه که مقرّ حکومت اسلامی امام علی علیه السلام کوفه بود و آن ۳۱۳ نفر یاران خاص حضرت از آنجا مأموریت پیدا می‌کنند که فرماندار مناطق مختلف زمین شوند.
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ (عج) عَلَى مَنبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ
عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَصْحَابِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ
عَلَى خَلْقِهِ. ۱

«گویا از هم‌اکنون می‌بینم که قائم آل محمد بر منبر کوفه قرار دارد و اطراف او ۳۱۳ نفر
مرد می‌باشد که تعداد آنان به اندازه‌ی سپاه بدر است، آنان فرماندهان لشکر حضرت مهدی
و فرمانداران خدا در زمین بر مردم می‌باشند.»

«کوفه» در زمان حضرت مهدی علیه السلام مرکز تجدید حیات اسلام ناب محمدی و
تعلیم قرآن و حوزه‌ی فهم معارف راستین اسلامی خواهد بود و سهم ایرانیان در
اداره‌ی علمی مراکز معارف آن حضرت بسیار است.
امیرمؤمنان امام علی علیه السلام می‌فرماید:

كَأَنِّي بِالْعَجَمِ فَسَاطِيطُهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا
أُنزِلَ. ۲

«گویا من هم‌اکنون ایرانیان را می‌بینم که در مسجد کوفه چادر زده‌اند و قرآن را
همان‌گونه که نازل شده است به مردم می‌آموزند.»

۱. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲ و ۶۷۳.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۵۸.

سیمای حکومت حضرت «مهدی» عجل الله تعالی فرجه

جوامع انسانی در سایه‌ی حکومت زمامداران سیاسی زندگی می‌کنند و کشتی زندگی اجتماعی و فکری توده‌ی مردم به ساحلی می‌رسد که ناخدای سیاسی و حکومتی به آنجا هدایت می‌کند. شیوه‌ی اعمال حاکمیت، تقسیم ثروت و عدالت اقتصادی، کیفیت فرهنگ ارتباطی اجتماعی، نحوه‌ی کیفر بزهکاران، چگونگی دفاع و تهاجم به بیگانگان، بالا یا پایین آوردن سطح علم و فرهنگ اجتماعی و بسیاری از امور مردمی به دست حکومت‌داران یک جامعه ترسیم و مهندسی شده و سپس اجرا می‌شود.

بررسی تاریخی حیات حاکمان و سیاست‌مداران غیردینی نشان می‌دهد که چگونه آنان جامعه‌ی مردمی را در ابعاد فکری و اجتماعی تحت سلطه‌ی خود درآورده و با تمام توان آنان را به بردگی فکری و اقتصادی و سیاسی خود گرفتند. گاهی با ظلم و ستم آشکار و بی‌پرده، گاهی با ظلم و ستم مدرن و پنهان انسان را به یوغ بردگی کشیدند. آنان مردم را با قتل و تهدید و فریب از رهبران دینی که نوید راستین سعادت و عدالت در پرتو دین و دین‌داری می‌دادند جدا کردند، و با فریب و نیرنگ آنان را به دام گاه مرگ فضائل انسانی و بهره‌کشی اقتصادی و بردگی فکری و سیاسی با جاذبه‌های مردمی کشاندند.

ظهور امام زمان علیه السلام پایانی برای ستم تاریخی ستم پیشگان و آغازی برای حیات عدالت راستین و احیای فضائل فرهنگ انسانی و سعادت بشری است. در آن موقع تمام جهان در خدمت انسان خواهد بود و آسیب‌ها و حوادث زیان بار طبیعی رخ نخواهد داد بلکه آسمان رحمت می‌بارد و زمین تمام ثروت‌های درونی خود را بروز

می دهد. با ظهور آن امام جهانی گلستان از حکومت عادلانه‌ی سیاسی همراه با نزول نعمت‌های بی شمار الهی در پرتو حکومت آن حضرت برای مردم به ارمغان آورده می شود.

در اینجا می توان به برخی از شاخصه‌های حکومت حضرت «مهدی» علیه السلام که از روایات و آیات استفاده می شود اشاره کرد:

۱. پایان یافتن شرارت بین‌المللی و بیدادگری جهانی استکبار.
۲. ایجاد آسایش، آرامش، امنیت و رفاه عمومی.
۳. برقراری حکومت جهانی دینی - شیعی به رهبری امام زمان در جهان.
۴. فروپاشی مراکز فساد سیاسی و فتنه‌های جهانی مثل اسرائیل و امریکا.
۵. رشد علمی و تکنولوژیک در خدمت مردم.
۶. شایسته‌سالاری و تقوادمحوری در انتخاب کارگزاران.
۷. قضاوت عادلانه در محاکم قضایی و دادرسی الهی آن حضرت با استفاده از علم باطنی خود.
۸. رفع فقر و تبعیض و فساد و بی‌عدالتی در تمامی اشکال آن.
۹. تقسیم ثروت عمومی به شکل مساوی در بین مردم همانند حکومت امیرمؤمنان علیه السلام.
۱۰. حاکمیت روح معنویت و اخلاق و خداپرستی در جامعه.
۱۱. برقراری روح نوع‌دوستی و خدمات متقابل مردمی.
۱۲. وحدت دینی بین مردم جهان.
۱۳. شدت نظارت بر کارگزاران حکومتی.
۱۴. حمایت همه‌جانبه‌ی نظام نسلت با حکومت حضرت «مهدی» علیه السلام و پایان یافتن حوادث ناگوار طبیعی و نزول فراوان رحمت الهی.
۱۵. خشنودی گسترده‌ی مردمی از حکومت آن حضرت و اعتماد بی‌نظیر آنان به حکومت.

۱۶. برقراری بهداشت و سلامت جهانی و درمان بیماری‌های سخت.
 ۱۷. افشای چهره‌ی پنهان مفسدان، تحریف‌گران و ستمگران تاریخ انسانیّت.
 ۱۸. عرضه‌ی دین راستین و مورد رضایت خدا به مردم جهان.
 ۱۹. دست‌یابی مردم به خواسته‌های معقول اقتصادی و اجتماعی خود.
 ۲۰. آخرین حکومت سیاسی در جهان.
- در آخر برخی از آیات و روایات مربوط به سیمای حکومت حضرت «مهدی» علیه السلام بیان می‌شود:

﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱

«- یاران خدا - کسانی هستند که اگر در زمین به آنان مکنّت و قدرت ببخشیم نماز را به پا می‌دارند و زکات را می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه‌ی کارها تنها برای خداوند است.»

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی خشنودی جهانیان از حکومت حضرت مهدی علیه السلام و شیوه‌ی تقسیم ثروت عمومی بین مردم می‌فرماید:

يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، يُقَسِّمُ الْمَالَ صِحَاحًا. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ:
تَا صِحَاحًا؟

قَالَ: بِالتَّسْوِيَةِ بَيْنَ النَّاسِ.^۲

«تمامی ساکنان زمین و آسمان از حکومت او خشنود باشند و او ثروت عمومی را به طور صحیح بین مردم تقسیم می‌کند. فردی سوال کرد این تقسیم چگونه است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جواب داد: او اموال را بین مردم به صورت مساوی تقسیم می‌کند.»

آن حضرت همچنین می فرماید:

عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعُقَالِ، جَوَاداً بِالْمَالِ، رَحِيماً
بِالْمَسَاكِينِ.^۱

«از نشانه های حضرت مهدی این است که او بر کارگزاران سخت می گیرد و اموال را

کریمانه می بخشد و با تهی دستان به مهربانی برخورد می کند.»

امام صادق علیه السلام درباره ی حکومت عادلانه حضرت مهدی علیه السلام و همکاری جهان

خلقت با آن می فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ
أَخْرَجَتْ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا.^۲

«آن گاه که قائم آل محمد قیام کند به عدالت حکم کند و ظلم نابود گردد و راهها در

امنتیت کامل باشد و زمین برکاتش را به مردم عرضه کند.»

۱. أعلام الهداية، ج ۱۴، ص ۲۲۴.

۲. أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۸۳.

چهره‌های درخشان زمان ظهور حضرت «مهدی» عجل الله تعالی فرجه

۱. «نفس زکیه»

نام او «محمد بن الحسن» از سادات و از خاندان پیامبر گرامی اسلام است. او ۱۵ روز قبل از ظهور حضرت «مهدی» برای ترویج مذهب شیعه و اعلام حمایت از آن حضرت و دعوت مردم به ولایت ایشان به مکه می‌رود ولی با مخالفت جدی اهالی آنجا روبرو شده و در همان روز بین رکن و مقام در مسجد الحرام کشته می‌شود و سر را او برای سفیانی هدیه می‌فرستند.^۱

۲. «سید خراسانی»

او جوانی با چهره‌ی نورانی و از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام می‌باشد، وی ایرانی بوده و از منطقه‌ی دیلمان است او از شیعیان خالص و جان بر کف است به طوری که پیش از ظهور امام زمان علیه السلام در زمانی که ظلم و ستم جهان را فرا گرفته به همراهی تعداد بسیاری از شیعیان لشکر عظیمی را به فرماندهی فردی به نام «شیث بن صالح» تشکیل می‌دهد و برای نجات عراق از دست ستمگران به طرف کوفه حرکت می‌کند و آنجا را از لوث آنان پاک می‌کند. در این هنگام وی آگاه می‌شود که حضرت مهدی (عج) ظهور نموده و از مکه به طرف کوفه حرکت کرده است، از این رو به آن حضرت ایمان آورده و همراه بسیاری از لشکریانش به او ملحق می‌شوند و «شیث بن صالح» نیز

۱. مراجعه شود به کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۹ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳. امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرمایند: «لیس بین قیام قائم آل محمد علیهم السلام و بین قتل النفس الزکیة إلا خمسة عشر ليلة.»

از فرماندهان ممتاز لشکر امام زمان عجل الله فرجه قرار داده خواهد شد.^۱

۳. «یمانی»

او از نواده‌های «زید بن علی بن الحسین» علیه السلام است که پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام از یمن برای زمینه سازی ظهور و طرفداری از حضرت مهدی قیام می‌کند و مردم آن منطقه را دعوت به پیروی و حمایت از آن حضرت می‌نماید و آنان را آماده‌ی پیوستن به امام و حمایت از آن حضرت می‌کند.^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۶؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۷۵.

۲. أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۷۳.

چهره‌های سیاه زمان ظهور حضرت «مهدی» عجل‌الله تعالی فرجه

۱. «دجال»

نام او «صائب بن صید» است، یهودی بوده و هیكلی زشت و بدقواره دارد و یک چشم او از حدقه بیرون زده و چشم دیگر او مایل به پیشانی اوست.^۱ او در آستانه‌ی ظهور امام زمان، ادعای خدایی می‌کند و با ترفندهای خاصی تعدادی از ساده‌لوحان و بی‌خردان را فریب می‌دهد و برخی از یهودیان به گرد او جمع می‌شوند. او با کارهای شعبده‌مانند، ادعای توان معجزه‌کردن دارد و آن گروه اندک نیز باور می‌کنند. او ارتکاب فسق و فجور، شراب و زنا را جایز و مباح می‌شمارد. او و یارانش به طرف بیت‌المقدس حرکت می‌کنند و فتنه‌ی خدایی خود را به مناطق تحت اشغال صهیونیسم می‌کشاند که در آنجا با لشکر امام برخورد کرده و در همان نقطه با یاری حضرت عیسی و به دست امام زمان کشته می‌شود و سپس فلسطین اشغالی به طور کلی نجات یافته و تمامی خاورمیانه یکی پس از دیگری به حکومت حضرت «مهدی» علیه السلام می‌پیوندند.

۲. «سفیانی»

نام او «عثمان بن عنبسه» است، او از شجره‌ی خبیثه‌ی بنی‌أمیه از نسل «یزید بن معاویه بن ابی سفیان» می‌باشد، صورتی زشت و قامتی غیرموزون دارد، در شقاوت چنان است که زنش را زنده به گور می‌کند.^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵؛ إنباء الهداة، ج ۳، ص ۷۳۲.

او در آستانه‌ی ظهور امام زمان در ماه رجب - شش ماه قبل از ظهور امام زمان - از منطقه‌ی شام خروج می‌کند و در ابتدا مناطق سوریه را بعد از جنگ ویران کننده‌ای که در مقابل دو سپاه به فرماندهی افرادی به نام «اصهب» و «ابقع» - که هم مخالف شیعه و هم مخالف سفیانی هستند - انجام می‌دهد تحت تسلط خود در می‌آورد سپس به طرف مرزهای ترکیه در منطقه‌ی «قرقیسیا» و مناطق مرکزی عراق هجوم می‌برد و همه‌ی آن سرزمین‌ها را اشغال می‌کند و به مدّت نه ماه بر آن مناطق حکومت می‌کند.

امام زمان در همان سالی که سفیانی خروج نموده ظهور می‌کند،^۱ سفیانی برای شکست امام لشکری را به مدینه گسیل می‌کند، آن لشکر بعد از نیافتن امام و هجرت وی به مکه و پس از سه روز جنایت در آنجا به طرف مکه حرکت می‌کند که در منطقه‌ی «بیداء» در زمین فرو می‌رود و به فرمان خدا زمین آنها را می‌بلعد. او لشکر دیگری به شام می‌فرستد که سپاه امام زمان (عج) آن را منهدم کرده و تمام ابزار نظامی آن را مصادره می‌کند. سفیانی در کوفه و مناطق دیگر تحت سلطه‌ی خود دستور کشتار شیعیان را می‌دهد ولی در همین گیرودار امام زمان با لشکریان خود وارد نجف شده و سفیانی به طرف شام فرار می‌کند و امام با لشکر او در خارج نجف روبرو می‌شود. امام زمان با آنان در آغاز صحبت مسالمت‌آمیزی را انجام می‌دهد، لکن سران لشکر سفیانی نظر امام را نمی‌پذیرند و به همین جهت امام با آنان وارد جنگ می‌شود^۲ و لشکر سفیانی را تار و مار می‌کند، سپس لشکری را برای دستگیری سفیانی می‌فرستد که آنان او را در اطراف صخره‌ی بیت المقدس گرفتار کرده و به قتل می‌رسانند و بدین ترتیب فتنه‌ی «سفیانی» پایان می‌پذیرد.

۱. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۳؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷.

حضرت عیسی و امام «مهدی» علیه السلام

وجود حضرت عیسی یک معجزه‌ی الهی است زیرا او بدون پدر از حضرت مریم متولد شد و نبوت او در بدو تولد و قدرت رسالت و هدایت جامعه در آن سن نیز یک معجزه‌ی دیگر بود، ظهور و پیدایش مجدد او و همراهی ایشان با حضرت «مهدی» بعد از گذشت قرن‌ها از وفات او یک معجزه‌ی دیگر خداوندی است.

او در آخر زمان پرطرفدارترین پیامبر خداست زیرا دین مسیحیت بیشتر نقاط جهان را به خود اختصاص داده است.

احادیث زیادی درباره‌ی هبوط و پیدایش مجدد حضرت عیسی علیه السلام از آسمان و یاری رساندن ایشان به امام زمان علیه السلام در کتاب‌های روایی آمده است و حکمت نزول حضرت عیسی علیه السلام، یاری نمودن امام زمان و دعوت مسیحیان جهان به اسلام و پیروی از امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه می باشد.

پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرماید:

مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَصَلَّى خَلْفَهُ.^۱

«مهدی از فرزندان من است. آن‌گاه که ظاهر شود عیسی بن مریم برای یاری او - از

آسمان - فرود آید و حضرت «مهدی» را بر خود مقدم می‌دارد و پشت سر او نماز می‌گذارد.»

در زمان ظهور امام زمان علیه السلام حضرت عیسی علیه السلام در فلسطین ظاهر می‌شود و با

«دجال» و تمام مظاهر غیر اسلامی حتی مسیحیت مقابله می‌کند و حضرت مهدی

۱. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹؛ الحکم الزاهرة، ج ۲، ص ۱۷۹.

عجل الله تعالى فرجه با یاری وی دجال را می کشد و سپس حضرت مسیح به لشکر آن امام ملحق می شود.

پیامبر خاتم حضرت محمد ﷺ درباره ی حضرت مسیح ﷺ و عملکرد ایشان در زمان ظهور حضرت حجت ﷺ می فرماید:

يُقَاتِلُ النَّاسَ عَلَى الْإِسْلَامِ فَيَدُقُّ الصَّلِيبَ وَيَقْتُلُ الْخِنْزِيرَ وَيَضَعُ الْجِزْيَةَ وَيُهْلِكُ اللَّهُ فِي زَمَانِهِ الْمَلَلَ كُلَّهَا إِلَّا الْإِسْلَامَ وَيُهْلِكُ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ، فَيَنْكُثُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً ثُمَّ يَتَوَفَّى فَيُصَلِّي عَلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ.^۱

«حضرت مسیح برای برقراری حکومت اسلام با مردمان غیرمسلمان می جنگد و صلیب را - که مظهر مسیحیت است - می شکند و [خوردن] خوک را [حرام] و کشتن آن را جایز می دارد. مالیات بر مردم غیرمسلمان مقرر می کند. خداوند تمام ادیان را در زمان او به جز اسلام نابود می کند. حضرت مسیح - به یاری حضرت حجت می آید - و دجال را نابود می کند. او به مقدار چهل سال حیات خواهد داشت. سپس فوت می کند. مسلمانان بر او نماز می گذارند.»

حضرت عیسیٰ ﷺ در زمان حکومت حضرت «مهدی» عجل الله تعالى فرجه وفات می یابد.^۲

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۳۵، ح ۳۸۸۴۳.

۲. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۷.

رجعت و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

رجعت به معنای بازگشتن است و در زمان ظهور امام زمان (عج) جمعی از پیامبران و امامان علیهم السلام و نیکان و نیز برخی از دین ستیزان و جنایت کاران که در سالهای قبل وفات یافته‌اند به اذن خداوند متعال زنده شده و به دنیا بازمی‌گردند تا هر گروه وعده‌ی خداوند متعال را بنگرند، دین داران، حکومت جهانی دین و عدالت را ببینند و ضدّ دینان، عذاب داده شوند و از آنان انتقام جنایات انسان سوزشان گرفته شود. در این باره احادیث بسیار زیادی در کتب روایی وجود دارد. ^۱ و این نوع رجعت در امت‌های سابق نیز به وقوع پیوسته است، قرآن کریم درباره‌ی رجعت قومی از بنی اسرائیل می‌فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ ^۲

«آیا ندیدی آنان را که از خانه‌های خود از ترس مرگ بیرون شدند و تعداد آنان هزاران نفر بود و خدا آنان را میراند سپس زنده کرد. به درستی که خدا صاحب فضل بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزار نمی‌باشند.»

و مانند رجعت گروه دیگری از قوم بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی علیه السلام که خداوند آنان را میراند سپس زنده کرد که قرآن کریم درباره‌ی آنان نیز می‌فرماید:

۱. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۴۳؛ برای تحقیق پیرامون این آیه مراجعه شود به تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۴۶؛ المیزان، ج ۲، ص ۲۷۹.

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۱

«یاد آورید آن زمان را که به موسی گفتید ما به تو ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه خدا را
اشکارا به ما نشان دهی، پس صاعقه شما را در برگرفت و شما شاهد مرگ خود بودید سپس
ما شما را بعد از مرگتان زنده کردیم تا شاید شکرگزار باشید.»

از موارد دیگر رجعت می‌توان به رجعت اصحاب کهف^۲، عزیر^۳، زنده کردن
مردگان توسط حضرت عیسی^۴ و دیگر انبیا و امامان^۵ شیعه اشاره کرد.
در روایات زیادی نیز به حتمی بودن رجعت در زمان امامت حضرت
مهدی (عج) تصریح شده است.

امام رضا علیه السلام در جواب از صحّت وقوع «رجعت» می‌فرماید:

إِنَّهَا الْحَقُّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ وَنَطَقَ بِهَا الْقُرْآنُ.^۶

«بی‌گمان رجعت صحیح است و در امت‌های قبل نیز وجود داشته و قرآن نیز از آن

سخن گفته است.»

امام صادق علیه السلام نیز در رابطه با رجعت می‌فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا.^۷

«کسی که رجعت ما را انکار کند از ما نیست.»

درباره‌ی کسانی که در زمان ظهور قائم آل محمد (عج) رجعت می‌کنند روایاتی
در مجموعه‌ی کتب روایی ذکر شده است که در میان رجعت‌کنندگان نام شایستگان
امت‌های دیگر هم دیده می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۵۲.

۲. سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۲۴.

۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۶۱.

۴. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۴۳.

۵. ر.ک: بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۱۸۱ و ج ۴۸، ص ۵۵.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸.

۷. بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

قَوْمِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ وَسَبْعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ
وَيُوشَعُ بْنُ نُونٍ وَسَلْمَانُ وَأَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيُّ وَالْمِقْدَادُ وَمَالِكُ الْأَشْتَرُ فَيَكُونُونَ
بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَاراً وَحُكَّاماً.^۱

«با قائم آل محمّد (عج) از پشت کوفه بیست و هفت نفر ظاهر می‌شوند، پانزده نفر از آنان از امت حضرت موسی هستند که همواره به حق هدایت کنند و عدالت انجام دهند و هفت نفر از آنان از اصحاب کهف بوده و نفرات دیگر، یوشع - جانشین حضرت موسی - سلمان، ابودجانة‌ی انصاری، مقداد و مالک اشتر هستند. آنان در خدمت آن حضرت و از فرمانداران حکومت اویند.»

شایان ذکر است که اولین کسی که رجعت می‌کند سرور شهیدان، امام حسین علیه السلام است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَيَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَإِنَّ الرَّجْعَةَ
لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضاً أَوْ مَحَضَ الشُّرْكَ
مَحَضاً.^۲

«اولین کسی که زمین بر رویش شکافته می‌شود و به دنیا بازمی‌گردد حسین بن علی علیه السلام است، و رجعت به طور عمومی نیست بلکه خصوصی است و آنان که کاملاً مؤمن و یا کاملاً مشرک باشند رجعت می‌کنند.»

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْرُجُ فِي آخِرِ عُمْرِ الْقَائِمِ الْحُجَّةِ ثُمَّ يَمُوتُ الْقَائِمُ وَيَغْسِلُهُ
الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۳

۱. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۶۱. ۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۳. إثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۲. شایان ذکر است که سرور شهیدان مدّت چهل سال حیات مجدّد در زمان رجعت خواهد داشت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرَهُ فِي الرَّجْعَةِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ. «نخستین کسی که رجعت می‌کند حسین بن علی علیه السلام است، او چهل سال در زمین می‌ماند به طوری که ابروانش بر چشمهایش می‌افتد.» بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۴.

امام حسین علیه السلام در آخر عمر حضرت حجّت (عج) رجعت می‌کند و بعد از وفات قائم آل محمد (عج)، او را غسل می‌دهد.»

شهیدان از دیگر رجعت‌کنندگان به دنیا برای تجلیل از آنان و دیدن ثمره‌ی خون خود می‌باشند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ مَنْ قُتِلَ لِأَبَدٍ أَنْ يُرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يَذُوقَ الْمَوْتَ.^۱

«آنان که شهیدند حتماً به دنیا بازمی‌گردند پس از آن می‌میرند.»

ساحت مقدّس پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به دنیا رجعت می‌کند و حکومت جهانی دینی را بعد از حکومت و ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه هدایت می‌کند و همچنین امیرمؤمنان امام علی بن ابی طالب علیه السلام چند بار رجعت می‌کند، ابتدا در آغاز قیام حضرت مهدی (عج) و سپس در زمان حکومت ایشان رجعت کرده و به یاری فرزندش می‌شتابد.^۲

شایان ذکر است که بعد از حکومت اسلامی حضرت حجّت (عج)، و پس از اتمام دوران رجعت و حکومت پیامبر گرامی اسلام و امیرمؤمنان و امام حسین علیه السلام هم، جهان منهدم و روز رستاخیز شروع می‌شود.

در دولت الهی حضرت مهدی (عج) جمعی از مؤمنان به دنیا رجعت می‌کنند و در کنار ایشان نظاره‌گر به ثمر نشستن درخت تنومند دین و شکوفایی گل‌های خونین شهدای در راه دین خواهند بود؛ به همین خاطر در زیارت حضرت حجّت بن الحسن (عج) آمده است:

فَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي اللَّهُمَّ قَبْلَ ذَلِكَ فَاجْعَلْنِي يَا رَبِّ فِيمَنْ يَكْرُ فِي رَجْعَتِهِ وَيُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِهِ وَيَسْتَكُنُّ فِي أَيَّامِهِ وَيَسْتَظِلُّ تَحْتَ أَعْلَامِهِ.^۳

«خدایا! اگر مرا قبل از ظهور قائم آل محمد میراندی مرا - ای خدا - در زمره‌ی آنان گردان که در زمان ظهورش بازمی‌گردانی و از حکومتش بهره‌مند می‌سازی و در ایام سلطنتش توان‌مند می‌فرمایی و زیر پرچم حکومتش قرار می‌دهی.»

۱. بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۶۶. ۲. ر. ک: بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۷۴.

۳. بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۹۵؛ زیارت حضرت حجّت در سرداب.

حیات دوباره‌ی اسلام راستین

با قیام حضرت مهدی (عج) اسلام ناب محمدی ﷺ با قیام حضرت «مهدی»
 مجل‌الله تعالی فرجه حیاتی دوباره خواهد یافت و طلوعی دیگر بار خواهد کرد.
 اسلام راستین که دارای تمام ابعاد سعادت و رستگاری دنیا و آخرت انسان
 است بعد از تولد و ظهور آن و تشکیل جامعه‌ی ارزشی انسانی در آغاز، از دو جهت
 مورد تهاجم واقع شد:

۱. حکومت و سیاست.

۲. محتوا و فرهنگ.

از جهت حکومتی، قدرت پرستان غیرمتعهد با تمام ترفندهای فریب و نیرنگ،
 حکومت الهی خاندان پیامبر خدا به رهبری امیرمؤمنان علیه السلام را غصب کردند و با
 برنامه‌های غیراسلامی و سلیقه‌ای خود، روش حکومت‌داری اسلامی و هدایت
 سیاسی و فرهنگی مردم را به روش جاهلی و قبیلگی تبدیل کردند، امویان و
 عباسیان چنان به تخریب حکومت اسلامی پرداختند که از حکومت اسلامی جز نام
 چیزی باقی نماند. زشت‌ترین و وقیحانه‌ترین عمل به اسم اسلام در دربار صورت
 می‌گرفت و در جامعه ترویج می‌شد و مردم به انجام دادن آن مفاسد تشویق
 می‌شدند. و در همان حال اسلام‌خواهان راستین به امامت پیشوایان معصوم دین که
 فرزندان پیامبر خدا بودند در حبس و تبعید به سر می‌بردند و یا به شهادت
 می‌رسیدند. بنابراین طبقه‌ی غاصب سیاسی حاکم بر جوامع اسلامی، مخرب‌ترین
 نقش را در تحریف دین و برگشت جامعه به فرهنگ جاهلی داشت.

اما از جهت محتوایی و فرهنگی، باگذشت زمان و کنارگزاردن خاندان پیامبر از

رهبریت سیاسی و مرجعیت علمی، فرهنگ اصیل اسلامی تبدیل به یک اسلامی شد که پر از آموزه‌های غیراسلامی و جاهلی و توجیه‌گر غصب حکومت توسط خلفا گردید، و تنها این امامان شیعه بودند که با یارانشان اسلام واقعی را حفظ و در جامعه ترویج کرده و در مقابل تهاجم فرهنگی که برای تخریب و تحریف صددرصد اسلام صورت می‌گرفت مقاومت می‌کردند.

روند تخریب و تحریف محتوایی دین و غصب سیاسی حکومت توسط جاهلان عالم‌نما و غاصبان باطل‌گرا ادامه داشت تا اینکه زمان غیبت کبری امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه آغاز شد و در این زمان آن روند غیراسلامی شکل وسیع‌تر و پیچیده‌تری به خود گرفت؛ زیرا در این دوره امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه حضور جدی در صحنه‌ی مسائل حکومتی و فرهنگی ندارد، و بالطبع جا برای تحریف دین بیشتر باز می‌شود، قراءت‌های مختلف و بی‌پایه و اساس روشن‌فکر نمایان به ظاهر دیندار، اضافه‌شدن خرافات جاهلی و قومی به محتوای اصیل دین، ایجاد درگیری‌های ساختگی فرهنگی دشمنان اسلام بین مذاهب مختلف اسلامی، موجب ابهام و نامفهومی، و تحریف بسیاری از معارف اسلامی شده است و در نتیجه، چهره‌ی روشن و فطری دین در زیر لایه‌های تیره‌ی انحراف و تحریف پنهان می‌گردد. و تنها عالمان شیعی که حضرت «مهدی» علیه‌السلام آنان را حجّت خود در زمان غیبت معرفی کرده است مبین و مفسّر اسلام راستین، و حافظ و مدافع فرهنگ اصیل اسلامی در مقابل تحریف و تغییر آن می‌باشند.

امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه با ظهور خود، در آغاز حاکمیت سیاسی جهانی را به دست خواهد گرفت و سپس با بیان معارف اصیل اسلامی، جهان را با اسلام راستین دوباره آشنا خواهد نمود، و همانگونه که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اسلام را به جاهلیت آن روز معرفی کرد و با مقاومت هر چه تمام‌تر آن را بر فرهنگ جاهلی پیروز گردانید، امام زمان نیز با جاهلیت مدرن

و حتی جاهلیت دینی منحرف مبارزه‌ی جدی خواهد کرد و اسلام راستین را که در دنیا غریب است حیات دوباره خواهد بخشید.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌گوید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَهَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ قَدْ دَثَرَ وَضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ، إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرٍ يَضِلُّونَ عَنْهُ وَسُمِّيَ الْقَائِمَ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ.^۱

«آن‌گاه که قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند مردم را دوباره به اسلام دعوت می‌کند و آنان را به دینی فرا می‌خواند که در بین مردم مندرس و کنار گذاشته شده است و اکثر مسلمانان از آن دور شده‌اند. او را «مهدی» می‌گویند؛ زیرا مردم را به دینی هدایت می‌کند که از آن دور شده و نسبت به آن گمراه گشته‌اند، و «قائم» می‌گویند؛ چون که به حق قیام می‌کند.»

امام صادق علیه السلام باز در این باره می‌فرماید:

الْإِسْلَامُ بَدَأَ غَرِيباً وَسَيَعُودُ غَرِيباً كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ.^۲

«اسلام غریبانه - در سرزمین ابتدال و جاهلیت - ظهور کرد در آینده نیز - در زمان امام عصر (عج) - غریبانه ظهوری مجدد خواهد کرد. درود بر کسانی که بر اسلام خود باقی بوده و غریبانه دین خدا را حفظ می‌کنند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در این رابطه می‌فرماید:

يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَنٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَلَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ فَحِينَئِذٍ يَأْذَنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ فَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ وَيُجَدِّدُ الدِّينَ؛ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُمْ وَطُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ وَالْوَيْلُ لِمُبْغِضِهِمْ.^۳

«روزی بر امت من می‌آید که از اسلام تنها نامی و از قرآن فقط ظاهری باقی مانده

۱. نوادر الأخبار، ص ۲۲۰؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۸؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۳۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰؛

إثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۷؛ المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۳۳۶؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۵۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۳۶۶؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۹۵.

۳. أعلام الهداية، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

است، در این هنگام خداوند به حضرت مهدی علیه السلام اجازه‌ی ظهور می‌دهد و او اسلام را آشکار می‌کند و دین را حیاتی دوباره می‌بخشد. خوشا به حال کسانی که آنان - امامان - را دوست دارند و خوشا به حال افرادی که شیعه و پیرو آنانند و نفرین بر آنهایی که با ایشان دشمنی ورزند.»

جهان بعد از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

خداوند متعال جهان هستی را برای عبادت خویش که طریق کمال و سعادت انسان می باشد آفریده است:

﴿مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱

«جن و انس را تنها برای این آفریدم که عبادتم کنند.»

بنابراین علت و هدف خلقت جهان و انسان عبودیت است و عبودیت خداوند در گرو وجود قوانین دینی است که از طریق کتاب های آسمانی بر پیامبران نازل می گردد و اجرا می شود، در آخرین مرحله از نبوت نزول کتاب آسمانی بر خاتم الانبیاء بوده و اجرای آن بر عهده ی وی و جانشینان معصوم او می باشد؛ به همین خاطر اگر جهان از پیامبر و امام - که جانشین اوست - خالی ماند ارائه ی قوانین دینی و اجرا و حفظ نظام دینی که اساس مفاد عبودیت است بی علت می ماند و جهان معدوم خواهد شد. پس امام زمان علیه السلام امان وجود جهان، سرچشمه ی فیاض دین، حافظ اساس نظام دینی و نوید تحقق سعادت نهایی بشر در دنیا است.

بنابراین نظام حیات انسان که با فلسفه و روح دینی خلق شده است وابسته به وجود امام عصر است و به همین جهت بعد از شهادت امام زمان (عج) و پس از اتمام دوران رجعت پیامبر گرامی اسلام و امیر مؤمنان و امام حسین علیهما السلام ارتباط فیض الهی برای بقای عالم انسانیت قطع شده، جهان منهدم می گردد و قیامت آغاز می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می فرماید:

۱. سوره ی ذاریات، آیه ی ۵۶.

لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ فَاذًا مَضَوْا لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا. ۱

«پیوسته این دین برقرار است تا اینکه دوازده نفر امامت کنند، آن‌گاه که دوران امامت

آنان پایان یابد زمین و اهالی آن نابود شوند.»

شایان ذکر است که جهان بعد از امام زمان عجل الله تعالی فرجه و اتمام زمان رجعت بیش از چهل روز باقی نمی‌ماند و توبه‌ی کافران و گناهکاران در این مدت دیگر پذیرفته نمی‌شود.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مَا زَالَ الْأَرْضُ إِلَّا وَاللَّهِ فِيهَا حُجَّةٌ يُعَرَّفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَيَدْعُو النَّاسَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَنْقَطِعُ الْحُجَّةُ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَرْبَعِينَ يَوْمًا قَبْلَ الْقِيَامَةِ فَاذَا رُفِعَتِ الْحُجَّةُ أُغْلِقَ بَابُ التَّوْبَةِ وَلَمْ يَنْفَعِ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ. ۲

«پیوسته در زمین حجّت خدا وجود دارد تا حلال و حرام خدا را به مردم یاد دهد و آنان را

به دین خدا راهنمایی نماید. جهان بعد از آخرین امام بیش از چهل روز باقی نمی‌ماند و آن‌گاه که حجّت خداوند بمیرد، توبه‌ی مردم دیگر قبول نشود و ایمان آوردن در آن زمان بعد از بی‌ایمانی نفعی نبخشد.»

۱. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۶۷.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۶۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۶۴.

سفارش‌های امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه به شیعیان در زمان غیبت

آن حضرت به شیعیان سفارش‌های متعددی دارند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به امور زیر اشاره کرد:

۱. مراعاة اعتقادات اصیل اسلام در اندیشه و تقوای الهی در عمل^۱.
۲. ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و تنها مرجع دینی دانستن آنان^۲.
۳. اخلاص در عمل^۳.
۴. اهمیّت فوق‌العاده به نماز^۴.
۵. خود را در محضر امام زمان دانستن^۵.

۱. امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْلَمُوا لَنَا وَرَدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا»: «تقوای الهی پیشه کنید و در خطّ ولایت ما باشید و امور را به ما بسپارید». بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ نوادرالآخبار، ص ۲۴۰ و چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۳۷۹.
۲. امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه: «وليعلموا أنّ الحقّ معنا وفيما ولا يقول ذلك سوانا إلا كذاب مفتر ولا يدعيه غيرنا إلا ضالّ غويّ»: «بدانید، حق با ما و در خاندان ماست و این را دیگری به زبان نمی‌آورد مگر کسی که دروغگو و گمراه باشد». بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۱۱ و چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۳۷۹.
۳. امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه: «إِنَّ اللَّهَ قَنَعْنَا بِعَوَائِدِ إِحْسَانِهِ وَفَوَائِدِ امْتِنَانِهِ وَصَانَ أَنْفُسَنَا عَنْ مَعَاوَنَةِ الْأَوْلِيَاءِ إِلَّا عَنِ الْإِخْلَاصِ فِي النِّيَّةِ»: «خداوند با نعمت‌هایش ما را غنا داده است و ما را از یاری دیگران نیز بی‌نیاز کرده است مگر آنان که اخلاص در نیت دارند». بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷ و چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۳۷۹.
۴. امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه: «فَمَا أَرْغِمُ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِثْلِ الصَّلَاةِ فَضَّلَهَا وَأَرْغِمُ أَنْفَ الشَّيْطَانِ»: «هیچ چیزی مثل نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد پس نماز بخوانید و بینی او را به خاک بمالید». بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۲۰؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۸ و چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۳۹۱.
۵. امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه: «إِنَّا يَحِيطُ عَلَمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلا يَعْزِبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»: «علم ما به کارهای شما احاطه دارد، هیچ چیز از زندگی شما بر ما پنهان نیست». بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱۷۵؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۰۰.

۶. دعا برای تعجیل در ظهور^۱.
۷. اجتماع و وحدت شیعیان بر محور ولایت اهل بیت علیهم السلام^۲.
۸. اطمینان شیعیان به دارا بودن خود از حمایت جدی آن امام^۳.
۹. عدم مبالغه در قدرت اهل بیت علیهم السلام و همسان ندانستن آنان با خداوند متعال^۴.
۱۰. اعمال مورد پسند آن امام را انجام دادن و از امور ناپسند او پرهیز کردن^۵.

۳۲۳؛ نوادر الاخبار، ص ۲۴۲ و چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۳۸۷.

۱. امام زمان عجل الله تعالی فرجه: «أكثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج فإن ذلك فرجكم»: «برای تعجیل در ظهور من زیاد دعا کنید که فرج شما در همین است». کشف الغمّة، ج ۳، ص ۴۵۸؛ علم الیقین، ج ۲، ص ۹۶۵؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۰۰؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۲۵؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵ و چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۳۷۷.

۲. امام زمان عجل الله تعالی فرجه: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَاءِنَا»: «اگر شیعیان که خداوند آنان را در بندگی موفق بدارد با هم یک دل و متحد می شدند در عهدی که با ما بسته اند این قدر غیبت ما به تأخیر نمی افتاد». بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵؛ نوادر الاخبار، ص ۲۴۵؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۵۹ و چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۳۸۶.

۳. امام زمان عجل الله تعالی فرجه: «إِنَّا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِم بِالْدَّعَاءِ الَّذِي لَا يَحْجُبُ عَنْ مَلِكِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فُلَيْطُمُنْ بِذَلِكَ مِنْ أَوْلِيَاءِنَا الْقُلُوبِ»: «ما همواره در پنهان برای شما دعا می کنیم که خداوند آسمان و زمین آن را می پذیرد پس قلب های شما مطمئن باشد». الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷ و نوادر الاخبار، ص ۲۴۵.

۴. امام زمان عجل الله تعالی فرجه: «إِنِّي بَرِيءٌ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مَنْ يَقُولُ: إِنَّا نَعْلَمُ الْغَيْبَ وَنُشَارِكُ فِي مَلِكِهِ أَوْ يَحْلُنَا مَحَلًّا سِوَى الْمَحَلِّ الَّذِي رَضِيَ اللَّهُ لَنَا»: «من دوری می جویم و پناه به خدا و رسول او می برم از کسی که در حق ما می گوید که ما علوم مختص خدا را می دانیم و در سلطنت خداییش با او شریک هستیم یا برای ما مقامی قائل است غیر از آن مقامی که خدا به ما داده است». الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹ و چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۳۸۵.

۵. امام زمان عجل الله تعالی فرجه: «فَيَعْمَلُ كُلُّ امْرَأٍ مِنْكُمْ مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا: وَلِيَتَّجَنَّبَ مَا يَدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا»: «مردم باید به آنچه که آنان را به دوستی ما نزدیک می سازد عمل کنند و از آنچه آنان را به ناپسندی در نزد ما نزدیک می کند دوری جویند». بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶ و چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۳۸۷.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه و شب قدر

در تمام سال، یک شب از شب‌های ماه مبارک رمضان «لیلة القدر»^۱ است. در این شب سرنوشت‌ساز، مقدرات آینده‌ی انسان رقم می‌خورد و گذشته‌ی انسان نیز یا مورد عفو قرار می‌گیرد و یا همان کارنامه‌ی گناه‌آلود پیشین تثبیت می‌شود.

خداوند با اعطای این شب به بندگان و قراردادن ارزش اعمال در آن به اندازه‌ی بیش از هزار ماه و نیز قبول توبه‌ی حقیقی از گناهکاران در آن شب، اراده کرده است که بندگان را از رحمت الهی عفو بشود بهره‌مند گرداند و زمینه‌ی جعل مقدرات خیر را برای آنان فراهم سازد.

انسانی که در لجن‌زار گناه فرو رفته و در محضر خداوند سبحان آلوده به گناه شده است نیاز دارد که با ابزاری خود را از این سیاه‌کده‌ی عذاب نجات دهد. به همین جهت خداوند باب توبه را برای انسان برگشوده است و برای جبران گذشته، روزها و شب‌های خاصی را قرار داده است تا گناهکار با عمل در آن زبان‌های وارده بر خود را جبران کند و ثواب از دست رفته را بازستاند. انسان همواره در پیشگاه خداوند در مقابل این همه نعمات مقصّر است و باید توبه نماید، یا توبه از نقصان در بندگی، و یا توبه از عصیان در زندگی.

یکی از ایام‌الله و اوقات نزول رحمت واسعه‌ی خداوند شب قدر است که در میان وقت‌های مخصوص از همه مهم‌تر و پرارزش‌تر است، به همین خاطر قرآن کریم در این شب نازل شده است چنانکه خودش به این مطلب تصریح می‌نماید:

۱. شب قدر در بین شیعیان یکی از شب‌های نوزدهم یا بیست و یکم و یا بیست و سوم است که شب بیست و سوم احتمال بیشتری دارد و در بین اهل سنت شب بیست و هفتم می‌باشد.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾^۱

«ما قرآن را در شب مبارک قدر نازل کردیم تا ترساننده‌ی مردم باشیم، در آن شب هر

امری با حکمت، معین و ممتاز می‌گردد.»

در سوره‌ی قدر نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾

«ما در شب قدر قرآن را نازل کردیم، چه می‌دانی که شب قدر چقدر ارزش دارد، آن شب

بهتر از هزار ماه است، در آن شب با اجازه‌ی خداوند فرشتگان و روح‌القدس برای هر امری به

زمین می‌آیند، آن شب تا به سپیده‌ی صبح، شب رحمت الهی است.»

امام زمان هر عصر در آن شب نقش اساسی برای سرنوشت جهان و انسان دارد؛ زیرا اولاً اگر امام زمان نباشد شب قدری نیست؛ چون جهان و انسان بعد از امام زمان منهدم خواهد شد و ثانیاً اگر ولایت و پیروی از آن بزرگوار نباشد هیچ توبه و عملی پذیرفته نخواهد شد، چنانکه امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

أَمَّا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ
وَلَمْ يَعْرِفْ وَلا يَتَّوَلَّهِ اللهُ فَيُؤَالِيَهُ وَيَكُونُ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ
عَلَى اللهِ حَقٌّ ثَوَابِهِ وَلا كَانَ مِنَ أَهْلِ الْإِيمَانِ.^۲

«بدانید اگر شخصی هر شب تا صبح نماز گذارد و هر روز روزه بدارد و همه‌ی ثروتش را

به فقرا صدقه دهد و تمام عمرش به حج رود ولی ولایت ولی خدا را نشناسد تا امامتش را

بپذیرد و اعمالش را به راهنمایی و هدایت او انجام دهد هیچ ثوابی حق او نباشد و پاداشی

برای او بر خداوند نیست و او از اهل ایمان نیز به شمار نمی‌رود.»

و اگر شفاعت و وساطت آن بزرگوار نباشد گناهان بخشوده نگردند و سرنوشت

۱. سوره‌ی دخان، آیه‌ی ۳ و ۴.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۹۱؛ الحیة، ج ۲، ص ۳۸۲؛ چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۲۰۲.

آینده‌ی انسان به رستگاری و سعادت رقم نمی‌خورد و مقدر نمی‌شود. بنابراین امام زمان علیه السلام واسطه‌ی فیض بقا و رحمت و عفو و خیر و برکت برای جهانیان است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می‌فرماید:

آمِنُوا بِبَلِيَّةِ الْقَدْرِ فَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِيهَا أَمْرُ السَّنَةِ وَإِنَّ لِدُكِّ الْأَمْرِ وُلاَةً مِنْ بَعْدِي
عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَأَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ.^۱

«به شب قدر ایمان آورید، در آن شب امور سال جدید مقدر می‌شود، و برای تحقق آن

امور والیانی بعد از من هستند که آنان علی بن ابی طالب و یازده نفر از نسل ایشان

می‌باشند.»

به همین جهت احادیث و روایات بسیاری است که در آنها دستور به توسل به امام زمان در این شب داده شده است؛ زیرا امام زمان در تغییر مقدرات شر و ناگوار به تقدیر زندگانی سعادت‌آمیز در آینده، و همچنین قبولی توبه و تبدیل عذاب الهی به رحمت و محبت خداوندی و یا تثبیت آن، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای دارد. شایان ذکر است که توبه از نقصان یا عصیان، ولایت اهل بیت، مراعات تقوا، توسل به امام زمان، راه‌های جلب مقدرات خیر الهی و عفو از گذشته است.

علم امام زمان عجل الله تعالى فرجه

درباره‌ی علم امامان و پیشوایان دین سه مسأله‌ی مهم در حوزه معارف دینی مطرح است:

۱. حیطة و گستره‌ی علم آنان چقدر است؟

۲. سرچشمه‌ی آن علم از کجاست؟

۳. قدرت صدق و مطابقت آن با واقع چقدر است؟

دانشمندان شیعی با استفاده از روایات قائل هستند که اولاً گستره‌ی علم امامان به وسعت تمام پدیده‌های جهانی است و آن بزرگواران از همه چیز اطلاع دارند و در تمامی زمینه‌های علمی آگاهی فوق عالی دارند. و ثانیاً سرچشمه‌ی علم آنان، علم الهی است که خداوند به آنان افاضه و الهام می‌کند و خداوند در نهاد آنان قدرت احاطه‌ی علمی بر امور جهان را قرار داده است. و ثالثاً تمام علوم اهل بیت علیهم‌السلام مطابق با واقع است و صادق می‌باشد و آنان عصمت علمی دارند چنان‌که آن پیشوایان دین عصمت عملی را نیز دارا می‌باشند.

امام باقر علیه‌السلام درباره‌ی گستره‌ی علمی امامان می‌فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ عِلْمَيْنِ: عِلْمٌ مَبْدُولٌ وَعِلْمٌ مَكْفُوفٌ؛ فَأَمَّا الْمَبْدُولُ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ
يَعْلَمُهُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّسُلَ إِلَّا وَنَحْنُ نَعْلَمُهُ أَمَّا الْمَكْفُوفُ فَهُوَ الَّذِي عِنْدَهُ فِي أُمَّ
الْكِتَابِ إِذَا خَرَجَ نَفَذًا.^۱

«خداوند دو گونه علم دارد: علمی که به دیگران یاد می‌دهد و علمی که به دیگران

۱. بصائر الدرجات، ص ۱۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۸۹؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۵۵؛ چهل چراغ آسمان عصمت،

نمی آموزد. از علم اوّل هر چه به فرشتگان و پیامبران می آموزد ما از آن آگاهیم ولی علم دوّم در امّالکتاب و عرش است و مختصّ خداست و آن گاه که به جهان عرضه شود معلوم می گردد.»

امام باقر علیه السلام باز در این باره می فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ لَعِلْمًا لَا يَعْلَمُهُ غَيْرُهُ وَعِلْمًا يَعْلَمُهُ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيََاءُهُ
الْمُرْسَلُونَ وَنَحْنُ نَعْلَمُهُ.^۱

«خداوند علمی دارد که هیچ کس از آن آگاه نیست و علمی دیگر نیز دارد که فرشتگان

مقرب درگاهش و پیامبران عظام به آن آگاهند که ما نیز به آن اطلاع داریم.»

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

نَحْنُ وَاللَّهِ نَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا فِي الْجَنَّةِ وَمَا فِي النَّارِ.^۲

«سوگند به خدا، ما به آنچه در آسمان و زمین است آگاهی داریم و به آنچه در بهشت و

جهنّم است داناییم.»

بنابراین ساحت مقدّس حضرت حجت بن الحسن مجلل الله تعالی فرجه دارای بالاترین درجه‌ی علمی است که خداوند به شخصی غیر از خود عطا می کند و این علم همان علمی است که خداوند به فرشتگان مقرب درگاهش و پیامبران اولوالعزم و امامان دیگر افاضه می فرماید.

سرچشمه‌ی این علم، منبع فیض عنایت علمی خداست. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلِمْنَا وَمِنْ حُكْمِهِ أَخَذْنَا وَمِنْ قَوْلِ الصَّادِقِ
سَمِعْنَا، فَإِنْ تَبِعُونَا تَهْتَدُوا.^۳

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۵۶: الحکم الزاهرة، ج ۱، ص ۵۶؛ چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۲۰۵.

۲. بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۲۳۷: الحکم الزاهرة، ج ۱، ص ۵۷.

۳. بصائرالدرجات، ص ۵۱۴: الحکم الزاهرة، ج ۱، ص ۵۷؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۴؛ چهل چراغ آسمان عصمت، ص ۲۰۵.

«سرچشمه‌ی علم ما اهل بیت علیهم السلام علم خداست و دانش خود را از حکمت او گرفته‌ایم»

و از گفتار شخصی راست‌گو شنیده‌ایم؛ پس اگر از ما پیروی کنید هدایت خواهید شد.»

امام زمان عجل الله تعالی فرجه و دیگر امامان علیهم السلام قدرتی دارند که اگر بخواهند چیزی را در جهان خلقت بدانند خداوند به آنان آن علم را می‌دهد.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِذَا أَرَادَ الْإِمَامُ أَنْ يَعْلَمَ أَعْلَمَهُ اللَّهُ ذَلِكَ. ^۱

«هرگاه امام اراده کند که چیزی را بداند خداوند به او آن علم را می‌دهد.»

تمامی حضرات امامان علیهم السلام همانند پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دارای عصمت علمی می‌باشند.

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرمودند:

أَنَا وَعَلِيُّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَتِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ
مَعْصُومُونَ. ^۲

«من و علی و حسن و حسین و نه نفر از نسل حسین، پاک و دارای مقام عصمت

می‌باشیم.»

در آخر زمان که وقت امامت حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه است و دانش بشری به نهایت تکامل ممکن برای انسان رسیده است آن حضرت اشراف علمی به تمامی امور جهانی را داراست.

۱. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۵۷؛ الحكم الزاهرة، ج ۱، ص ۵۸.

۲. عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۴؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۰۱.

دعاهایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

دعا، پرواز روحانی انسان از زمین به عرش است، و سبب توجه عرشیان به شخص دعا کننده می باشد. دعا، سفر فقیر در مانده به نزد غنی بخشنده است. از محتوای دعای هر شخصی می توان امور مورد توجه و عنایت او را کشف کرد و ما از دعاهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه می توانیم علاوه بر فهم بسیاری از معارف الهی، امور مورد توجه ایشان را کشف کنیم که ما در اینجا برخی از ادعیه ی آن بزرگوار را ذکر می کنیم:

۱. اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ بَرِحَ الْخَفَاءِ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي السُّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَوَّضْنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرَّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلاً كَلِمَ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ أَكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَ أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثُ الْغَوْثُ أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي ۱.

خدایا، بلای بزرگی به من روی آورده، پنهان ها هویدا گردیده، امیدم ناامید گشته، ناپیداها آشکار شده و زمین بر من تنگ آمده و آسمان رحمتش را از من بازداشته، ای خدا، تنها به سوی تو شکایت آورم و تنها بر تو در سختی و راحتی تکیه می کنم. بار خدایا، درود بر محمد و خاندانش فرست آن کسانی که صاحبان فرمان الهی می باشند و تو بر ما اطاعتشان را واجب کرده ای و با این کار مقام و منزلت ایشان را به ما شناسانده ای؛ پس از ما به حق آنان سریعاً مانند چشم به هم زدن یا کمتر از آن گرهی کار بگشا. ای محمد و ای علی مرا کفایت

کنید که شما کفایت‌کننده‌ی من می‌باشید و مرا یاری دهید که شما یاری دهنده‌ی من می‌باشید. ای آقای من، ای صاحب الزمان پناهم ده، پناهم ده، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب.

۲. يَا نُورَ الثُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ! يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ! صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِي وَ لِشِيعَتِي مِنَ الضِّيقِ فَرَجًا وَ مِنَ الْهَمِّ مَخْرَجًا وَ أَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ وَ أَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يَفْرُجُ وَ أَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ!

خدایا! ای نور تمامی انوار جهان! ای تدبیر کننده‌ی همه‌ی آفریدگان! ای برانگیزاننده‌ی مردگان! بر محمد و خاندان او درود فرست و برای من و شیعیانم از تنگناهای زندگی، گشایش و از غم و اندوه، نجات و آسایش مقرر فرما! راه سعادت را برایمان وسعت بخش و آنچه مایه سرافرازی و شادکامی ماست از نزد خودت بر ما نازل فرما و با ما آن گونه که در شأن شما است - ای کریم! - رفتار کن.

۳. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ صِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَ رِقًّا. اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ حَيِّدٌ! وَ مُدَلِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ! أَنْتَ كُنْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ وَ تُضَيِّقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ. اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَ كُنْتَ غَنِيًّا عَنِ خَلْقِي وَ لَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ.

يا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا! وَ مُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا! وَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ. وَ أَوْلِيَاءَهُ بِعِزِّهِ يَتَعَرَّزُونَ! يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدَلَّةِ عَلَيَّ أَغْنَاقِهَا! فَهُمْ مِنْ سَطَوْتِهِ خَائِفُونَ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ، فَكُلُّ لَهُ مُذْعِنُونَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِرَ لِي أَمْرِي وَ تُجَلِّ لِي فِي الْفَرَجِ وَ تُكَفِّبِنِي وَ تُعَافِيَنِي وَ تُقْضِي حَوَائِجِي، السَّاعَةَ الْآيَةَ الْآيَةَ الْآيَةَ، إِيَّا، عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

نیست خدایی جز خدای یکتا که این حق است. نیست خدایی جز خدای یکتا که این همان ایمان و تصدیق است. نیست خدایی جز خدای یکتا که این بندگی و طاعت است.

بارخدایا! ای عزّت بخش هر مؤمن تنها! ای خوارکننده‌ی هر زورگوی طغیانگرا!
 خدایا! آن زمان که گرداب عقاید مختلف مرا تحت فشار قرار دهند و زمین با آن
 گستردگی‌اش برای تنگ شود، تو پناه منی.

خدایا! در حالی که از آفرینش من بی‌نیاز هستی مرا خلق کردی و اگر یاری تو به من
 نبود قطعاً من از شکست خوردگان بودم.

ای گستراننده‌ی رحمت از جایگاه آن! ای بیرون آورنده‌ی برکات و نعمت‌ها از سرچشمه
 آن! ای کسی که بزرگی را مخصوص به خود کرده و بندگانش به عظمت و عزتش شکوهمند
 می‌گردند! ای کسی که تمامی پادشاهان در مقابل او طوق بیچارگی بر گردن افکنده‌اند و
 آنان از قدرت همیشگی او ترسانند! قسم به آن اسمت که جهانیان را با آن آفریدی و همه‌ی
 موجودات به آن اذعان دارند. بر محمد ﷺ و خاندان او درود فرست! ظهور مرا مقرر فرما!
 در فرج شتاب کن! مرا کفایت و عافیت ده؛ خواسته‌هایم را اجابت فرما در همین ساعت و در
 همین شب! زیرا تو بر همه‌ی جهان توانایی.

۴. اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَ صَدَقَ النَّيِّةِ، وَ
 عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ، وَ أَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَ الْأَسْتِقَامَةِ، وَ سَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ
 وَ الْحِكْمَةِ، وَ أَمْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ، وَ طَهِّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ
 الشُّبُهَةِ، وَ كُفِّ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرِقَةِ، وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ
 وَ الْخِيَانَةِ، وَ أَسَدِّدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغَيْبَةِ، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَاءِنَا
 بِالرُّهْدِ وَ النَّصِيحَةِ، وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَ الرَّغْبَةِ، وَ عَلَيَّ
 الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَ الْمَوْعِظَةَ، وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالسَّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ،
 وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ عَلَيَّ مَشَايِخِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ، وَ
 عَلَيَّ السَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ، وَ عَلَيَّ النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِصْمَةِ، وَ
 عَلَيَّ الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ وَ السَّعَةِ، وَ عَلَيَّ الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقِنَاعَةِ، وَ
 عَلَيَّ الْعُرَاةِ بِالنُّصْرِ وَ الْعَلْبَةِ، وَ عَلَيَّ الْأَسْرَاءِ بِالْخَلَاصِ وَ الرَّاحَةِ، وَ عَلَيَّ
 الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ، وَ عَلَيَّ الرَّعِيَّةِ بِالْإِنْصَافِ وَ حُسْنِ السِّيَرَةِ، وَ بَارِكْ

لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ وَأَقْضِ بِمَا أُوجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

خدایا! به ما توفیق طاعت و دوری از گناه و نیت صادق و درک و فهم اعمال حرام عنایت فرما؛ با هدایت و استقامت در راه بندگی ات به ما شرافت ده؛ زبانمان را به سخن حق و حکمت رهنمون ساز؛ قلب هایمان را پر از علم و دانش کن؛ درونمان را از خوردن مال حرام و شبه ناک پاک بدار؛ ما را از تعدی و جور و سرقت باز دار؛ چشمانمان را از گناه و خیانت نگه دار؛ گوش هایمان را از بیهوده شنوی و غیبت مسدود بدار؛ به دانشمندان ما زهد و بی رغبتی و خیراندیشی، و بر محصلان کوشش و اشتیاق و بر شنوندگان پیروی و قبول موعظه عنایت فرما؛ مریضان مسلمان را شفا و آسایش عطا فرما؛ بر اموات مسلمانان رأفت و مهربانی نازل نما؛ بر سالخوردهگان وقار و آرامش، بر جوانان معنویت و بازگشت به خط بندگی مرحمت فرما؛ بر زنان حیا، عفت و پاکدامنی تفضل فرما؛ بر ثروتمندان فروتنی و گشاده دستی، بر فقرا صبر و قناعت، بر رزمندگان یاری و پیروزی، بر اسیران آزادی و آسایش عنایت فرما؛ بر سیاستمداران عدالت و مهربانی، بر ملت انصاف و خوش برخوردی مرحمت نما؛ حُجَّاج و زُوار را در امر زاد و توشه شان برکت ده و آنچه بر آنان در حج و عمره واجب گردانیده ای توفیق انجام ده؛ به فضل و مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

۱. منتخب الأثر، ص ۵۲۴؛ کلمة الإمام المهدي، ص ۳۰۹.

داستان‌هایی از دیدار با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

دوران حیات امام زمان (عج) به چهار دوره تقسیم می‌شود:

۱. تولد تا غیبت صغرا.
۲. غیبت صغرا تا غیبت کبرا.
۳. غیبت کبرا تا زمان ظهور.
۴. زمان ظهور تا رحلت.

توفیق دیدار امام زمان (عج) در زمان ظهور ممکن بوده و مانند دیگر امامان شیعه، یاران و شیعیان و حتی دشمنان نیز به این سعادت دست می‌یابند. ولی در سه دوره‌ی دیگر که دوره‌ی پنهانی و غیبت است دیدار آن حضرت برای همه ممکن نبوده و نمی‌باشد و تنها اولیای خاص الهی توفیق زیارت آن خورشید عرشی را پیدا می‌کنند. ما اکنون به برخی از موارد زیارت و دیدارهای انجام شده در این سه بخش از زندگی ایشان اشاره می‌کنیم:

۱. دوره‌ی تولد و قبل از غیبت صغری

امام حسن عسکری علیه السلام برای رفع توهم بی‌فرزندی خود که در جامعه شایعه شده بود و دشمنان اهل بیت علیهم السلام با آن بر شیعیان انتقاد می‌کردند که شما دوازده امامی نخواهید شد و عقیده‌ی شما غلط است و همچنین برای اعلام امام بعد از خود، آن حضرت را به نزدیکان و یاران خاص خود نشان می‌دادند که یک نمونه از آن موارد به شرح زیر می‌باشد:

عده‌ای - قریب به چهل نفر - از یاران امام حسن عسکری علیه السلام خدمت ایشان شرفیاب می‌شوند، یکی از آنان به نام «عثمان بن سعید» به ایشان می‌گوید:

ای فرزند پیامبر خدا! ما خدمت شما رسیده‌ایم برای درک مطلبی که شما خود می‌دانی چیست.

آن حضرت به اتاقی می‌رود و باز می‌گردد سپس می‌گوید:

جِئْتُمْ تَسْأَلُونِي عَنِ الْحُجَّةِ بَعْدِي.

«شما آمده‌اید تا از امام بعد از من سؤال کنید.»

آنان گفتند: آری.

ناگهان کودکی مانند پاره‌ای از ماه که شبیه‌ترین کس به امام عسکری علیه السلام می‌باشد از اتاق بیرون می‌آید و امام عسکری علیه السلام می‌گوید:

هَذَا إِمَامُكُمْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ أَطِيعُوهُ وَلَا تَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِي فَتَهْلِكُوا فِي
أَدْيَانِكُمْ، أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ مِنْ بَعْدِ يَوْمِكُمْ هَذَا.^۱

«این امام شما بعد از من و جانشین من می‌باشد از او اطاعت کنید و بعد از من پراکنده و

منشعب از هم نشوید که هلاک می‌گردید. بدانید که شما بعد از امروز دیگر او را نخواهید دید.»

از موارد دیگر زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در زمان قبل از غیبت صغرا می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

احمد بن اسحاق یکی از یاران صدیق امام حسن عسکری علیه السلام است. او می‌گوید: خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم، قصد داشتم درباره‌ی امام بعد از ایشان سؤال کنم. او خود بدون سؤال کردن من پاسخ داد:

يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ، إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَمْ يُخْلِ الْأَرْضَ مِنْذُ خَلَقَ آدَمَ
وَلَا يُخْلِهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بِهِ يُدْفَعُ الْبَلَاءُ عَنْ أَهْلِ
الْأَرْضِ وَبِهِ يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَبِهِ تَخْرُجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ.

«ای احمد بن اسحاق، خداوند متعال هرگز زمین را از آغاز آفرینش آدم تا روز قیامت از

حجّت خود خالی نگذاشته و نخواهد گذاشت، حجّت خدا باعث دفع بلا از اهل زمین و موجب

نزول رحمت خدا از آسمان و خروج برکات از زمین است.»

عسکری علیه السلام از این قسم ملاقات می‌باشد و همچنین توفیق دیدار آن حضرت در این دوره برای جمع کثیری میسر شد که تعداد آنان تقریباً به پنجاه نفر می‌رسد و در کتابهای روایی^۱ و تاریخی نام آنان بیان شده است.

۲. زمان غیبت صغرا

این دوره حدود ۶۹ سال طول کشید، در این دوره نواب خاصه‌ی آن حضرت^۲ و بعضی از برگزیدگان از علمای شیعه و برخی از شیعیان پاک‌سیرت به محضر مبارک ایشان شرفیاب شده‌اند. سه نمونه از این نوع تشرّف در اینجا بیان می‌شود:

۱. عالم محدّث و فقیه متبحّر، شیخ کلینی نقل می‌کند: مردی از اهل مدائن با رفیقش به حج رفتند در عرفات نشسته بودند شخص جوانی هم با وقار تمام نزدیک آنان قرار داشت. گدایی از آنها تقاضایی کرد و آنها رد کردند، نزد آن جوان رفت و او مقدار خاکی از زمین برداشت و به آن گدا داد، او تشکر فراوان کرد. آن دو نفر از آن گدا سؤال کردند و گفتند: او به تو چه داد که این همه تشکر کردی؟ آن گدا دستش را گشود مقداری طلا در آن بود. آن‌گاه آنان متوجّه می‌شوند که او امام زمان (عج) بوده است.^۳
۲. علی بن بابویه در دوران غیبت صغرا نامه‌ای خدمت امام زمان (عج) نوشت و در آن از ایشان تقاضا کرده بود که دعایی کند تا خداوند به او فرزندی عطا نماید، حضرت در جواب او نوشت:

«برای تو دعا کردیم و خداوند تو را به زودی صاحب دو فرزند نیکوکار خواهد کرد.»

پس از چندی خداوند به او دو فرزند داد که یکی «محمد بن علی بن بابویه» مشهور به «شیخ صدوق» است که دارای کتابهای زیادی است و دیگری «حسین بن علی بن بابویه» می‌باشد که از علمای مهمّ شیعه شد.^۴

۱. به کتاب «الإرشاد»، ج ۲، ص ۳۳۰؛ «منتهی الآمال»، ج ۲، ص ۷۷۷ و همین کتاب بخش چهارم مراجعه شود.

۲. در مورد نواب خاصه آن حضرت به بخش نواب خاصه آن حضرت در این کتاب مراجعه شود.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۳۲؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۸۴.

۴. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۸۶.

۳. دوره‌ی غیبت کبرا

در طول این مدت، تعداد بسیاری از خاصان و علمای شیعه و مردم دین‌دار و تقوای پیشه به سعادت زیارت آن بزرگوار نایل آمده‌اند که ما در اینجا چند نمونه از آن را بیان می‌کنیم:

۱. امام زمان و شفای درد

در شهر «حله» شخصی بود به نام «اسماعیل بن عیسی هرقلی» که در ران پای چپش دملی چرکین وجود داشت، درد آن او را از همه‌ی زندگی بازداشته بود جراحان «حله» بعد از معاینه‌ی او گفتند این دمل بر بالای رگی است که امکان دارد با بریدن دمل آن رگ حیاتی نیز بریده شود و مریض بمیرد و به همین خاطر جراحی آن صلاح نیست. او پس از نومییدی از پزشکان «حله» به «بغداد» رفت تا شاید پزشکان متخصص آنجا تدبیری در درمان او کنند ولی تمام اطبای آنجا نیز او را از درمان مأیوس کردند.

او بعد از ناامیدی و یأس از درمان خود توسط پزشکان تصمیم گرفت که به زیارت «سامرا» رود تا با استغاثه به امامان معصوم شیعیان شفا یابد. ایشان به سامرا رفت و بعد از زیارت مرقد مطهر امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام به سردابه‌ای که در آن مکان وجود دارد و حضرت حجة بن الحسن (عج) در آنجا غایب شده‌اند رفت و تا صبح به دعا و تضرع و توسل به آن امام علیه السلام مشغول شد. او صبح به کنار دجله رفت و جامه‌ی خویش را شست، غسل زیارت کرد، ظرفی پر از آب کرد و برای زیارت دوباره‌ی امام هادی و عسکری علیهما السلام به طرف بارگاه آنان حرکت کرد، هنوز به نزدیکی سامرا نرسیده بود که می‌بیند چهار سوار به طرف او می‌آیند، دو جوان شمشیر به کمر بسته و یک پیرمرد با ظاهری آراسته که نیزه در دست دارد و نفر چهارم نیز فردی نورانی که در سیمایش آثار

و نزاع کرده‌ای؟ می‌گویند: نه، ولی بگویید شما آن سواران را که از اینجا عبور کردند دیدید؟ آنان می‌گویند: آری، آنها معلوم بود که از اشراف و بزرگان اینجا هستند. او می‌گوید: آنان از اشراف این نواحی نبودند بلکه یکی از ایشان امام بود. می‌گویند: آیا زخم‌ت را به او نشان دادی؟ او جواب می‌دهد: بلی، آن را فشرد و درمان کرد.

پس ران او را دیدند اثری از جراحی نبود، در این هنگام مردم برای تبرک به او هجوم آوردند و شهر شلوغ شد. فرماندار حکومت بعد از اطلاع از این ماجرا او را به همراه دو نفر مأمور به بغداد فرستاد تا وزیر او را ببیند و از واقعه مطلع شود. در کنار پل بغداد مردمی که از جریان آگاهی یافته بودند جمع شده و در انتظار او نشسته بودند با دیدن اسماعیل به طرف او هجوم آوردند و لباس او را برای تبرک تکه‌تکه کردند. سید بن طاووس او را نزد خود برد، معاینه کرد و بعد از اطمینان از شفای او بیهوش شد، چون به خود آمد به اسماعیل گفت باید تو را نزد وزیر ببرم، پزشکان مورد اطمینان وزیر که زخم او را قبلاً دیده بودند و علاج آن را تنها در بریدن آن دمل می‌دانستند و به جهت خطرناکی آن، جراحی را صلاح نمی‌دیدند حاضر شدند. وزیر از آنان حال آن مرد را پرسید و آنان همان مطلب قبل را جواب دادند و گفتند: جراحی بسیار خطرناک است و اگر هم جراحی شود حداقل دو ماه آثار جراحی آن باقی خواهد ماند.

وزیر گفت: شما چند روز قبل او را دیده‌اید؟ گفتند: ده روز پیش. پس وزیر اسماعیل را طلبید و ران او را برهنه کرد، آنان بعد از دیدن درمان او و نبودن اثری از جراحی در شگفت شدند به طوری که یکی از پزشکان که مسیحی بود فریادی کشید و گفت:

به خدا قسم این عمل از مسیح است.

وزیر در جواب گفت: این عمل هیچیک از شما نیست من می‌دانم کار کیست.

۳. امام زمان شیعیان را نجات می‌دهد

منطقه‌ی «بحرین» تحت استعمار انگلستان بود. آنها فردی از حامیان خود را حاکم آنجا کرده بودند. مردم بحرین به خاندان پیامبر محبت و مودت بسیار داشتند. آن حاکم وزیری بسیار خبیث و کینه‌توز داشت که نسبت به امام علی علیه السلام سخت دشمنی می‌ورزید و به شیعیان اذیت و آزار بسیار می‌رساند.

روزی آن وزیر به نزد حاکم آمد و گفت: معجزه‌ای کامل بر باطل بودن مذهب شیعه که می‌گویند جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام است، دارم. او با خود اناری داشت که بر پوست آن مطلبی به این مضمون نقش بسته بود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ وَ عُثْمَانُ وَ عَلِيٌّ خَلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ.

آن حاکم که خود نیز دشمن شیعیان بود خوشحال شد و این موضوع را دلیلی محکم بر بطلان مذهب شیعه دانست و آن دو تصمیم گرفتند به بهترین شکل از این موضوع در سرکوب شیعیان و نابودی آنان استفاده کنند؛ به همین جهت آنان بنا گذاشتند که علمای شیعه را نزد خود بخوانند و انار را به آنان نشان دهند، اگر جوابی نیافتند یا باید به مذهب حاکم و وزیر درآیند، یا همانند کفار جزیه و مالیات سنگینی بپردازند و ذلیل و خوار شوند و یا زنان و فرزندان آنان اسیر گشته و مردان ایشان کشته شوند.

علمای شیعه به دربار حاکم آمدند و بعد از دیدن انار و پیشنهاد حاکم سه روز مهلت خواستند و حاکم نیز قبول کرد. آنان گرد هم آمدند و تنها راه نجات را توسل به امام عصر حضرت بقیة الله (عج) و یاری خواستن از ایشان دانستند؛ به همین خاطر سه نفر از شایستگان و اهل تقوا را از بین خود انتخاب کردند که هر شب یکی از آنان به بیرون از شهر رود و در بیابان از آن حضرت یاری طلبد. دو شب گذشت و دو نفر اول تا صبح به دعا و مناجات مشغول شدند لیکن چیزی واقع نشد. شب سوم نوبت

سرور و شادی و دلگرمی تمام به نزد شیعیان بازگشت و هر چه آن امام بزرگ گفته بود انجام داد و خیانت وزیر فاش شد. حاکم گفت: این امور را کی به تو خبر داده است؟ او گفت: امام زمان و حجّت خدا بر ما. حاکم گفت: امام شما کیست؟ او نام تمامی امامان را ذکر کرد تا به امام زمان (عج) رسید. حاکم به حقانیت مذهب شیعه پی برد و شیعه شد و فرمان به قتل وزیر داد و از اهل بحرین عذرخواهی کرد.^۱

۴. امام زمان در کودکی از غیب خبر می‌دهد

«عمرو بن عوف» فرماندار حکومت عباسی تصمیم به قتل «ابراهیم بن محمد» یکی از شیعیان و یاران امام حسن عسکری علیه السلام گرفت، ترسی بزرگ ابراهیم را فراگرفته بود و قصد داشت از سامرا فرار کند، از خانواده‌اش خداحافظی کرد و برای آخرین دیدار با امام خود، خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسید. او می‌گوید: چون داخل منزل امام شدم ایشان را دیدم که کودکی خردسال را در بغل گرفته بود، صورتش مانند ماه شب چهارده می‌درخشید. من متحیر از درخشانی رویش شدم به طوری که فراموش کردم برای چه کاری به خانه‌ی امام آمده‌ام.

آن کودک نورانی به من فرمود:

ای ابراهیم! فرار مکن، خداوند شرّ او را - فرماندار - بزودی از تو دور می‌سازد.

این باعث شد که تحیّرم بیشتر گردد. به امام عسکری علیه السلام عرض کردم:

مولایم! ای فرزند رسول خدا! او کیست؟ او از هر چه در قلبم می‌گذرد خبر دارد.

امام علیه السلام فرمود:

او فرزندم است که جانشین من می‌باشد.

بعد از چندی «معتد» خلیفه‌ی عباسی برادرش را مأمور کرد و به او دستور داد

که آن فرماندار را به قتل رساند.^۲

۲. إثبات الهداة، ج ۲، ص ۷۰۰.

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸۳۰ - ۸۲۸.

۶. یاری امام زمان در پاسخ به دشمنان

یکی از علمای متعصب اهل سنت کتابی مفصل در رد شیعه نوشته بود و آن را برای مردم می‌خواند و آنان را نسبت به مذهب تشیع بدبین می‌نمود. علامه‌ی حلی (م ۷۲۶ هـ ق) تصمیم گرفت به هر قیمت آن کتاب را به دست آورد تا هم از تمامی مطالب آن آگاهی یابد و هم بر آن ردی بنویسد ولی آن عالم سنی کتاب را به هیچ کس نمی‌داد. علامه حلی مدتها به عنوان شاگرد به کلاس درسش رفت و با او ارتباط گرمی برقرار کرد و پس از مدتی از او تقاضا نمود که چند روزی آن کتاب را به عنوان امانت به وی دهد. او گفت: من عهد کرده‌ام که این کتاب را بیش از یک شب به کسی ندهم.

علامه فوراً قبول کرد و قول داد که فردای آن روز کتاب را به وی برمی‌گرداند. کتاب را گرفت، به خانه آورد و شروع به نوشتن آن کتاب کرد، لیکن کتاب دارای صفحه‌های بسیار بود و ممکن نبود تا صبح رونوشت آن کتاب تمام شود. نصف شب فرا رسید در حالی که علامه مقداری از آن کتاب را نوشته بود و خستگی و خواب، از توان او کاسته بود. ناگهان مردی با لباس عربی به خانه‌ی او آمد و پس از احوال‌پرسی به علامه گفت: نوشتن این کتاب را به من واگذار، تو خسته‌ای استراحت کن.

علامه قبول کرد، کتاب را در اختیار او گذاشت و به بستر رفت و خوابید. بعد از چندی که از خواب بیدار شد دید کسی در خانه نیست و آن کتاب قطور به طور معجزه‌آسایی تا آخر نوشته شده است و پایان آن نام مقدس امام زمان حضرت حجة بن الحسن (عج) نقش بسته و امضا شده است. آن‌گاه علامه فهمید که آن شخص، حضرت مهدی (عج) بوده است.^۱

۷. چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

فرمود: کتابی است برای تو نزد «ملا محمد تاج» برو و از او بگیر.
 من - در همان حال خواب و بیداری - از در مسجد بیرون آمدم و به محله‌ی
 «داربطیخ» اصفهان که محلّ زندگی «ملا محمد تاج» بود رفتم تا او را دیدم گفتم: تو
 را صاحب الأمر (عج) نزد من فرستاده؟ گفتم: آری. کتاب کهنه‌ای از زیر بغل بیرون
 آورد و به من داد. آن را باز کردم دیدم کتاب دعایی است آن را بوسیدم و بر چشم
 نهادم و به جانب آن حضرت بازگشتم.

در این وقت از آن حالت خارج شدم و دیدم کتاب با من نیست و شروع به گریه
 و ناله کردم و بعد از انجام نماز صبح و تعقیبات آن به محلّ درس خود رفتم. گمانم بر
 این بود که «ملا محمد تاج» همان «شیخ بهایی» استاد من است نزد وی رفتم و
 ماجرای خود را تعریف کردم، او گفت: بشارت باد تو را که خداوند علوم الهیه و
 معارف یقینیه و تمام آنچه را که همیشه می‌خواستی به تو می‌دهد ولی قلبم آرام
 نگرفت.

بیرون رفتم و به آن سمتی که محله‌ی «دارالبطیخ» می‌نامند حرکت کردم، مرد
 پارسایی را که اسمش «حسن» و ملقب به «تاج» بود دیدم، سلام کردم او گفت:
 مقداری کتاب وقفی نزد من است آنان که می‌گیرند به شرایط وقف عمل نمی‌کنند،
 تو عمل می‌کنی بیا و نگاه کن هر کدام را که خواستی بردار. با او به آنجا رفتم، اولین
 کتابی که به من داد همان کتابی بود که حضرت صاحب الأمر (عج) در خواب و
 بیداری سفارش آن را به من کرده بود. شروع کردم به گریه و زاری و گفتم: همین من را
 بس است و آن کتاب «صحیفه سجادیه» امام زین العابدین علیه السلام بود.^۱

۹. دعوت امام زمان از علی بن مهزیار

علی بن مهزیار بیست بار به حج رفت و در همه‌ی آنها مشتاق زیارت امام

۱. النجم الثاقب، ص ۳۳۷؛ روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۱۹ و ۴۲۰.

همراهی با امام را به تو دادند. به همراه او روانه شدم از «منی» و «عرفات» عبور کردیم و چون به پایین گردنه‌ی طائف رسیدیم گفت: ای ابوالحسن پیاده شو و برای انجام نماز آماده باش. با هم نماز شب را خواندیم سپس نماز صبح را ادا کردیم آن‌گاه سوار شدیم و به راه افتادیم، بالای گردنه که رسیدیم گفت: نگاه کن چیزی می‌بینی؟ نظر کن به بالای آن تل ریگ چیزی می‌بینی؟ نگاه کردم خیمه‌ای دیدم که از مو بافته شده بود و نوری از آن می‌تابید تمام آسمان و آن وادی را روشن کرده بود.

گفت: منتهای آرزوها آنجاست، دیده‌ات روشن باد. چون از آن گردنه گذشتیم گفت: از مرکب پایین بیا که در اینجا هر بزرگی خوار است. گفت: مهار شتر را واگذار. گفتم: آن را به که بسپارم؟ گفت: این وادی امن است داخل آن نمی‌شود مگر ولی خدا و خارج از آن نمی‌شود مگر ولی خدا. با هم تا نزدیکی خیمه رفتیم تمام خیمه نور بود. گفت: اینجا باش تا برای تو اجازه بگیرم، بعد از اندکی از خیمه بیرون آمد و گفت: خوشا به حال تو که اجازه یافتی.

داخل خیمه شدم آن حضرت را دیدم بر روی نمدی نشسته بود و به بالشی تکیه داشت سلام کردم بهتر از سلام من پاسخ گفت. رویش مانند ماه شب چهارده بود. ابروانش باریک و به هم پیوسته، چشمهایش سیاه و درشت، بینی اش کشیده، گونه‌هایش در نهایت حسن و جمال، و برگونه‌ی راستش خالی ریز بود. موی خوشبویش نزدیک نرمه‌ی گوشش بود و از پیشانی مبارکش نوری می‌درخشید. در نهایت سکینه و وقار، حیا و خوش‌برخورداری بود. احوال یک‌یک شیعیان را از من پرسید، عرض کردم در دولت عباسیان در نهایت مشقت و خواری زندگی می‌کنند. فرمود: روزی بیاید که شما مالک آنان باشید و آنان در دست شما خوار باشند.

او فرمود: پدرم از من پیمان گرفته که در جایی که پنهان‌ترین و دورترین جاهاست زندگی کنم تا از دسیسه‌ی اهل فساد و گمراهی در امان باشم تا خداوند اجازه‌ی ظهور دهد. پدرم فرمود:

این کاروان فردی پارسا، پرهیزکار و دینداری کامل بود. سوزش آفتاب از آسمان و جوشش گرمای شنزارهای آنجا تاب و تحمل را از او ربوده بود و کم‌کم از قافله عقب می‌افتاد، کاروان می‌رفت و او می‌ماند تا جایی که آن قافله از دیده‌هایش ناپدید و او در صحرائی برهوت و سوزان تنها ماند و تشنگی او را از پای انداخته بود و مرگ را جلوی چشم خود احساس می‌کرد، توانش به پایان رسیده و صدایش از گلو و لبهای خشکیده‌اش بیرون نمی‌آمد، او دیگر تسلیم مرگ شده بود. ناگهان صدای اسبی توجه او را جلب کرد با بی‌رمقی به سویش نظر کرد و دید جوانی خوشرو و خوشبوی بر آن اسب سوار است، به نزد او آمد و با دست خود به او آب داد، آبی که از عسل شیرین‌تر و از برف خنک‌تر بود، آن جوان با این کار جان دوباره‌ای به او عطا کرد. گفت: ای مولای من تو کیستی که این مرحمت را در حق من کردی.

فرمود: من حجّت خدا بر بندگان خدا و بقیة الله در زمینم، آن کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که سراسر ظلم و جنایت شده باشد. من فرزند «حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی علیه السلام» هستم. فرمود: چشمهایت را ببند سپس فرمود: بگشا، چشمهایم را باز کردم دیدم پیش روی قافله‌ی خود هستم. آنگاه ایشان از نظرم غایب شد.^۱

احادیثی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

نور کلام معصومان، همواره هدایت‌گر حقیقی انسان در حیات دنیوی، و عمل گبه آن، ضامن سعادت دنیوی و اخروی است. سخن هر معصوم، بیان خطّ ارشاد انسان به ولایت کدهی محبت الهی است. در عصر حاضر، فهم و درک بیانات و کلام امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای شناخت راه سعادت و نظرات آن امام ضرورت دارد و ما در این مجموعه، چهارده کلام نورانی از آن امام را بیان می‌کنیم:

۱. أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي.^۱

«من آخرین جانشین پیامبرم و خداوند به خاطر من بلا و گرفتاری‌ها را از خاندانم و شیعیانم دفع می‌کند.»

۲. إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ.^۲

«من حافظ و نگهدار اهل زمینم همان‌طور که ستاره‌ها حافظ اهل آسمانند.»

۳. أَمَّا وَجْهُ الْإِثْفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي، فَكَالْإِثْفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيْبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ

السَّحَابِ.^۳

«بهره‌مندی مردم از من در زمان غیبت همانند استفاده کردن از خورشید است در زمانی که

ابرها آن را از دیده‌ها پنهان می‌دارند.»

۴. إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاغَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱؛ منتخب الأثر، ص ۳۶؛ علم الیقین، ج ۲، ص ۹۸۱؛

مکیال المکارم، ج ۱، ص ۹۶؛ کلمة الإمام المهدي، ص ۵۲۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۸۱؛ کشف الغمة، ج ۳، ص ۴۵۷؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵.

۳. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱؛ کشف الغمة، ج ۳، ص ۴۵۷؛ الاحتجاج، ج ۲،

ص ۲۸۴؛ نوادر الأخبار، ص ۲۴۱؛ علم الیقین، ج ۲، ص ۹۶۵؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ کلمة الإمام المهدي،

ص ۲۲۵.

وَأَضَلَّكُمْ الْأَعْدَاءُ.^۱

«ما - اهل بیت - از توجه و عنایت به شما غافل نیستیم و هرگز شما را فراموش نمی‌کنیم، اگر این‌گونه نبود، شداید و مشکلات فراوان شما را فرامی‌گرفت و دشمنان بر شما چیرگی می‌یافتند و بنیان شما را برمی‌چیدند.»

۵. أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.^۲

«برای تعجیل و نزدیک تر شدن ظهورم بسیار دعا کنید که فرج و گشایش امر شما در همین است.»

۶. إِذَا أَدِنَ اللَّهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَأَضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ وَأَنْحَسَرَ عَنْكُمْ وَإِلَى اللَّهِ أَرْغَبُ فِي الْكِفَايَةِ وَجَمِيلِ الصَّنْعِ وَالْوَلَايَةِ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.^۳

«هرگاه خداوند اجازه‌ی سخن‌گفتن به ما دهد حق آشکار می‌شود و باطل نابود شده و از شما دور می‌گردد و من تنها به خداوند برای بی‌نیازی‌ام و سرانجام خوش امور و یاری و حمایت روی می‌آورم که خداوند برای ما بس است و بهترین یاور است. و درود خداوند بر محمد و خاندان او باد.»

۷. وَلَوْلَا أَنَّ أَمْرَ اللَّهِ لَا يُغْلَبُ وَسِرَّةُ لَا يُظْهَرُ وَلَا يُعْلَنُ، لَظَهَرَ لَكُمْ مِنْ حَقِّنَا مَا تَبْهَرُ مِنْهُ عُقُولُكُمْ وَيُزِيلُ شُكُوكَكُمْ، لَكِنَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَلِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَسَلُّمُوا لَنَا وَرُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا.^۴

«اگر نه این بود که خواسته‌ی خداوند شکست‌ناپذیر بوده و اسرار الهی را نباید فاش و اعلان نمود، برایتان آن قدر از ارزش و حق اهل بیت آشکار می‌کردم که عقلهای شما به حیرت افتد و تمامی شکهای شما زایل گردد؛ ولی خواسته خداوند تحقق می‌یابد و برای هر پایانی وقتی است.»

۱. بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳؛ مکیال‌المکارم، ج ۱، ص ۴۴.
 ۲. کشف‌الغمة، ج ۳، ص ۴۵۸؛ علم‌الیقین، ج ۲، ص ۹۶۵؛ مکیال‌المکارم، ج ۱، ص ۳۰۰؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۲۵؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ کلمة‌الإمام‌المهدی، ص ۲۲۸.
 ۳. نوادرالأخبار، ص ۲۳۸؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۶؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۱؛ غیبة‌النعمانی، ص ۱۷۴.
 ۴. بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ نوادرالأخبار، ص ۲۴۰؛ کلمة‌الإمام‌المهدی، ص

پس تقوای الهی را پیشه کنید و در خطا ولایت ما باشید و امور را به ما بسپارید.»

۸. وَلْيَعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا وَلَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَابٌ مُفْتَرٍ وَلَا يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ.^۱

«... و باید بدانند که حق با ما و در خاندان ماست و هرگز این مطلب را دیگری به زبان نمی آورد مگر این که دروغ گو و یا وه سرا بوده، و این مهم را کسی غیر از ما ادعا نمی کند مگر این که گمراه و هواپرست باشد.»

۹. وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِي أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ وَسَيَرْدَى الْجَاهِلِ رِذَاءَةٌ عَمَلِيهِ وَسَيَعْلَمُ الْكَافِرُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ.^۲

«الگوی کامل من حضرت فاطمه زهراء عليها السلام دختر بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، و به زودی نادانان گرفتار عمل پلید خویش شوند و چندی دیگر بی دینان خواهد دانست که عاقبت روشن از آن چه کسی خواهد بود.»

۱۰. وَالْعَاقِبَةُ - بِجَمِيلِ صُنْعِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ - تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ، مَا اجْتَنَبُوا الْمَنَهِيَ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ.^۳

«عاقبت کار - به واسطه ی اراده ی عالی خداوند سبحان - پسندیده و نیکو و به سود شیعیان است، تا وقتی که از گناهان دوری کنند.»

۱۱. لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهُمُ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا، فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَنْصِلُ بِنَا مِنْ نَكْرَهُهُ وَلَا تُوْثِرُهُ مِنْهُمْ.^۴

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱؛ کلمة الإمام المهدي، ص ۲۴۷.
 ۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰؛ نوادر الأخبار، ص ۱۲۴۰؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ کلمة الإمام المهدي، ص ۲۴۱.
 ۳. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵؛ کلمة الإمام المهدي، ص ۱۵۱؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۹۱ و ۴۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱۷۷؛ نوادر الأخبار، ص ۲۴۵.
 ۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱۷۷؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵؛ نوادر الأخبار، ص ۲۴۵؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱.

«اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به بندگی خویش موفق بدارد - در وفای به عهد و پیمانی که بر آنان است یک دل و متحد می شدند میمنت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد و سعادت ملاقات عارفانه و صادقانه با ما برای آنان سریعاً حاصل می شد. لیکن امور ناشایستی که از آنان سر می زند و ما نیز بر آن آگاهیم، ما را از آنان دور کرده و موجب جدایی ما شده است.»

۱۲. اِنَّا يُحِيطُ عَلَمُنَا بِاَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ اَخْبَارِكُمْ وَمَعْرِفَتُنَا بِالزَّلَّلِ الَّذِي اَصَابَكُمْ مُذْ جَنَحَ كَثِيرٌ مِّنْكُمْ اِلَى مَا كَانَ اَلْسَلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعاً وَنَبَذُوا اَلْعَهْدَ اَلْمَاخُوذَ مِنْهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ، كَاَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.^۱

«علم ما بر همه‌ی امور شما احاطه دارد و چیزی از اخبار شما بر ما پنهان نمی ماند. ما بر لغزشهای شما آگاهیم، آن هنگام که بسیاری از شما به امور ناشایستی که خوبان گذشته از آن دوری می جستند، روی می آورید و پیمان ولایتی را که با ما بسته‌اید پشت سر می اندازید؛ به طوری که گویا هرگز از آن عهد خبری نداشته‌اید.»

۱۳. فَيَعْمَلُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْكُمْ مَا يَفْرُبُ بِهِ مِنْ مَّحَبَّتِنَا وَلَيَسْجَنِبُ مَا يُذْنِبُهُ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا، فَاِنَّ اَمْرَنَا بَعْتَةٌ فَجَاهَةٌ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَنَى حَوْبَةٍ.^۲

«هرکدام شما باید به آنچه که موجب نزدیک شدن به دوستی ما می شود عمل کند و از آنچه که باعث نزدیکی شما به ناراحتی ما می گردد دوری ورزد؛ زیرا فرج ما ناگهانی است و در آن زمان، توبه نفعی ندارد و پشیمانی بعد از گناه باعث نجات از کیفر ما نمی گردد.»

۱۴. فَمَا اُرْغِمَ اَنْفُ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِّثْلِ الصَّلَاةِ فَصَلَّاهَا وَاُرْغِمَ اَنْفُ الشَّيْطَانِ.^۳

«هیچ چیزی همانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد. پس نماز گزارید و بینی شیطان را به خاک مالید.»



۴۶۰-۴۵۹: کلمة الإمام المهدي، ص ۱۵۱.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵: الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳: نوادر الأخبار، ص ۲۴۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶: الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲: کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰: الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۸: کلمة الإمام المهدي، ص



پرسش و پاسخ

۱ - آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه زمان ظهور خود را می‌داند و آیا می‌شود در آن خداوند تجدیدنظر کند و آن حضرت زودتر ظهور نماید؟

آری، ایشان وقت ظهور خویش را می‌دانند، و خداوند آن زمان را به زمان نزدیکتر یا دورتری تغییر نمی‌دهد؛ زیرا این وعده‌ی خداست و وعده‌ی خداوند تخلف‌ناپذیر است، ولی دعا کردن برای تعجیل در ظهور امام زمان برای خود انسان آثار معنوی و ارتباطی بسیاری دارد و موجب تقویت ایمان به آن حضرت و انتظار ظهور ایشان و عدم رضایت دعاکننده از شرایط موجود می‌گردد؛ به همین جهت حضرت حجة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه از شیعیان دعای تعجیل در ظهور خود را خواهان است.

۲ - برخی می‌گویند دین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اسلام جدیدی است که با این اسلام فرق دارد، آیا صحیح است؟

خیر، دین اسلامی که آن حضرت به جهانیان معرفی می‌کند و مبنای قیام و حکومت جهانی آن بزرگوار است، اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که منطبق با قوانین و برنامه‌ها و معتقدات شیعی می‌باشد. و اگر در احادیثی دیده می‌شود که آن امام اسلام جدید به جهان عرضه می‌کند، مراد این است که همان‌طور که پیامبر گرامی اسلام، دین اسلام را به جاهلیت آن روز معرفی کرد و آنان از اسلام چیزی نمی‌دانستند؛ آن حضرت نیز همان اسلام را به جهان معرفی می‌کند درحالی که اکثریت جهانیان از اسلام راستین که در مذهب تشیع متجلی است چیزی نمی‌دانند؛ چون اکثریت مردم جهان یا غیرمسلمان و یا غیرشیعی هستند، و تمامی مسائل اختلافی بین علمای شیعه و مجهولات علمی را حل و بیان می‌نماید.

۳ - در احادیثی ذکر شده است که تمام قیامهای قبل از ظهور حجت عجل الله تعالی فرجه باطل است، مراد کدام قیام‌هاست؟

مراد آن قیام‌هایی است که رهبران آن ادعای امام زمان بودن می‌کنند و مردم را به این شکل

به دور خود جمع می‌نمایند، ولی قیام‌های ضد ظلم و جور و دین‌ستیزی یک تکلیف شرعی است.

۴ - بهترین دعا برای سلامتی آن حضرت کدام است؟

۱. دعای فرج «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحَجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ...» که در مفاتیح الجنان در اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان آمده است.

۲. دعای امام رضا علیه السلام برای حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه که در آغاز آن اینگونه است «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتَكَ وَحِجَّتَكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ...» که در آخر مفاتیح الجنان موجود است.

۵ - بهترین دعا برای شناخت، توسل، و پیمان و عهد با امام زمان علیه السلام کدام است؟

دعای عهد، زیارت آل‌یس، دعای ندبه، زیارت جامعه‌ی کبیره.

۶ - بهترین کار جهت آمادگی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه چیست؟

خود و جامعه را با ایمان به اعتقادات تشیع و عمل به تقوا، مسلمان واقعی ساختن، و دعا برای تعجیل در ظهور، و ولایت اهل بیت علیهم السلام داشتن و خود را مهیای ظهور کردن.

۷ - «دجال» از کجا ظهور می‌کند و ادعای خدایی می‌کند؟

او از منطقه‌ای یهودی‌نشین در خاورمیانه ظهور می‌کند و یهودیان و جاهلان پیرو او می‌شوند. سپس به فلسطین اشغالی که مرکز تجمع یهودیان است می‌رود و در آنجا با لشکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه و حضرت عیسی علیه السلام مقابله می‌کند و کشته می‌شود.

۸ - اگر شخصی با خصوصیات امام زمان ظهور کند از کجا بدانیم او صحیح می‌گوید و او همان

امام زمان راستین است؟

اولاً باید علائم ظهور وجود داشته باشد و ناگفته نماند که ظهور امام زمان چندان عظیم و شگرف است که کسی شکی در راستین بودن آن نمی‌کند. و ثانیاً در موارد ابهام باید به بزرگان دین و مراجع عظام مراجعه کرد.

۹ - اگر کسی ادعای سید خراسانی بودن کند و بگوید برای یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه

می‌خواهد قیام کند از کجا بدانیم صحیح می‌گوید؟

یکی از علائم صحت این ادعا، هم زمان بودن قیام او با قیام سفیانی در شام و یمانی در یمن است، و در موارد ابهام باید به بزرگان دین و مراجع عظام مراجعه کرد.

- ۱۰ - آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در جزیره‌ی خضراء زندگی می‌کنند؟
خیر، ایشان طبق مضامین روایات در منطقه‌ی خاورمیانه زندگی می‌کنند.
- ۱۱ - یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در زمان ظهور بیشتر از کجا هستند؟
از کشورهای ایران و عراق و لبنان.

- ۱۲ - مسجدهای منسوب به امام زمان کدام است؟
مسجد جمکران در قم، و مسجد سهله در کوفه.

- ۱۳ - بیشترین مکانی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه در زمان غیبت کبرا دیده شده کجاست؟
عرفات، مدینه و مراکز عبادی مثل مشهد مشرفه‌ی معصومین و قبور مطهر امام زاده‌ها و مساجد مهم مثل مسجد سهله، کوفه، مسجد الحرام و مسجد النبی.

- ۱۴ - آیا کسانی که ادعا می‌کنند امام زمان عجل الله تعالی فرجه را دیده‌اند صحیح می‌گویند یا خیر؟
هر چیزی ممکن است، لکن آنان که مشرف به زیارت ایشان می‌شوند مهر سکوت بر لب دارند و اگر بیان می‌کنند تنها به خاطر اثبات وجود مطهر آن حضرت در آن زمان است و آن هم فقط به افرادی خاص می‌گویند و گاهی نیز از آنان تعهد می‌گیرند که تنها بعد از مرگشان برای دیگران گفته شود.

- ۱۵ - آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه همسر و فرزند دارند (با توجه به اینکه به ایشان اباصالح می‌گویند)؟
وجود کنیه‌ی امام به صورت «اباصالح» دلیل بر همسر و فرزند داشتن ایشان نمی‌شود؛ زیرا در عرب رسم است که به افراد هرچند مجرد باشند، کنیه داده می‌شود. در این باره اطلاع دقیقی در دست نیست لکن برخی از آگاهان می‌گویند: ایشان همسر و فرزندی ندارد. هرچند گروه دیگری می‌گویند آن حضرت دارای فرزند و همسر است.

شایان ذکر است که این سؤال و مشابه آن از امور شخصی آن بزرگوار است و علم یا جهل به آن تأثیری در نحوه‌ی ارتباط ما با آن حضرت و انجام وظایف در قبال ایشان ندارد.

۱۶ - امام زمان عجل الله تعالی فرجه در زمان غیبت کبرا کجا و چگونه زندگی می کند؟

آن حضرت در منطقه‌ی خاورمیانه، به صورت آزاد و دور از هیاهوهای شهری زندگی می کنند.

۱۷ - چرا فرض اینکه خداوند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در آخر زمان متولد کند و سلسله‌ی

امامت امامان علیهم السلام تا امام عسکری علیه السلام پایان یابد صحیح نیست؟

چون روایات متعددی داریم - که در این کتاب به آنها اشاره شد - که دلالت می کنند آن

حضرت نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام است و روشن است که نهمین شخص از نسل

ایشان فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است.

دلیل دیگر اینکه اگر ایشان در آخر الزمان متولد می شد، جهان بعد از شهادت امام

عسکری علیه السلام بدون امام و واسطه‌ی فیض وجود و بقای جهان می ماند که طبیعتاً باید جهان

منهدم می گشت.

به تصریح پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز امامان معصوم بیش از دوازده نفر نمی باشند تا

بتوان گفت: شاید بعد از امام عسکری علیه السلام تا آخر الزمان که زمان امامت حضرت مهدی علیه السلام است

امامان دیگری وجود داشته اند. به همین خاطر هیچ کس ادعای وجود امام بین امامت امام

عسکری و امامت امام زمان نکرده است.

۱۸ - آیا تاکنون افرادی به طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه وجود داشته اند؟

آری، برخی عمر جاویدان دارند مثل حضرت خضر، ابلیس، و برخی عمر بسیار طولانی

داشته اند مثل حضرت آدم، نوح. و برای خداوند که قادر به ایجاد هر چیز است اعطای عمر

طولانی به حجت خود، کاری سخت یا غیرممکن نمی باشد.

۱۹ - آیا امام حسین علیه السلام در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه رجعت می کنند و در

صورت رجعت مدت حکومت آن حضرت چقدر است و کیفیت حکومت ایشان با توجه به ظهور امام

زمان چگونه است؟

آری، و پس از رحلت امام زمان نیز زنده می باشند و در این زمان حکومت خواهند کرد.

شایان ذکر است که امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام نیز رجعت کرده و او هم مدت زیادی حکومت خواهد کرد.

۲۰ - آیا مذاهبی هستند که برخی از امامان شیعه غیر حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه و

یا بعضی از اولاد آن بزرگواران را امام زمان بدانند؟

آری، برخی از مذاهب قائل به امام زمان بودن غیر آن حضرت می‌باشند. مثل مذهب «کیسانیه» که قائل به امام زمان بودن محمد بن حنیفه هستند یا مذهب «واقفیه» که معتقد به امام زمان بودن امام «موسی بن جعفر» علیه السلام می‌باشند یا مذهب «اسماعیلیه» که قائل به امام زمان بودن «اسماعیل» فرزند امام صادق علیه السلام می‌باشند و معتقد هستند که آنان اکنون در پرده‌ی غیبند.

۲۱ - یاوران آن حضرت قبل از ظهور می‌دانند که از یاوران ایشان هستند یا بعد ظهور متوجه

می‌شوند و اگر می‌دانند الآن با آن امام ارتباط دارند یا خیر؟

برخی از آنان می‌دانند و برخی دیگر هنگام ظهور به آنان ابلاغ صحابی بودنشان می‌شود، و هم‌اینک برخی از اخیار در صورت اجازدهی آن امام به خدمت ایشان می‌رسند.

۲۲ - دعا کردن و صدقه‌دادن برای سلامتی آن حضرت با توجه به اینکه خداوند حافظ اوست

چگونه توجیه می‌شود؟

این کار بیش از آن که برای آن حضرت اثرگذار باشد برای ما مؤثر است و موجب توجه بیشتر ما به آن حضرت و توجه و عنایت آن حضرت به ما می‌شود. و چون آن حضرت همانند دیگر امامان به صورت طبیعی و بشری زندگی می‌کنند همیشه اطراف ایشان در معرض وقوع حوادث ناگوار طبیعی است، به همین خاطر آن صدقات و دعاها موجب عنایت و زیادت سلامت ایشان می‌گردد، هرچند آن امام هرگز مریض نمی‌شوند.

۲۳ - آیا حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه به مرگ طبیعی فوت می‌کنند یا شهید می‌شوند

و در صورت شهادت، قاتل او کیست؟

آن حضرت به مرگ طبیعی از دنیا رحلت خواهند کرد؛ چون آن حضرت به علم الهی خود اتکا می‌کنند و بر طبق آن عمل می‌نمایند، به همین خاطر کسی نمی‌تواند ایشان را بفریبد و از طرف دیگر او بر مبنا و روال عادی عمل نمی‌کند. به خلاف دیگر امامان علیهم السلام که طبیعی و عادی در این امور عمل می‌کردند و با آن که می‌دانستند که این چیز مسموم و قاتل است آن را می‌خوردند؛

چون می‌دانستند که پایان زندگی دنیوی‌شان به این شکل از ناحیه‌ی خداوند ترسیم شده و تسلیم حکم خداوند بودند.

۲۴ - در احادیث بسیاری است که ایشان بعد از ظهور با جنگ و خون‌ریزی جهان را فتح

می‌کنند، آیا این با روح صلح و نوع دوستی ایشان سازگار است؟

آن حضرت همانند پیامبر گرامی اسلام ﷺ دارای دو گونه رفتار است:

۱. کسانی که در مقابل جبهه‌ی دین قرار نمی‌گیرند بلکه در درون جبهه‌ی دین هستند رحمت و محبت آن حضرت شامل حال آنان می‌شود.

۲. ستمگران و استکبار جهانی و رهبران دین‌ستیز و پیروان آنان، که حضرت با شدت تمام

با آنها برخورد می‌کند. و می‌دانیم تنها راه دفع غده‌ی سرطان ابتذال و ستم، نابودی آن است.

جهان سیاسی معاصر به سردمداری امریکا و اسرائیل و حامیان آنها تنها با منطق زور

قابل اصلاح است؛ زیرا که آنها از تمام مراکز حقوق بشری و بین‌المللی برای اهداف خود سوءاستفاده می‌کنند و آنها را به خدمت خود گرفته‌اند.

۲۵ - با ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه علوم و معارف الهی از زبان و قلم ایشان بیان می‌شود، آیا

به فقهاء و مراجع تقلید در آن زمان نیاز است؟

با ظهور آن بزرگوار، تمامی مسائل اختلافی فقهی و اعتقادی روشن می‌شود، لکن جامعه

بی‌نیاز از فقها و بزرگان دین نمی‌باشد، آنان نمایندگان و وکلا و مرجع علمی مردم هستند که مبانی

اعتقادی و فقهی مورد نظر امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه را برای مردم مناطق مختلف بیان می‌کنند.

۲۶ - روابط سیاسی دولت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه با دیگر دولت‌های جهان چگونه است؟

شایان ذکر است که در زمان حکومت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه تمامی حکومت‌های جهان،

سقوط می‌کنند و تنها یک حکومت واحد جهانی به امامت آن بزرگوار تشکیل می‌شود، به همین

خاطر در آیات و روایات همواره از حکومت اسلامی آن حضرت بر تمام زمین وعده داده شده است:

﴿لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون﴾^۱

«بی‌گمان ما در زبور و تورات نوشته‌ایم که زمین به بندگان شایسته‌ی ما خواهد رسید.»

۲۷ - چگونه خود را به ساحت مقدس امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه نزدیک کنیم و احساس قرابت

نماییم و در زمان غیبت از دین آن بزرگوار منحرف نشویم؟

با تطابق مبانی اعتقادی و عملی خود با دین امام زمان، طوق ولایت خاندان پیامبر و امامت ایشان را به گردن انداختن، دعا برای سلامت و تعجیل در ظهورش، مهیا کردن خود و جامعه برای ظهور، دعای عهد و ندبه و زیارت آل یس و دعای معرفت خواندن^۱ و نماز امام زمان به جا آوردن.

۲۸ - حضرت حجت‌بن‌الحسن در زمان غیبت چه نوع غذایی می‌خورند و چه لباس‌هایی

می‌پوشند؟

ایشان در شیوه‌ی زندگی خود همان روش امیرمؤمنان علیه السلام را دارند.

۲۹ - آیا ملاقات با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه در زمان غیبت کبرا مقدور است یا خیر؟

آری، لکن هر کس را که خود آن حضرت شایسته‌ی این موهبت بدانند سعادت زیارت می‌یابد.

۳۰ - آیا قیام امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه با شمشیر است - احادیث زیادی در این باره داریم - در

حالی که هم‌اینک با وسایل تسلیحاتی فوق تکنولوژیک جنگ می‌شود؟

امام زمان در هر عصر با ابزار نظامی آن زمان می‌جنگد و چون در زمان بیان آن احادیث مردم آشنایی با ابزار جنگی زمان ظهور نداشتند، ائمه برای بیان چگونگی برخورد امام زمان با استکبار از ابزار جنگی آن زمان که شمشیر بوده است، نام برده‌اند.

۳۱ - چگونه می‌شود امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه با ۳۱۳ نفر و ده هزار نفر جنگجو تمام قوای نظامی

استکبار با آن توان فوق‌العاده را منهدم کند؟

امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه به یاری خدا و فرشتگان و نیروی فوق بشری این ۳۱۳ نفر و رشادت آن ده هزار نفر و همکاری مردم مظلوم جهان و از کار افتادن تسلیحات اتمی و خطرناک استکبار توسط فرشتگان بر ستمگران جهان پیروز خواهد شد.

۱. دعای معرفت از امام صادق علیه السلام نقل شده است، ایشان فرموده‌اند که در زمان غیبت حضرت حجت‌بن‌الحسن این دعا را بخوانید: «اللهم عرفني نفسك فانك إن لم تعرفني نفسك لم أعرف نبيك. اللهم عرفني رسولك فانك إن لم تعرفني رسولك لم أعرف حجتك اللهم عرفني حجتك فانك إن لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني.»

۳۲ - سید حسنی کیست و نقش آن در قیام و ظهور امام زمان (عج) چیست؟
او از سادات و از چهره‌های ممتاز تشیع است. وی قبل از ظهور امام زمان با جمعی از
هواداران خود قیام می‌کند ولی توسط دشمنان شهید می‌شود.
شایان ذکر است که برخی او را همان «نفس زکیه» و برخی او را «سید خراسانی» می‌دانند.

منابع و ماخذ

- اتفاق در مهدي موعود، سيد علي اكبر قرشي، دفتر انتشارات اسلامي، قم - ايران، ۱۳۷۶ ش.
- اثبات الهداة، محمد بن حسن حر عاملي، انتشارات علميه، قم - ايران.
- الاحتجاج، احمد بن علي طبرسي، انتشارات قدس محمدي، قم - ايران.
- الإرشاد، شيخ مفيد، انتشارات علميه اسلامي، تهران - ايران.
- أعلام الهداية، المجمع العالمي لأهل البيت، قم - ايران، ۱۴۲۲.
- أعيان الشيعة، سيد محسن امين، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت - لبنان ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م.
- أمالى شيخ صدوق، شيخ صدوق، انتشارات اسلامي، تهران - ايران، ۱۳۶۲ ش.
- اوپانيشاد، محمد بن شاه جهان، ترجمه محمد داراشكوه، كتابخانه طهوري، تهران - ايران، ۱۳۵۶ ش.
- الإيضاح، فضل بن شاذان، با تحقيق جلال الدين حسيني، تهران - ايران.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسي، داراحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م.
- البرهان في تفسير القرآن، سيد هاشم بحراني، دارالكتب العلمية، قم - ايران.
- بصائر الدرجات، محمد بن حسن فروخ الصفار، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشي، قم - ايران، ۱۴۰۴ ق.
- جاماسب نامه، جاماسب بن لهراسب، نشر ملك الكتاب، بمبئي - هند، ۱۳۱۲ ق.
- الحقايق، فيض كاشاني، انتشارات دارالكتب الاسلامي، قم - ايران، ۱۴۰۹ ق.
- الحكم الزاهرة، صابري يزدي، انتشارات جامعه مدرسين، قم - ايران، ۱۳۶۱ ش.
- الحياة، محمدرضا و محمد و علي حكيمي، انتشارات جامعه مدرسين، قم - ايران، ۱۴۰۱ ق.
- الخصال، شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسين، قم - ايران، ۱۳۶۳ ش.
- خورشيد پنهان، جمعي از نويسندگان، مسجد صدرية، تهران - ايران، ۱۴۰۱ ق.
- چهل چراغ آسمان عصمت، صفايي بوشهري، جامعه القرآن، قم - ايران، ۱۳۸۰ ش.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، آقا بزرگ تهراني، نجف - عراق، ۱۳۹۸ ق.
- روضة المتقين، محمد تقى مجلسي، بنياد فرهنگي اسلامي، قم - ايران، ۱۳۹۹ ق.
- الصواعق المحرقة، ابن حجر الهيتمي، مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان، ۱۴۱۷ ق - ۱۹۹۱ م.
- عقد الدرر، يوسف بن يحيى المقدسي، انتشارات نصايح، قم - ايران، ۱۴۱۶ ق.
- علل الشرايع، شيخ صدوق، دارالحجة للثقافة، بيروت - لبنان، ۱۴۱۶ ق.

- علم اليقين، فيض كاشاني، انتشارات بيدار، قم - ايران، ۱۳۷۷ ش.
- عيون أخبار الرضا، شيخ صدوق، كتاب فروشى طوس، قم - ايران، ۱۳۶۳ ش.
- غيبة النعماني، محمد ابراهيم نعماني، مكتبة الصدوق، تهران - ايران.
- الفصول المهمة في معرفة الأئمة، ابن صباغ مالكي، انتشارات علمي، تهران - ايران.
- فلاح السائل، سيد بن طاووس، انتشارات دفتر تبليغات حوزه علميه قم، قم - ايران.
- الفوائد الرضوية، شيخ عباس قمي، مشهد - ايران.
- الكافي، ابو جعفر محمد بن يعقوب كليني، دارالكتاب الإسلامية، تهران - ايران، ۱۳۶۵ ش.
- كشف الغمة، ابوالحسن علي بن عيسى اربلي، نشر ادب حوزه و كتاب فروشى اسلاميه، قم - ايران.
- كفاية الأثر، علي بن محمد خزاز قمي، نشر بيدار، قم - ايران، ۱۴۰۱ ق.
- كلمة الإمام المهدي، سيد حسن شيرازي، مؤسسة الوفاء، بيروت - لبنان، ۱۴۰۴ ق.
- كمال الدين و تمام النعمة، شيخ صدوق، انتشارات اسلامي، قم - ايران، ۱۴۰۵ هـ - ۱۳۶۳ ش.
- كنز العمال، علي بن حسام الدين هندي، مؤسسه الرسالة، بيروت - لبنان، ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹.
- مجمع البيان، ابو علي فضل بن حسن طبرسي، منشورات كتابخانه آيت الله مرعشي، قم - ايران، ۱۴۰۷ ق.
- المحجة البيضاء، فيض كاشاني، انتشارات جامعه مدرسين، قم - ايران.
- مكيال المكارم، محمد تقى موسوي اصفهاني، چاپخانه علميه، قم - ايران، ۱۳۹۸ ق.
- منتخب الأثر، لطف الله صافي، انتشارات صدر، تهران - ايران.
- منتهى الآمال، شيخ عباس قمي، انتشارات هجرت، قم - ايران.
- من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسين، قم - ايران.
- الميزان، سيد محمد حسين طباطبائي، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان، قم - ايران، ۱۳۹۴ هـ - ۱۹۷۴ م.
- النجم الثاقب، ميرزا حسين طبرسي نوري، انتشارات اسلاميه، تهران - ايران.
- نوادير الأخبار، فيض كاشاني، مؤسسه مطالعه و تحقيقات فرهنگي، تهران - ايران، ۱۳۷۲ ش.
- وسايل الشيعة، محمد بن الحسن الحر العاملي، داراحياء التراث العربي، بيروت - لبنان.
- ينابيع الحكمة، عباس اسماعيلي يزدي، مسجد جمكران، قم - ايران، ۱۳۷۹ ش.
- ينابيع المودة، سليمان بن ابراهيم القندوزي الحنفي، المكتبة الحيدرية، نجف - عراق، ۱۳۸۴ ق، ۱۹۶۵ م.
- اليواقيت و الجواهر، عبدالوهاب انصاري شعراني، قاهره - مصر.